

۳۰ سالگرد نشر امور فرهنگی

سال نهم - پاییز ۱۳۸۰ - بهار ۲۰۰۰ ریال

همراه با ویژه نامه آموزش تاریخ



- خط بین المللی زمان چیست؟ ● آموزش علوم با کیفیت برتر
- مورخان از دیدگاه ابوریحان بیرونی ● شرح تغییرات فارسی دوم



پرتره استاد علی رحمانی اثر مرتضی کائوریان



دخترک پشت در بسته (موزاییک از سنگ)



یاق سمدی (موزاییک از سنگ)



باد انام کودکی (رنگ و روغن روی بوم)



نوش دارو پس از مرگ سهراب (رنگ و روغن روی بوم)

فردوسی (رنگ و روغن روی بوم)



رستم در مازندران (رنگ و روغن روی بوم)



- مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده
- سردبیر: جعفر ربانی
- مدیر داخلی: منصور ملک عباسی
- طراح گرافیک: پریسا سندسی
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
- تیراژ: ۱۵۰۰۰
- نشانی دفتر مجله: تهران،
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۷۵۸۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۷
- E.mail: Roshd_office@yahoo.com



دفتر انتشارات کمک آموزشی، این مجلات را منتشر می کند؛ رشد کودک، آروز، پیش‌بینان و دانش‌آموزان کلاس اولی (دستان)، رشد آموزش آرای دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان، رشد دانش‌آموز آرای دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان، رشد نوجوان آرای دانش‌آموزان دوره راهنمایی، رشد جوان آرای دانش‌آموزان دوره متوسطه، مجلات رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، و آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک، آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زیست، آموزش ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا، آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی آرای دبیران، آموزگاران، دانشوران تربیت معلم، معلمان مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش.



روصدت فرهنگی ایران
در سراسر و مسوودهای تاریخی
طرح جلد از: پریسا سندسی

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی



سرمقاله

تعلیم و تربیت و تزکیه درون (۳)

سید محمد طباطبائی

شرحی بر آیات ۱۵-۱۰ سوره مبارکه بقره (۴)

محمد حسن مکارم

توسعه تمرین‌های نگارشی کتاب فارسی (۸)

تیمور رضایی

شرح تغییرات فارسی دوم (۱۳)

تیمور رضایی

آموزش علوم با کیفیت برتر (۱۷)

سعید لاریش

مدیریت پروژه‌های روز آمد (۲۰)

بهروز نورانی

ویژه‌نامه آموزش تاریخ

آموزش تاریخ به نوجوانان دانش‌آموز در گفت‌وگو با دبیران (۲۴)

مورخ روزگاری مردم ایران (۳۱)

نکته‌هایی در باب آموزش تاریخ در مدارس (۳۷)

ترجمه مهدی جلالی

برگی از تاریخ (۳۸)

مورخان از دیدگاه ابوریحان بیرونی (۳۹)

مشاهیر تاریخ (۴۰)

سیروس غفاریان

معرفی کتاب (۴۸)

مینا یا پایه ۲ (۴۹)

میرزا جلیلی

علی رخساز، خالق در دو وجه (۵۲)

شبنام واقفی نژاد

دانستنی‌های علمی (۵۴)

ترجمه محمود معافی

یک ارزشیابی از درس هنر-۱ (۵۷)

حسن شرفی

خط بین‌المللی زمان چیست (۵۸)

آموزش نوین جغرافیا زمینه‌ساز گفت‌وگوی تمدن‌ها (۷۱)

منصور ملک‌عباسی

تربیت بدنی نوین (۷۴)

ترجمه ماندانا آجودان

اجرای طرح خوداتکایی (۷۰)

شکوه توانایی

هفته کتاب^۴

هر سال هفته آخر آبان ماه هفته کتاب نامگذاری شده است. در این ماه، دانشگاه‌های مختلف و جنگلی و نشراتی، به لحاظ طبیعی و آن هم بیشتر در تهران، فعال می‌شوند؛ بدینگونه حتی کتاب تراکم می‌شود، این نظر به میدان می‌آیند، روزنامه‌هایی نویسنده، صدا و سیما می‌گویند و نمایش می‌دهند، سخنران‌ها در وصف این سپس کتب نهایی او «فروع صحیح دینی» حقیقه می‌نویسند، دانش آموزان در سراسر دانش می‌نویسند و ده‌ها کار دیگر صورت می‌گیرد. اینها همه خوب است و قابل تحسین؛ چیزی که هست، به اصطلاح اطلاق معمول سواست قبل است و لاجرم بر کار خواهد شد. پس زیاد در این زمینه، دانشگاه عظیم آموزش و پرورش هم قطعاً نباید فقط به هفته کتاب تن خوش کند و چشم به این هفته بدوزد که از راه برسد و همراه با سایر دستگاه‌هایی که کارشان عمدتاً اطلاع‌رسانی و تسبیح راجع به کتاب است، همکاری و همراه شود.

کار و وظیفه آموزش و پرورش اینجاست که باید که پیوسته در کار اندازد تا ایجاد فضاهای کتابخوانی و اشتیاق به خواندن باشد. در واقع باید این اشتیاق را که از همان سال اول دست‌اندازد که در کتاب ایجاد می‌شود دامن براند و از آن مهمان، هدایت‌کننده آری، هدایت‌کننده و از این طریق به شکست‌ناپذیری خلاقیت‌ها در این میدان، مجال دهد.

با این حال ما را، به عنوان معلم، باید هم‌کاری نیست. زیرا در موقع و موضوع به‌ویژه برای کلاس نشسته‌ایم و نه فعلاً مستوفی در این باب به عهده گرفته‌ایم. ما در هر کجاست هستیم و خدمت می‌کنیم به همان اندازه مسئولیم. آنگاه آنچه از دستمان برمی‌آید و صرف‌نظر از همه آنچه در بالادان اشاره کردیم، در هر کلاس و مدرسه و در هر گوشه‌ای از حرات جدا شدنی است، سهمی است که، به عنوان معلم، در این راه بر عهده گرفته‌ایم و آن عبارت است از صداقت و دل‌سوزی در آگاهی بخشیدن به دانش‌آموزانی که در هر ساعت و هر روز با آنها سروکار داریم. یعنی همان‌هایی که اگر با او سروکار در ختانی نمایه گستر بر سر انسان‌هایی رنگی خواهند شد و اگر با او سروکار نداشته‌اند کسی بر آنها نیست که نخواهد گستر. این آگاهی بخشیدن به طور کلی عبارت است از پاسخ دادن به سئالات آنها و سوالات برانگیختن آنها به سئوال در شدن و پرسشند؛ چه به قول مولوی:

هم سؤال از علم خیزد هم جواب.

بازی، مهم این است که بدانیم، هر فلاسف و مدرسه‌ای بر محور دانش است که به چه روشی در می‌آید؛ دانش به معنای لغوی کلمه، «اندازه و دانش مور هو»، و چه اعضای حسنه بوده‌اند، به گونه‌ای به حرکت در می‌آیند. حال اگر معلم و شاگرد بر گردان کعبه به گردش درآید و همه‌شان بگویند، آیا جو این است که به تبع آن، چیزهای دیگری هم به گردش در خواهند آمد؟ آن چیزهایی که کتاب به ما می‌دهد «اشتیاق به خواندن و بیشتر دانستن». در آن صورت، کتابخانه مدرسه هم همان خواهد بود که در این مهم‌تر چشمه‌های اعظم در هر کلاس و مدرسه‌ای خواهد جوشید و علم تولید خواهد شد. همان‌گونه که برای ما از آن شب واجب‌تر است.



سید دبیر

تعلیم و تربیت و تزکیه درون^۴

سید محمد ضیاءآبادی^۵

نردیدی نیست در این که «علم» مطلقاً دارای شرف و فضیلت است و بر هر چه تعلق بگیرد از جهل به آن بهتر است. اما هر انسان عاقل و منصفی می‌داند که با این عمرهای کوتاه، و محدود بودن امکانات لازم همچون آمادگی نیروهای جسمی و روحی برای تحصیل علم و تنگی وقت و زمان تحصیل و عدم دستیابی به اساتید فنون مختلف و پیش آمدن انواع حوادث و موانع بسیار و... هیچگاه یک بشر عادی نمی‌تواند تمام علوم و فنون را به دست آورده جامع جمیع فضایل گردد. لذا باید در مقام انتخاب و ترجیح برخی از علوم برآمده آن علمی را که به حال او نافع تر و تحصیل آن لازم تر است در رتبه اول اولویت قرار داده و خود را صرفاً به تحصیل و تکمیل آن مشغول سازد.

در حدیثی از امام امیر المؤمنین علیه السلام منقول است:

اَلرِّمُّ الْعِلْمَ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَىٰ صِلَاحِ قَلْبِكَ وَاطْهَرَ لَكَ فِسَادَهُ ... فَلَا تَشْغَلَنَّ بِعِلْمٍ لَا يَضُرُّكَ جَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَنَّ عَنْ عِلْمٍ يَزِيدُ فِي جَهْلِكَ تَرْكُهُ.

لازم ترین علم برای تو آن علمی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را بر تو آشکار سازد. پس هیچگاه خود را سرگرم علمی مساز که ندانستن آن بر تو زیانی نخواهد داشت و هیچگاه نیز از فرا گرفتن علمی غفلت مکن که ترک آن بر جهل تو خواهد افزود. مولوی می‌گوید:

بیشه ای آمد وجود آدمی
بر حذر شو زین وجود، از آدمی
سیرتی کان در وجودت غالب است
هم بر آن تصویر، حشرت واجب است
حشر بر حرص خس مردار خوار
صورت خوکی بود روز شمار
در وجود ما هزاران گرگ و خوک
صالح و ناصالح و خوب و خشوک
ساعتی گرگی در آید در بشر
ساعتی یوسف زُحی همچون قمر
ای دریده پوسنین یوسفان
گرگ بر چیزی از این خواب گران
گشته گرگان یک به یک خواهی تو
می درآند از غضب اعضای تو
پانوشت:

۴ آیت اله سید محمد ضیاءآبادی از علما و ائمه جماعت تهران و صاحب تالیفاتی ارزشمند است. این مطلب از کتاب ایشان

به نام «در جستجوی علم دین» برگرفته شده است.





شرحی بر

آیات ۱۵-۱ سورة مبارکه بقره*

(قرآن اول راهنمایی)

محمدحسن نیکبام

شروع می‌شود. در رُمره می‌بحث است. امیر قرآن کریم، سبحت از افواج سور است و این که کلام خداوند در ابتدای هر سوره چگونه آغاز شده است و جایگاه ادبی و بلاغی آن چیست و چه ارتباطی به بقیه آیات همان سوره دارد و چه تأثیری در جلب توجه شنونده گسب خواهد داشت. موضوعی که تحت عنوان «براعت اسهال» در کتب بلاغی مطرح است.

به عنوان اشاره، گذشته از ۲۹ سوره مذکور، افتتاح ۱۵ سوره در قسم است، ۱ سوره با تسبیح، ۷ سوره در شرطه، ۶ سوره در امر، ۴ سوره در استخاره و ۳ سوره نیز با دعا و شریع شروع شده است.

پیرامون حروف مقطعه سخن بسیار است و تقسیم افرادی برای آن شده است و ما به معروف آن بن تقسیم در این مورد اشاره می‌کنیم. فتح و گشودن تعداد زیادی از سوره‌ها، حروف غصع شده، مثل الف لام میم، بیادگر این حقیقت است که آنچه بعد محسوب آن عرب را از مقابله به مثل و بدیع به تخیلی قرآن عاجز نموده، از همس حروف الفباء تشکیل شده است. اگر قرآن کلام بشر بود، دیگر آن هم باید بتواند با به کارگیری حروف تهجی، مشابه آیات آن راه چاره از فقر ورنه و زیبایی ظاهر و چه از لحاظ عمق و وسعت معنایی و نثر و اگر نمی‌توانند، شایسته است که به خود فرستنده آیات و نیز انطه حامل آیات او ایمان آورده (در اصل به حید و نبوت).

بعضی از افرادی که با زبان و ادبیات عربت بیگانه اند، وجود حروف مقطعه در قرآن را بر این گفته افسردی کرده می‌گیرند، غافل از این که در هیچ یک از تواریخ دیده نشده که عرب زبان به کتب پیامبر (صلی) و مشرکان مکه و یا مدینه دست روی این مواضع نهاده باشند و آن را وسیله‌ای برای استهزا و مسخره قرار دهند. در حالی که آن از هر فرضی که می‌توانند غلبه ندهند، کتب فاعل استفاده

آیات اول سوره بقره، از جمله آیات شریفه‌ای است که برائی کتاب درمی‌فران سال اول راهنمایی انتخاب شده است و برئی اشرف بیشتر همکاران عزیز، دبیران محترم دینی و قرآن، در شرح و تفسیر آن، با هم و نظری می‌افکنیم.

اداره کلاس قرآن و تصدی آموزش کتاب خدا به رویه‌ها، جمعاً، هم فال است و هم نشاء، از یک سو اشتغالی شریف و مقصدی را برای معلم آن به از معانی می‌آورد که بارها عطفه مبارک همکاران متعهد را در عده اشغال به تدریس آن در دفتر مدرسه شاهد بوده ایم، و از سوی دیگر، توفیقی احتیاری برای اوست که دائماً در معرض و در ش نسیم روح بحث و جان فرای کلام خداوند قرار می‌گیرد و پیش‌بینش شاگردش به تحسین اخلاق الهی مرسین می‌شود. هم خود در بر شو هدایت قرآن قرار می‌گیرد و هم اجر زمینه سازی هدایت دانش آموزان را دریافت می‌کند.

روایات ما مشحون از ذکر فضائل قرآن و اهل قرآن است. انس بن مالک از حضرت حاتم الانبیاء (ص) نقل کرده است: «القرآن عقی، لاعی، دوله و لا فقر بعده» و همچنین در میراث کسی که قاری و حامل و عامل به قرآن اند، روایت کرده: «اهل القرآن هم اهل الله و خاصته، حمله القرآن المخصوصون برحمة الله، المعلومون کلام الله، المقربون الی الله، من والا هم فقد و الی الله، و من عاداهم فقد عادی الله... یعنی اهل قرآن، خانواده خدا و از خاصان او هستند. حاملان قرآن گیرنده رحمت خاص خدا هستند. معلومان قرآن به خدا نزدیکند. هر کسی آن را بزرگ شمارد خدا را بزرگ شمرده است و هر کسی با آنها عداوت ورزد یا خدا عداوت ورزیده است.

فواتح سوره سوره مبارکه بقره یکی از ۲۹ سوره‌ای است که با حروف مقطعه

می کردند.

در سوره بقره پس از به کارگیری حروف مقطعه، از عظمت این کتاب آسمانی سخن به میان آورده است و این عملی است که در اکثریت قاطع این ۲۹ سوره به چشم می خورد و خود بیانگر ارتباط نزدیکی است که بین حروف مذکور و عظمت قرآن وجود دارد. (الم، ذلک الكتاب لاریب فیه)

منظور از دور بودن قرآن از «شک و ریب» این است که خود شهادت بر حقانیت خویش می دهد؛ آن چنان آثار صدق و حقانیت و انجم و عمق معانی و فصاحت الفاظ و تعبیرات در آن هویدا است که هرگونه شک و وسوسه را از خود دور می کند.

با این که قرآن در دسترس مردم فرار گرفته بود، از کلمه «ذلک» استفاده شده که اشاره به دور است. این کار دلالت بر بزرگی چیزی است که مورد اشاره فرار گرفته و تعظیمی برای قرآن است. در فارسی هم گاه در حضور فرد عالی مقامی هستیم و گوئیم: اگر «آن» سرور رخصت دهند چنین می کنیم.

تقوا، لازمه سرشت انسانی

آیا قرآن، فقط پرهیزگاران را هدایت می کند؟ و آیا این گروه با این که بر خوردار از تقوا هستند، نیازمند هدایت اند؟! پاسخ این است که: قرآن، مسلماً، کتاب هدایت همه جهانیان است و اگر در این سوره می فرماید «هدی للمتقین»، منظور آن است که تا مرحله ای از تقوا در وجود انسان نباشد هدایت قرآن بر او اثر نمی گذارد و چه بسا بر درجه کفر و ضلالت او نیز بیفزاید.

«متقی» کسی است که از سلامت عقلی و فطری برخوردار است و نشانه آن این که هرگاه حق به او عرضه شود می پذیرد و دل پاک او مانند زمین مستعدی است که پذیرای بلر و رویش گیاهان با طراوت است. آنان که در اثر هواپرستی، از سرشت پاک انسانی منحرف شده اند و دل آنها به شوره زار تعصب و لجاج تبدیل گردیده، آیات

حق بر آنان بی تأثیر است و گاه بر مرض آنان، به قول قرآن کریم، می افزاید.

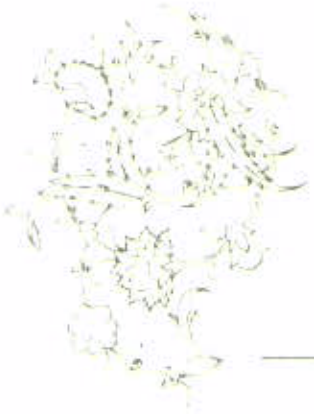
به عبارت دیگر، کتب آسمانی و تعلیمات انبیا برای کسانی «هادی» و راهنماست که به هدایت عقل و فطرت سالم خدادادی، به پنج اصل گرایش داشته باشند شامل: ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، عقیده به کتب آسمانی و ایقان به حیات پس از مرگ. اینها از لوازم پرهیزگاری است و پرهیزگاری لازمه برخورداری از سرشت انسانی است.

انسانی هایی که با مراجعه به عقل سلیم و روان پاک خود، تا این مقدار از هدایت یافتگی را طی کنند، که امری طبیعی است، زمینه لازم را که همان «تقوا» است در خود فراهم کرده اند و آماده هدایت دوم، یعنی هدایت توسط قرآن، خواهند شد.

خدایوند به دارندگان چنین فطرتی وعده می دهد که بسزودی به وسیله قرآنش ایشان را هدایت می کند، هدایتی علاوه بر هدایت فطرتشان (أولیک علی هدی من ربهم) و شکی در تحقق این امر نیست (لا ریب فیه).

بدیهی است مراد از «یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون»، که دو تا از پنج اصل نام برده را تشکیل می دهد، نه آن نمازهای یومیه و زکات هایی است که در اسلام مقرر گردیده، چه که هنوز از هدایت قرآنی بهره مند نشده تا قیام به ادای واجبات آن نماید، بلکه منظور آیه شریفه آن است که ایمان به خدا و رستخیز، انسان را وامی دارد که در مقابل خالق رحیم خود به خضوع و عبادت بر خیزد و در راه جلب رضای پروردگار و تشکر از نعمات او از مال خویش به بسندگان او انفاق نماید.

مفسر عالی مقام، مرحوم علامه طباطبایی، در ادامه، به نتیجه گیری مهمی می رسد و با غور و تعمق در آیات ۱۹ گانه اول سوره بقره ابراز می دارد که نه فقط مؤمنین، بلکه کفار و منافقین هم در طی مسیر خود، دو مرحله را می پیمایند؛ همان گونه که هدایت دوم برای



اداره کلاس قرآن و تصدی آموزش
 کتاب خدا به نونهالان جامعه هم فال است
 و هم تماشا، از یک سو اشتغالی شریف و مقدس را برای
 معلم آن به ارمغان می آورد و از سوی دیگر توفیقی اجباری برای
 اوست که دائماً در معرض وزش نسیم روح بخش کلام خداوند قرار می گیرد.

در آیات ۳ و ۴ و ۵ به معرفی گروه اول پرداخت و فرموده است: «انسان را
 اعمشحوحاً لقب داد. آنگاه کافران را طی دو آیه ۶ و ۷ توصیف نموده،
 می فرماید: چه آنها را از عذبات انداز کنی یا نکنی، تقوی ندارد و
 ایمان نمی آورند، چون در قلم و گوش و چشمشان مهر نهاده اند.
 در تفسیر دو آیه نام برده، معسورین عصبه به ذکر دو مطلق استیسی
 مبادرت نموده اند.

الف - مهر شدن ابزار شناخت آنها. امری حیرت انگیز است، بلکه
 معلول اعمال گذشته خودشان است، که چه در ادیان فرامی، کینه
 حوادث جهان و از جمله اعمال اخیر آن انسان، به حدایی بست
 داده می شود. بدین جهت که مدع نظام افریش و موجود سگله و
 فوایی حاکم بر جهان هستی جدی متعال است. امر در همین قرآن،
 مکرر آنسان مسؤل اعمال اخیر آن خود ساخته شده و این دو مطلق
 ایجاد خط کرد.

مهر و موم شدن ابزار در کتب و تشریفات آنها، معمول مستقیم
 عذبتکم در خودشان است، چنانکه در آیه ۱۵۵ سوره مؤمنین و
 ۲۳ جاثیه به وجود این رابطه علی و معمولی تصریح شده است.
 ب - قلب در قرآن کاربرد بسیار فراوان دارد و در معنی مختلف به
 کار رفته است، از جمله به معنی عقل و در کتب احکام می فرماید، ان
 فی ذلک لدرکری لمن کان له قلب و عاقل و در کتب احکام می فرماید، ان
 آنجا که می خوانیم: لو کنت فظاً غلیظ القلب لا تلقوا من حولک
 کافرائی که مراکز ادراک و احساس آنها منجمد شده و محکوم به عذاب
 آیه هستند، آنان اند که کفر و حجب در آنها ریشه دار گشته و غلبه حق و
 حقیقت قیام کرده اند و برادران بر ضد پیامبران الهی شور زده اند و خدا
 مشرکین قریش و بزرگان مکه از مصدق بر آید.

پدیده است که کفر مرئی دارد که در آیات مستصحب است،
 صادق (ع) در کتاب شریف اصول کافی به همین مورد است.

مؤمنین، به دنبال هدایت فطری آنها و پاداشی از طرف خداوند برای
 آن بوده است. ضلالت دوم کافران و منافقان هم که از طرف خدا به
 آنها می رسد. نتیجه ضلالت خود خواسته این دو گروه است و
 به عنوان مجازاتی برای خروج اختیاری شان از مسیر حق تنفی شده
 است. ایشان، برای اثبات مدعای خویش، به ساجتر دو قسمتی
 هر یک از دو آیه زیر بدل توجه نموده است: «احتم لله علی قلوبهم، و
 علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه» (گمراهی دو مرحله ای کفار) و
 «فی قلوبهم مرض، فزادهم الله مرضاً» (گمراهی دو مرحله ای
 منافقان) ^۱

بنابر این، هدایت در دست خدا است و مقدمات آن را در نهاد و
 سرشت نبی آدم قرار داده، مادام که زمینه هدایت نبی را در خود سالم
 نگه دارد و به آن رجوع کند متقی و مهیا می شود، آن گاه مشمول هدایت
 وحی، به عنوان مکمل هدایت فطری، قرار می گیرد و اگر سرشت
 حق پذیر و حق گرای خود را مسح و منحرف نماید و راه عناد و نجاج
 پیماید، این زمینه را اختیار از دست می دهد و به کفر و نفاق می انجامد.
 معنای حقیقی اتقوا و «متقی» همین است، از این رو در آیات
 بی شمار و احادیث فراوانی به نقل کلیدی و زیرسالی آن در رساندن
 انسان به سعادت و بهشت برین و نجات از بردگی و هلاکت توجه
 شده است. مولی امیر المؤمنین (ع)، در این رابطه، می فرماید: ان
 تقوی الله یفتح سداد، و ذخیره معاد، و عنق من کل ملکه، و نجاه
 من کل هلكه، یعنی: همانا تومن از خدا کلید درستی کسب دار و
 ندرت خفته قیمت موجب رهایی از هر بندگی و رهایی از هر ناهی است.

طبقات سه گانه

آیات مورد بحث، مردم را در مقابل دعوت انبیا به سه گروه
 متمایز تقسیم کرده است: مؤمنان (و متقیان)، کافران و منافقان، که



کتاب آسمانی و تعلیمات انبیا برای کسانی، هادی، و راهنماست که به هدایت عقل و فطرت سالم خدادادی، به پنج اصل گرایش داشته باشند شامل، ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، عقیده به کتب آسمانی و ایقان به حیات پس از مرگ.

نداریم. بعضی دیگر از صفات رذیله آنها عبارت است از:
خوش ظاهر و بد باطن اند، از بیراهه ها حرکت می کنند، گفتاری
شفا بخش ولی کرداری مهلک و درمان ناپذیر دارند، به رفاه مردم حسد
می ورزند، برای نفوذ در هر دلی راهی می یابند، برای هر مصیبتی
اشکی ساختگی می ریزند، مدح و تمجید را به یکدیگر قرض
می دهند، در خواسته های خود سماجت دارند، به هنگام ملامت،
پرده دری و بی حیایی می کنند.^{۱۲}

پانویست ها:

- ۱- تفسیر مجمع البیان - مقدمه جلد اول
 - ۲- تفسیر نمونه - ج ۱ - ص ۶۱
 - ۳- همان - ص ۶۸
 - ۴- تفسیر المیزان - ج ۱ - ص ۸۵
 - ۵- همان - صص ۸۶ و ۱۰۰
 - ۶- نهج البلاغه فیض - خطبه ۲۲۱
 - ۷- به کتاب ارزشمند «اخلاق در قرآن» ج ۲ تألیف استاد مصباح یزدی رجوع شود
 - ۸- سوره ق - آیه ۳۷
 - ۹- سوره آل عمران - آیه ۱۵۹
 - ۱۰- نهج البلاغه - نامه ۲۷
 - ۱۱- به الاتقان سیوطی - ج ۲ رجوع شود
 - ۱۲- نهج البلاغه فیض - خطبه ۱۸۵
- در این دوره از مجله در نظر داریم، در مباحث قرآنی، شرحی تفسیرگونه بر
درس هایی از آیات قرآن کتاب های راهنمای - در هر شماره یک درس از یک پایه -
درج کنیم. امید است این درس ها اگر چه اندک است بتواند راهنمای دبیران محترم
قرآن برای دست یابی به شرح های دیگر بر درس های دیگر باشد. از آقای محمد حسن
مکارم که نگارش این مباحث را نقل کرده اند سپاسگزاریم.

مسافقان در آیات ۸ تا ۲۰ سوره بقره به وضوح توصیف شده اند و
حالات روانی و موضع گیری های اجتماعی آنان، در هر زمان،
تشریح شده است، به نحوی که جامعه مسلمان می تواند به خوبی آنان
را بشناسد و از شرشان در امان بماند. بعضی مؤلفه های شخصیتی
آنها از این قرار است:
- ادعای اصلاح طلبی دارند، در حالی که خود فاسد و مفسدند.
- خود زار و شفقور و فهمیده می انگازند و ایمان آورندگان را
ساده لوح و خوش باور می شمارند.

- در هر محیط که قرار می گیرند، خود را به رنگ آن درمی آورند
و چند چهره اند.

از آنجا که لطمه وارده بر جامعه از ناحیه نفاق به مراتب بیشتر از ناحیه
شُرک و کفر است و رسول اکرم (ص) نیز فرموده اند: «از آن دو بر اتم
نمی ترسم، بلکه از منافق دورو برای جامعه خوف دارم.»^{۱۳} در آیات
مذکور نیز سهم بیشتری به آن تخصیص یافته، تا جایی که خداوند از دو
تمثیل «گو با برای شناساندن «مرض نفاق» و مضرات آن بهره جسته است:
یکی تمثیل آتش است و دیگری تمثیل باران، که شرح و بسط آن و از جمله
جایگاه تمثیل و تشبیه در قرآن، در این مقال نمی گنجد.^{۱۴}

وقتی انقلاب در جامعه ای رخ می دهد، گروهی از مخالفان،
تاکتیک یا شیوه خاصی به کار می گیرند، ظاهر تسلیم می شوند، اما
در واقع یک گروه زیرزمینی مخالف را تشکیل می دهند.

نفاق از ریشه «نَفَقَ» و به معنی کانال ها و نقب هایی است که
زیرزمین می زنند تا برای استتار یا فرار از آن استفاده کنند. منافقین
خطرناک ترین دشمنان هر جامعه اند، که علاوه بر آیات فوق، در
سوره منافقین و نیز در سخنان امیر المؤمنین (ع) نقاب از چهره آنها
برداشته شده است. شایسته است که با توجه به شرایط جامعه اسلامی
خودمان، جهت تحدید از این گروه، در شناسایی آنان تعلیل روا



توسعه

تمرین‌های نگارشی کتاب فارسی

تیمور رضایی

سال دوم راهنمایی

اشاره

در مجله شماره ۱۶ (بهار ۷۷) مقاله‌ای از آقای دکتر حسن ذوالفقاری با عنوان «توسعه تمرین‌های نگارشی کتاب فارسی اول راهنمایی» به چاپ رسید که مورد استقبال و استقبال‌ده دبیران قرار گرفت. ناامنی از این نگارنده تصمیم گرفته‌ام حسن روش را در مورد تمرین‌های نگارشی کتاب فارسی دوم انجام دهم. قبلاً مناسبت خود را از آقای دکتر ذوالفقاری اعلام می‌دارم.

برای نکته مهم نیز باید تأکید کنیم که آنچه را از دانش آموزان می‌خواهیم انجام دهند در مرتبه اول بایستی خود عمل کنند به آن باشد. مثلاً وقتی از دانش آموزان می‌خواهیم یادداشت روزانه داشته باشند، شرح حال خود را بنویسند یا از نگاه خود را توصیف کنند و یا هر موضوعی دیگر، باید خودشان اولین کسی باشند که هر کدام از موضوعات داده شده را می‌نویسند یا می‌خوانند. واضح است کسی که خود عمل به هیچ کدام از اینها نیست نباید از دانش آموزان هم انتظار انشایی خسته و آهوش ادبی داشته باشد. آنهایی که سعی می‌نویسند؛ یعنی اهل قلم هستند، زمانی متوجه خواهند شد نوشتن واقعاً مشکل است که خود قلم بدست بگیرند و بخواهند در سازه موضوعی چیزی بنویسند.

خوردن صحیفه، مسواک زدن و امثال آن‌ها را از یادگرفته شده، نکته رویدادهای مختلفی چون خواندن‌های جذاب یک کتاب، دیدن حادثه‌ای، تماشاهای یک فیلم، گردش، سفر، یک حمله‌گری، یا خوردن معلم در کلاس و ده‌ها نمونه دیگر می‌تواند ما صاحب یک یادداشت روزانه باشد.

یادداشت روزانه و خاطره نویسی، علاوه بر ثبت و حفظ رویدادها نوعی تمرین و مهارت در نویسندگی است. همچنین در پیوند به تعداد روزها، حیطه و ضبط ثبت شده از واقع دارد. آنچه یادداشت روزانه را از دیگر نوشته‌ها و مهارت‌ها ممتاز می‌کند آن است که خود را مفید کرده است. هر روز بنویسید، بر جان‌ها می‌نویسند و مهارت‌ها و نوشته‌ها که ممکن است یادداشت کردن آنها بیانی چندین بیشتر پیش بیاید. این تکرار نوشتن، عادت نوشتن را در ما نشانه و تقویت می‌کند و باعث می‌شود دیگر از نوشتن هر اهل یادگرفته شده در نوشتن یادداشت می‌توانید از ثبت و شرح عمده ال‌یا استفاده کنید. امروز چه حادثه مهمی برایم اتفاق افتاد؟ آنچه گمانی بر خود یادداشت؟ چه مطلب مهمی یاد گرفتم؟ یا چه کتاب تازه‌ای خواندم؟ و

تمرین و نگارش

- ۱- به نظر شما خاطره نویسی چه فایده‌هایی دارد؟
- ۲- با طرح سؤال، خاطرات یک هفته خود را تنظیم کنید.
- ۳- یکی از خاطرات خود را انتخاب کنید تا از جمله جمله‌های جالب را بنویسند.
- ۴- در کنار پدر و مادر خود بچهار هفتاد یکی از خاطرات روزانه خود را بنویسید.

نگارش (۱): یادداشت کردن رویدادهای روزانه، گامی مؤثر در نویسندگی

در این سن دفتر خاطرات خیلی مهم است. البته دفتر خاطرات این باشد که کارهای روزمره و تکراری مانند آنچه استادان شما،

کنند، سپس شما آن را در دفترچه خاطرات خود بنویسید.

۵- یکی از خاطرات تلخ یا شیرین دوران کودکی خود را به یاد آورید و آن را بنویسید.

۶- خاطره ای از روزهای خانه نکانی بنویسید.

نمونه چند کتاب یادداشت و خاطره برای مطالعه بیشتر

۱- آن روزها، طه حسین، ترجمه حسین خدیو جم

۲- آن سالها، دکتر محمدجعفر باحقی

۳- روزها، محمدعلی اسلامی ندوشن

۴- سرگذشت زندگانی من، عبدالله مستوفی، سه جلد

نگارش (۲): جان بخشیدن به اشیاء

قبل از تدریس این درس، به منظور این که برای دانش آموزان تداعی شود، از درس گذشته که در مورد جان بخشی بوده است سخنی به میان آید. مثل درس فروتنی از فارسی اوک و درس قلمرو شگفتی ها از فارسی دوم.

تمرین و نگارش

۱- شرح حال یکی از اشیای زیر را، از زبان خودش بنویسید:

۱- تخته سیاه ۲- پنجره ۳- در حیاط

۲- از زبان کفشان و قایمی را که در طول یک روز برای او اتفاق می افتد، بنویسید.

۳- فرض کنید دندان های ما به حرف درآیند. چه خواهند گفت؟ این سخنان را که از زبان «دندان» است ادامه دهید: «من در معرض آسیب های فراوان هستم که همه را یکی یکی شرح خواهم داد، اما شاید بدترین و سخت ترین آن وقتی است که بخوام بدام یا قستدق را ...»

۴- به نظر شما اگر گُل های پارک یا باغچه شما زبان باز کنند چه خواهند گفت؟

۵- فرض کنید یک طوطی و یک کلاغ را در یک ففس زندانی

کرده ایم. گفت و گوی بین آنها را بنویسید.

متابعی برای مطالعه بیشتر

۱- فارسی و دستور اوک، درس جوانه و سنگ، ۱۳۷۲.

۲- مناظره میان سه قطره، ترجمه شعر قطرات سه گانه از تریللو

شاعر ایتالیایی، ترجمه یوسف اعتصام الملک، ادبیات فارسی (۱)،

دوره متوسطه، صفحه ۱۰۰

۳- دیوان پروین اعتصامی که حدود ۶۵ مناظره دارد.

نگارش (۳): شرح حال یا زندگی نامه خود یا دیگران را بنویسید

زندگی نامه (Biography) مجموعه رخدادهای مهمی است که در زندگی یک نفر اتفاق می افتد و کسی آن را می نویسد. اگر هر شاعر یا نویسنده شرح حال کامل خود را می نوشت اکنون این همه اختلاف در زندگی نامه هایی که دیگران در مورد شخصیت های نویسنده وجود نداشت. شرح حالی که کسی درباره خود بنویسد اتوبیوگرافی (autobiography) نام دارد که معادل آن در فارسی «زندگی نامه خود نوشت» است. در زندگی نامه نویسی باید به موارد زیر توجه کنیم:

۱- مقدمه، معرفی ۲- ولادت، زادگاه ۳- تحصیلات، دوران کودکی، نوجوانی و جوانی ۴- ازدواج، فرزندان، خانواده.

۵- شرح دوران میان سالی و پیری ۶- شرح خصوصیات اخلاقی ۷- آثار ۸- اندیشه، سبک ۹- سال فوت، محل آرامگاه

تمرین و نگارش

۱- شرح حال پدر بزرگ خود را بنویسید.

۲- زندگی نامه یکی از افراد سرشناس شهر یا روستای خود را بنویسید.

۳- یکی از شماره های مجله رشد زبان و ادب فارسی را به کلاس بیاورید و پس از خواندن زندگی نامه مندرج در آن، از دانش آموزان بخواهید خلاصه آن را نوشته و بگویند آیا نکته ای از زندگی نامه نویسی هست که از نوشتن آن در این زندگی نامه غفلت شده باشد.

۴- شرح ویژگی‌های جسمانی و اخلاقی یکی از دوستان یا یکی از هم‌کلاسان خود را بنویسید

۵- در مورد یکی از آثار تاریخی شهر یا روستای خود تحقیق کنید و سرگذشت آن را از زمان احداث تا زمان حال (به صورت خیالی) توضیح دهید

منابعی برای مطالعه بیشتر

- ۱- مجله رشد زبان و ادب فارسی، در هر شماره مسائل‌های اخیر، مقاله‌ای با عنوان «بازبان»
- ۲- مجله رشد معلم بیشتر شماره‌ها
- ۳- فارسی و دستور دوم، ابوعلی سینا، درس ۱۴، ۱۳۷۲
- ۴- مجموعه کتاب‌هایی به نام «چهره‌های درخشان» که دفتر انتشارات کمک آموزشی منتشر می‌کند.

نگارش (۴): زادگاه من

برای نوشتن هر انشا، به خصوص، شرح زادگاه، احتیاج به طرح نوشته داریم. طرح نوشته چارچوب کلی موضوع مورد نظر را معین کرده و به نوشته ما نظم و انسجام می‌دهد و باعث می‌شود ما یک دید همه‌جانبه به موضوع داشته باشیم و از موردی غفلت نکنیم.

از آنجایی که وصف و شرح یک شهر به علت وسعت و گستردگی ممکن است در حد توان یک دانش‌آموز نباشد بهتر است ابتدا مکان‌های کوچک‌تر مثل مسجد، مدرسه، باشگاه و ... توصیف و شرح شود تا زمینه برای توصیف شهر فراهم گردد.

طرح ساده معرفی زادگاه چنین است:

- ۱- مقدمه، معرفی، وجه تسمیه، قدمت تاریخی
- ۲- شرح وضعیت جغرافیایی
- ۳- شرح زادگاه (معرفی اماکن، وضعیت عمومی شهر و ...)
- ۴- اوضاع اقتصادی و صنعتی (شغل‌ها، درآمد‌ها و ...)
- ۵- ادب و رسوم، اعتقادات، باورها، ملیت‌ها و زبان
- ۶- شرح کمبودها، و هر مطلب گفتنی دیگر

تمرین و نگارش

- ۱- مدرسه خود را توصیف کنید
- ۲- مسیر از خانه تا مدرسه را شرح دهید

۳- محل زندگی خود را آن‌چنان معرفی کنید که همچون دیدن یک فیلم برای خواننده قابل تصور باشد

۴- در مورد ادب و رسوم، اعتقادات، حرفات و رسوم‌های محلی تحقیق کنید و انشایی بنویسید.

۵- ابتدا امکانات موجود و بعد از آن کمبودهای شهر یا روستای خود را به‌طور مفصل شرح دهید و بنویسید همه اکنون شما دانش‌آموزان احتیاج به چه امکاناتی دارید.

۶- به نظر شما چرا روستاییان به شهر مهاجرت می‌کنند؟ راه‌های جلوگیری از مهاجرت می‌رو به چه شهدها چیست؟

۷- به نظر شما چه عواملی بهداشت محیط زندگی شما را تهدید می‌کند؟ چه کنیم تا شهری زیبا و تمیز داشته باشیم

۸- چه عواملی باعث می‌شود تا یک شهر به سرعت گسترش پیدا کند. مثلاً در سال‌های اخیر شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و ... به چه عللی از شهرهای بزرگ شدند.

نگارش (۵): وقایع و رویدادها را بازسازی کنیم

بازگردانی، یا نویسی و بازآفرینی از عوامل مؤثر پیشرفت و مهارت در نگارش است.

بازگردانی، در واقع امروزی کردن شعر یا اثر است تاریخی ساده، قابل فهم و روان، در بازنویسی، برخلاف بازگردانی، نویسنده به شرح و تحلیل و توصیف و به اصطلاح شایع و پرکار دادنه اصلی نوشته دست می‌زند و برای تحسین بیشتر، صحنه‌ها و جزئیات و حالات را با جزئیاتی می‌کند بدون این که محتوا و پیام متن اصلی تغییر کند. بازآفرینی آن است که هر مبداء الهام گرفته از اثر کهن، دست به آفرینشی دوباره دربرود و اثر اولیه را به گونه‌ای دیگر با فرسودگی‌ها این کار در حد توانایی دانش‌آموزان را به‌عنوان یک تمرین

تمرین و نگارش

۱- این داستان کوتاه را بازنویسی کنید و سپس نامی مناسب برای آن انتخاب کنید.

آن حکیمی گفت دیدم در تکی
می‌دویدی زاع با یک لک لکی
در عجب ماندم بحسبم حالشان
تا چه قدر مشترک بایم نشان

چون شدم نزدیک من حیران و دنگ
خود بدیدم هر دوان بودند لنگ

(مولوی)

۲- داستان زیر را به نثر ساده امروز بازنویسی کنید.

برای آشنایی با نمونه هایی از بازنویسی به آثار زیر مراجعه کنید.
۱- قصه های خوب برای بچه های خوب، مهدی آذریزدی،
۱۰ جلد، امیرکبیر
۲- داستان های دل انگیز ادب فارسی، دکتر زهرا خانلری،
انتشارات توس

۳- داستان باستان، احسان یارشاطر (بازنویسی داستان های شاهنامه)
بنگاه ترجمه و نشر کتاب

سه کشته آرز

در روزگار عیسی (ع) سه مرد در راهی می رفتند. فیراگنجی رسیدند. گفتند یکی را بفرستیم تا ما را احوردنی آورد. یکی را بفرستادند. آن مرد بشد و طعام خرید. با حویش گفت: مرا باید زهر در این طعام کردن تا ایشان بخورند و بمیرند و گنج به من ماند. آن دو مرد دیگر گفتند: چون این مرد باز آید و طعام بیاورد وی را بکشیم تا گنج به ما بماند، چون او بیامد و طعام زهر آلود بیاورد وی را بکشند. پس طعام بخوردند و هر دو بمردند.

عیسی (ع) از آن جا بگذشت با حواریان، گفت: بنگرید که چگونه هر سه مرد از بهر گنج کشته اند و گنج از هر سه بازمانده، و این پندی است بر جویندگان دنیا از دنیا.

۳- درس همدلی و طمع خام را بازنویسی کنید.

۴- این داستان را ادامه دهید و نامی مناسب برای آن انتخاب کنید.
یک روزی بود و یک روزگاری. یک مرد کاسب بود که در قلعه ای زندگی می کرد و کارش پوستین دوزی بود. از قصاب های ده پوست گوسفند و گاو می خرید و آنها را دباغی می کرد و پوستین درست می کرد و می فروخت. از قصاب یک شب روباه گرسنه ای از نزدیک قلعه می گذشت و بوی پوست گوسفند به دماغش خورد و به طمع خوراک از سوراخ راه آب که نزدیک در قلعه بود وارد قلعه شد و با پو کشیدن خود را به دکان مرد پوستین دوز رسانید و ...

۵- ابیات زیر را به نثر امروزی بازگردانی کنید، سپس بنویسید شاعر ما را از چه چیزی بر حذر می دارد.

ابلهی دید اُشتری به چرا

گفت نقش همه کز است چرا؟

گفت اُشتر که اندر این پیکار

عب نقاش می کنی هُستدار

در کزیم مکن به عب نگاه

تو زمن راه راست رفتن خواه

(سنایی)

نگارش (۶): انتخاب بهترین واژه

شک نیست که کلمه وقتی می تواند معنی و مفهوم خود را القا کند که درست و در جای خود، درعین زیبایی و ظرافت، به کار رود در غیر این صورت معنی را دچار اختلال و ابهام می کند و از ارزش و اعتبار اثر می کاهد. دکتر زرین کوب در کتاب نقد ادبی می نویسد: «بسیاری از نویسندگان نمی دانند که یک اثر ادبی نفیس اثری است که در آن هیچ کلمه ای را نتوان به جای کلمه دیگر گذاشت. زیرا در هیچ زبانی کلمات مترادف وجود ندارد و این نکته ای است که هر نویسنده باید آن را احساس کند و این امر حتی در صفاتی که به صورت اسم درآمده اند و مترادف می نمایند نیز صادق است.»

فردوسی در مورد اسفندیار لغات اسب و سوار و در مورد رستم لغات باره و خداوند را به کار برده است که رسمی و محترمانه تر است و علاقه قلبی او را به رستم نشان می دهد.

بینیم تا اسب اسفندیار

سوی آخور آید همی بی سوار

و با باره رستم جنگجوی

به ایران نهد بی خداوند روی

تمرین و نگارش

۱- برای اسم های زیر صفت مناسب بنویسید.

درس راه داستان

موی کار پسر

۲- داستانی بسازید و این صفات را در آن به کار ببرید.

خشمگین، ضعیف، بی رحم، ترسو

۳- برای هر یک از موصوف های زیر معمولاً صفت خاصی

به کار می رود، آن صفت را بویسد.

شیر کاوره پر شک تهران
رویاة جعد نفس مشهده

۱- همین زیر را بخوانند، به حای صفات به کار رفته، سعی کنند صفاتی بکارند که در حدی همان معنی را برسانند.

چهره اش استخوانی بود، سری بزرگ داشت که دو چشم در پیشش مثل دو قابوس در آن می درخشید. سینه اش سره بود، شکرهایی از روح عروص بر آن جو داشت، دستهایش کشیده بود انگشت های لاغرش را گاه به شصت درهم می فلرود، فممش بلند بود.

شده تصویر زیر خوب نگاه کنید و چند صفت برین آن بویسند.



نگارش (۷): کامی فراتر از ساده نوشتن

عاشق امروزی زمانی می تواند از عهدۀ نگارش بی دردی برسد که نگارش هدای قلبی را انجام داده و آرایه های ادبی پیشین، خصوصاً تشبیه، حال بخشی رایج خوبی فرا گرفته باشد. استفاده از صنوع حیث چگونگی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بحث لغت هری و زبانی آفرینی می شود.

تمرین و نگارش

۱- با استفاده از عناصر زیری سخن این جمله را زیاده تر بویسند.

خوب شید طلوع کرد.

۱- بویسند در جمله زیر از کدام یک از عناصر زیری سخن استفاده شده است:

۱- شهاب مثل زنگار مسلسل از دهانش بیرون می ریخت.
۲- جمالات روی وصف چیست؟

معصومه مثل شکرهای از دیوار سرخایش خشک شده بود. لب هایش مثل دو پاره خست به هم چسبیده و چشم هایش به جوی بیرون برده و دردی که از آن جوی میسوزد بود.

۳- در زیر با استفاده از «مبالغه» جمله اول، و با استفاده از «تشبیه» جمله دوم را باز نویسی کنید.

۱- خیلی سریع، زلفش بر گشت.

۲- تلالیل نومی دیده است.

۳- با استفاده از صنوع تخیل و به کارگیری عناصر زیری سخن، موضوع زیر را هر چه زیاده تر توصیف کنید.

۴- تصور کنید به یک مسعنه آسانک، پیچ در پیچ فلسطینی با گذارنده اید.

۵- منبع: کتاب نگارنگار شمس و آنته، احمد آو، دکتر حسینی، دوامداری، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۵

چند موضوع پیشنهادی

۱- شیر و پش از نفس به خنده چه تفاوتی؟

۲- اگر قرار باشد با صمیمی ترین دوست خود مشورت کرد کاری انجام دهید چه نوع فعالیتی را از ترجیح می دهید؟

۳- نظر شما در مورد خودتان چیست؟

۴- تصور می کنید دیگران شما را چگونه نامی می پندارند؟

۵- مسئله ای که مرا آنگران کرده است.

۶- نامه ای به پادشاه امروزی هم تالان خود بویسند و چند صفت از نفس خودتان را در اختیار آنها قرار دهید.

۷- در آینه ای معلوم خود، داستان صورت المانی را با بویسند.

۸- تخم مرغ در دستش دراز می شود؟

۹- با استفاده از بویسند که نسخه آن با منبع این را مثل استفاده از سخن می گویند شتر ساده دل است.

۱۰- در خانه چه کارهایی بر عهدۀ من است؟

۱۱- اگر فردا مردم بر این افغان از احبار



شرح تغییرات فارسی دوم



اشاره:

همان طور که همکاران می دانند در کتاب های فارسی سه پایه تغییراتی در حال اعمال است. سال گذشته فارسی اوگ، چند درس آن، تغییر کرد و در رسم الخط هم، «ای» میانجی بزرگ جایگزین «ی» میانجی کوچک شد. اکنون در سال دوم نیز شاهد این تغییرات هستیم و قرار است فارسی سال سوم هم در سال آینده تغییرات کلی کند. این تغییرات و اصلاحات کوششی است در راستای هماهنگی و یک دست شدن فارسی های دوره ابتدایی و راهنمایی و ادبیات و زبان فارسی دوره متوسطه از جهات مختلف، به خصوص رسم الخط و دستور ساختاری.

یکی از دلایل های مؤلفان برای جایگزینی «ی» میانجی بزرگ به جای «ی» میانجی کوچک آن است که: «ی» میانجی کوچک که عده ای به سبب شباهت آن به همزه، همزه اش می گویند، بدآموزی دارد، به طوری که دانش آموز ممکن است «ی» میانجی کوچک «خانه» من را با همزه «یاس» یکی بداند. به همین جهت «ی» میانجی بزرگ ترجیح داده شده است. به خصوص، وقتی ما این دور را در کنار هم می بینیم؛ مثل «ارائه مطلب» که اوکی همزه و دومی «ی» میانجی کوچک است. بنابراین برای تشخیص و تفاوت این دو بهتر است به صورت «ارائه ی مطلب» نوشته شود. اکنون توجه شما را به شرح تغییرات کتاب فارسی دوم جلب می کنیم.

۱- درس «زنگ انشا» (به جای لبخند شمعدانی ها)

شاعر این شعر نو «سلیمان هراتی» است. متولد ۱۳۳۹، روستای مژدهشت از توابع خرم آباد نکان. وی از چهره های شعر انقلاب بود. متأسفانه این معلم خوش ذوق در آبان ۱۳۶۵ در یک حادثه رانندگی جان خود را از دست داد. از سلیمان هراتی سه مجموعه «آسمان سبز» (پاییز ۱۳۶۴)، این دفتر شعر مجموعه ای از سروده های

نو و مستی است. «از این ستاره، تا آن ستاره» (ویژه نوجوانان) و دری به خانه خورشید (نیایش واره، پانزده شعر)، به چاپ رسیده است.

۲- درس فرمانده من (به جای سو گندی که هرگز شکسته نشد) اثر این درس ساده و روان است به معنی چند واژه از این درس اکتفا می کنیم.

○ پاتک: جمله متقابل، ضد جمله، پاد از جمله وندهای ستروک است با معنی «ضد» در واژه های «پادزهر» و پاتک (پاد + تک) دیده می شود. پاد، در «پادشاه» به معنی محافظ و مسئول است و در آذرباد که نام خاص است با همین معنی به کار رفته و به صورت پسوند است.

○ چنبه (= چپه) نوعی سرپند که عرب ها بر سر بندند.

○ تخت روان: برانکارد (فرانسوی brancard معنی های دیگر آن: تختی که بزرگان و پادشاهان بر آن می نشستند و غلامان آن را حمل می کردند. اتاقکی که بر پشت قیل می نهادند و مسافر در آن می نشست.

۳- درس نحوی و کشتی بان (به جای عیب گویان بیشتر گم کرده راه) از دفتر اوگ مثنوی. در این قصه مولانا عالمانی را به باد نیشخند می گیرد که به دانش جزئی خود مغرورند و از حقیقت حیات خیردار نیستند.

آن یکی نحوی به کشتی در نشست

رو به کشتیان نمود آن خود پرست

نحو در لغت به معنی راه، شیوه و گونه و نوع آمده است و نحو علمی است که درباره نقش کلمات در جمله بحث می کند. می گویند نخستین بار ابوالاسود دوئلی که از علمای علم حدیث و فقه و نحو بوده است به اشاره حضرت علی علیه السلام تألیف و تدوین قواعد نحو را آغاز کرد. نیز گویند این علم را از این جهت «نحو» نامیدند که ابوالاسود به حضور امیرالمؤمنین بدین گونه عرض کرد که:

همی خواهم چیرنی وضع کنم به نحوی که وضع فرمودید از آن روی
اسم آن علم «نحو» شد. / فعل مصراع اول «در شست» است.
دل شکسته گشت کشتیان ز تاب
لیک آن دم کرد خامش از جواب

تاب چشم، رنج، اندوه / از جواب خاموش کردن / پاسخ
ندادن، سکوت کردن

در بعضی از نسخ به جای «کرد» در مصراع دوم «گشت» آمده است.
اوکیں تمیز این درس در صفحه ۱۲۳، برای هر کلمه دو
هم خانواده بنویسید.

فنا، منظم، غرق

فنا یک لغت عربی است و سه نظر من نهت هم خانواده عربی که
دانش امور کلاس دومی می تواند برای این کلمه بیازد. لغت «فانی»
است و دیگر هم خانواده های این واژه مهجور و کاربرد در این سطح
ندارد. با این بهتر است واژه ای انتخاب شود که چند هم خانواده ناموس
و مألف داشته باشد شاید پاسخ داده شود که دانش آموز می تواند مثلاً
«فناپذیر» و «فناشدنی» را هم بگوید. این هم خانواده ها درست هستند
ولی باید توجه کرد که زبان عربی یک زبان اشتقاقی است و نه ترکیبی؛
یعنی در فارسی به خصوص برای اسامی وقتی می خواهیم هم خانواده
بگوییم با اضافه کردن وند و با یک کلمه هم خانواده می سازیم مثلاً برای
آب (گلاب و گل آب، آببار، آبراه و...) اما در مورد کلمات عربی بهتر
است مشتقات کلمه را به عنوان هم خانواده ذکر کنیم.

۱- «فنا» ریشه «فنی» است. فنا (نا بود کردن) فانی (یکدیگر را از بین
بردن) فنا (حیاط خانه، درگاه) فنا (افراد ناشناخته، در فارسی،
اضرایان) غرق (غرق، غریق، اغراق، استعراق، مستغرق و معروق)

۲- درس «برگ درختان سبز» (به جای یک بهار)

فائب: غریب، وزن: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن بحر منسرح
مشق: مطوبی مکشوف

باد بهاری وزید از طرف مرغزار

باز به گردون رسید ناله هر مرغ زار

باید توجه داشت که «زار» و «زار» در این بیت قافیه هستند زیرا معنی
آنها با هم فرق می کند. در مصراع اول «زار» پسوند مکان که نشانه
ابوهی و فراوانی است و در مصراع دوم «زار» صفت است و به معنی «
نا توان بیدار» و گریه کردن به سوز و تضرع است.

گردون: اسم مکان، فلک، چرخ. پسوند اون «ون» آوندی است
سترون در معنی فاعلی، گردون و نمون در افعول، معنی مفعولی؛

افزون، معنی مصرعی آزمون، نسبت افزون
شیوه ترگس بین نزد بنفشه نشین
سوسن رعنا گرین زرد شقایق بیار

سعدی ما را به سامل در طبیعت و آشتی با آن دعوت می کند.
ترگس زمر چشم، خودشیفتگی و شوح چشمی است. ضمناً در متن
شعر فارسی ترگس دارای دیده و لوی بدون بینی تصور می گردد.

در شعر فارسی بنفشه زمر سر به گرمیایی و سوسن گویاری است.
سوسن زمر خنومی در عین زمان بازی و شقایق زمر محبوس است و
مظهر ذبح دیدگی است. رعنا نیز مؤنث از رع، به معنی زن خودبین و
خوددار است و در فارسی به معنی زینا به کار می رود.

برگ درختان سبز پیش خداوند هوش

هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

هر ورق از برگ سبز درختان به اعتقاد آدم عوشر کتاب شناخت
آفریدگار جهان است

نکاتی دیگر از فارسی دوم

۱- ص ۱۱... و همه باکال که اختیار و... اختیار: مصدر به جای
اسم مفعول، به معنی مختار و برگزیده است. در توضیحات کتاب
اختیار را به معنی گریش آورده است که درست نیست.

در همین درس، دارنده به معنی صاحب و حافظ است

۲- ص ۲، هم خانواده اولیا (ولی، ولایت، والی، مولی،
تولیت، مولی، موالات، تولی، توالی، متوالی، استتلا (استولای)
و...) این کلمه با اول (از مول) از یک ریشه است.

اولی الله و وزن گویا مؤنث اولی به معنی نخست از ریشه اول است
و اولی اولی و وزن مؤنث صفت تفصیلی و به معنی سر اولی (از
ولی است).

۳- کهنکشان یا راه مکه، ص ۳۵. چون در ایران در مسیر قبله
دیده می شود به آن راه مکه گفته اند.

۴- ص ۵، پیوستگی غربی، عرب در سخنان معسی
شگفت انگیز، ناشناخته و عجیب است. پیوستگی: از تپه به پشته
مسفر پایین تر، مشهور، که در واژه نامه معنی آن آنچه که بنده ای شده
باشد آمده است، که با توجه به متن درست است و باید اصلاح
شود. در اینجا به معنی آشکار، درک و احساس معنی است.

۵- چاپ سنگی، ص ۶۱. نوعی چاپ قدیم است که در سنگ
تخت آهنی استفاده می شد. ابتدا به وسیله موم یا لاک مخصوص



هر که داد او حُسن خود را در مزاد
صد قضای بد سوی او رو نهاد

دشمنان او راز غیرت می درند
دوستان هم روزگارش می برند (مولوی)
۱۰- ص ۱۳۷، حدیثی از حضرت علی علیه السلام در تصویر:
«جز به پروردگارت امیدوار مباش»

۱۱- ص ۱۳۸، بیت:

صبر بسیار بیاید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی جو تو فرزند بزاید (سعدی)
۱۲- ص ۱۴۴، سطر سوم، شِکری: سفید متمایل به زرد
۱۳- ص ۱۵۶، ... بر و بحر فراخ ...
به هیچ بار مده خاطر و به هیچ دیار
که بر و بحر فراخ است و آدمی بسیار
همیشه بر سگ شهری جفا و سنگ آید
از آن که چون سگ صیدی نمی رود به شکار
در همین صفحه،

سعدی اینک به قدم رفت و به سر باز آمد
مضی ملت اصحاب نظر باز آمد

با سر آمدن: کنایه از با اشتیاق و رغبت آمدن است.

۱۴- ص ۱۷۷، بیت الحکمه، اصل تلفظ baytal- hekma که امروزه beytol* تلفظ می شود: سرای حکمت، مرکزی بود در بغداد که به امر مأمون عباسی تأسیس شد و دانشمندان مسیحی در آن کتاب های یونانی قدیم را به عربی ترجمه می کردند.

۱۵- ص ۷۱، هم خانواده حاجت (از حوج، احتیاج، محتاج، حوایج و مایحتاج) این کلمه با حُجّت (از ح ج ج) هم خانواده نیست.

روی آن سنگ مطالب چاپ شدنی را می نوشتند، بعد روی سنگ تیزاب می ریختند. تیزاب جاهایی را که آغشته به موم یا لاک نبود، حل می کرد و جاهای آغشته به لاک برجسته باقی می ماند. بعد سنگ را به مرکب آغشته می کردند و روی آن سنگ قرار می دادند و نوردی از روی آن رد می کردند. جاهای برجسته حروف و اشکال روی کاغذ نقش می بست.

در پایین همین صفحه، ممالک محروسه، عنوانی است که در عهد قاجاریه به کشور ایران داده بودند. ممالک: ایالات و ولایات
۶- ص ۸۸ یکی از چهار پیامبر بزرگ بنی اسرائیل، این چهار پیامبر بزرگ عبارتند از: دانیال، سلیمان، یوسف و موسی

۷- ص ۹۱، شعر سلام به خوزستان، قالب: قصیده، نام آن اشکی به خوزستان* و اصل آن بیست بیت است

۸- ص ۱۲۱، بیت این است:

باد ایامی که در گلشن فغانی داشتیم

در میان لاله و گل آشیانی داشتیم (رهمی معبری)

۹- ص ۱۲۴ بیت:

خویشتن آرای مشو چون بهار

تا نکند در تو طمع روزگار

واضح است خویشتن آرای تا حد مطلوب و مقبول، مذموم نیست. شاید نظامی در پس معنای ظاهری معنای عمیق تری را در نظر داشته است و ظاهراً مقصود آشکار ساختن استعدادها و توانایی های مباحثات و فخر و تکبر به امتیازات، و خلاصه مطلب جلوه گری و خودنمایی باشد که حاصل آن چیزی جز برانگیخته شدن حسادت ها و کینه ها و دشمنی ها نیست تمام ابیات زیر مؤید این مطلب است.

احمد که سرآمد عرب بود

هم خسته خار بولهب بود (نظامی)

دشمن طاووس آمد بر او

ای بسا شه را بگشته فر او

گفت من آن آهوم کز ناف من

ریخت این صیاد خون صاف من

دانه پنهان کن به کلی دام شو

غنچه پنهان کن گیاه بام شو

آموزش علوم تجربی با کیفیت برتر

سعید قریشی

پس به اهداف تعلیم و تربیت؟ یا به عبادت دیگران؟ بعضی معجزه‌های برای آماده کردن کودکان و نوجوانان به صورت مناسبه و برای زندگی در همکام جامعه. امروزه در برنامه‌ریزی برای آموزش آمریکا در دوره ابتدایی نکیه بر همه اولیا و معلمان و معی می شود برنامه‌ها را نظر حجم، سبک و بی از نظر عمیق، قابل ملاحظه باشد. به جنبه خلاقیت اهمیت ویژه‌ای داده می شود و برای آموزش خلاقیت در کودکان شرایط لازم فراهم می گردد. در واقع به عواملی که می تواند به رشد خلاقیت کمک کند توجه خاصی مبذول می شود. از جمله این عوامل می تواند جستجو، استنتاج، آزادی، اعتماد، قدرشناسی، قرار گرفتن، همدلی و هم‌رایی باشد. مثلاً اگر محیط آموزشی چندان باشد که کودکان احساس است و آزادی کنند و در تلاش‌ها و ابتکارات آنها قدر دانی شود، معلمان و مربیان با دلسوزی و مهربانی به رفع اشکالات و نقایص آنها بپردازند. می توانم بحر احی آنچه را در درون خود دارند بر روی دهند. نتیجه شوق انگیز و خلاقیت در آنها شکوفای شود.

جنبه دیگری که در دوره ابتدایی مورد توجه است عبادت دادن کودکان به شیوه ای است که در زندگی آینده آنان برود می شوند و لذا آماده کردن کودکان برای سازگاری با محیط مورد تأکید است. پرورش مهارت‌های گوش دادن، بیان عقیده، قدرت استدلال و استنتاج، محاسبات ریاضی ساده و همچنین پرورش توانایی‌های جسمی در کودکان مورد توجه همه برنامه‌ها است.

نکته مهمی که باید مورد توجه برنامه‌ریزان باشد این است که باید به **هدف‌های تعلیم و تربیت** و **ساختار برنامه**، هر یکی از این ساختار برنامه باید چنان باشد که همه گوشه‌ها را پوشش دهد. آموزش را به سوی رسیدن به اهداف هدایت کند.

از تاریخ پانزدهم تا چهاردهم تیرماه ۱۳۷۹، همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه شهید رجایی، کارگاهی در زمینه آموزش علوم تجربی با حضور دو نفر از ایرانیان مقیم آمریکا و دو تن از اساتید آموزش علوم ایالت تگزاس آمریکا که با مساعدت انجمن ایرانیان مقیم آمریکا و به دعوت سازمان پژوهش به ایران سفر کرده بودند برگزار شد.

شرکت کنندگان کارگاه تعدادی از کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و مؤلفان کتاب‌های علوم تجربی و تعدادی از معلمان برگزیده علوم تجربی شهر تهران بودند. مباحث کارگاه عمدتاً به صورت بحث و گفت‌وگوی رودررو بین اساتید و شرکت‌کنندگان ارائه می شد و در انتها اساتیدان ضمن جمع‌بندی مطالب مطرح شده توسط شرکت کنندگان، دیدگاه‌ها و نظرات خویش را بیان می کردند. این شیوه یکی از روش‌های آموزش علوم است که می‌تواند در کلاس‌های درس نیز اجرا شود.

در این گزارش خلاصه‌ای از بحث‌های انجام شده در کارگاه که می‌تواند برای معلمان علوم مفید باشد، ارائه می‌گردد.

◆ بحث‌های انجام شده در نخستین روز کارگاه

در این روز ابتدا توضیحاتی، توسط یکی از اساتید ایرانی به نام آقای دکتر فاتحی داده شد که خلاصه آنها به شرح زیر است:

◆ محورهای برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی در هر زمینه‌ای عبارت است از تعیین خط مشی برای رسیدن به هدفی خاص با کمترین هزینه و بیشترین بازده. برنامه‌ریزی آموزشی و درسی نیز بر این معنا انجام می‌گردد. جهت

◆ سیر تحولات برنامه ریزی آموزشی در آمریکا

پس از سخنان آقای فلتچی، دو استاد آمریکایی به اسامی دکتر **جیمز باروفالدی** و **دکتر کامل جبلی** (نسبی الاصل) هر یک در این مورد مطالبی را مطرح ساختند که خلاصه آنها به این قرار است:

در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پس از آن که عقب ماندگی آمریکایی ها در علوم فضایی نسبت به اتحاد شوروی آشکار شد و روس ها سفینه اسپونیک را به فضا فرستادند، دو عامل عمده بر همه برنامه ریزی های آموزشی سایه افکن شد. یکی رفع عقب ماندگی در زمینه علوم فضایی و دیگری بالا بردن قدرت دفاع ملی در برابر تجاوزات احتمالی کشورهای قدرتمند. پس از آن در دهه ۱۹۷۰ تغییراتی در برنامه های آموزشی رخ داد و به سبب مسائل زیست محیطی که در اثر جنگ ویتنام پدید آمده بود، توجه برنامه ریزان به این نکته معطوف شد که می باید در کنار علم و تکنولوژی، **جامعه و انسان ها** نیز مورد توجه قرار گیرند. به همین دلیل به علوم و تکنولوژی به عنوان یک تلاش انسانی نگاه کردند و مسائل انسان و محیط زیست در برنامه ها پررنگ تر شد. برنامه ریزان معتقد بودند که باید به دانش آموزان آموزش داد که بشر می تواند محیط زیست را تغییر دهد و این تغییر می تواند به سود یا به زیان بشریت تمام شود. علوم و تکنولوژی می باید در جهت ایجاد تغییرات مفید در محیط و زندگی انسان به کار گرفته شود.

در دهه ۱۹۸۰ گزارشی تحت عنوان «امنی در معرض خطر» منتشر شد که در آن به عقب ماندن آمریکا از رقابتی خود مانند ژاپن و تایلند در زمینه اقتصادی اشاره شده بود. همچنین در این دوران معایب موجود در سیستم آموزش معلمان و برخی اشکالات برنامه های درسی آشکار شد. برنامه ریزان تصمیم گرفتند به رفع معایب موجود بپردازند و لذا در این دوره توجه بیشتر به آموزش معلمان، تجدیدنظر در برنامه ها در جهت بالا بردن توانایی های دانش آموزان و انجام اصلاحات سیستمی به عنوان سه محور اساسی کار آنان قرار گرفت.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد توجه عمده به سوی گسترش «مواد علمی» برای همگان جلب شد و نیازهای کلی و همه حانه انسان ها بیش تر مورد توجه قرار گرفت. در این دهه برنامه های درسی مبتنی بر استانداردها که مشخص می کرد فرآیند تحصیل در هر پایه باید چه چیزهایی را بداند، و چه کارهایی را بتواند انجام دهد، اساس کار برنامه ریزان قرار گرفت.

که امروزه هم همین برنامه ها مورد عمل می باشد.

تحولات مذکور، از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، نشان می دهد که همواره مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه بر برنامه های آموزشی تأثیر گذار بوده

است و یک نظام آموزشی بویا نباید از تحولات اجتماعی غافل بوده و باید بتواند به موقع به نیازهای جدید پاسخ دهد.

◆ تغییر سیستمی و اهمیت آن

در ادامه بحث با توجه به اهمیت تغییرات سیستمی و همه جانبه نگریستن امور، مطالبی در این زمینه مطرح گردید که در اینجا مختصراً به آنها اشاره می شود:

باید دانست که انجام یا اعمال تغییرات در هر نظامی وقتی موفق است که به طور همه جانبه و اصطلاحاً سیستمی انجام گیرد. چون نظام آموزش و پرورش دارای ابعاد و مؤلفه های بسیاری است، در هر تغییری باید به تمام آن مؤلفه ها توجه شود. در هر تغییر قبل از هر چیز **باید اهداف مشخص و تبیین گردد** به طوری که تمام دست اندرکاران دید یکسانی نسبت به اهداف پیدا کنند و همواره تو جهانشان معطوف به آن اهداف باشد. داشتن هدف های روشن از پراکنده کاری و انجام کارهای متفرقه و زائد جلوگیری می کند. وجود **هماهنگی بین کلیه اجزاء** دست اندرکار در نظام آموزشی از دیگر عوامل مهم موفقیت تغییرات است. همه باید نسبت به تغییرات خوش بین باشند و نظر مشترکی درباره آن پیدا کنند و در عمل در یک جهت حرکت کنند. اگر این هماهنگی و همفکری و همدلی بین کلیه دست اندرکاران فراهم نباشد، تغییرات به نتیجه مطلوب نمی رسند و تلاش ها در جهت پراکنده انجام می شود. در نظام آموزش و پرورش آمریکا که برنامه های آموزشی بر **مبنای استانداردها** شکل می گیرد، استانداردها جهت فعالیت ها را مشخص می کند و همه اجزاء آموزش و پرورش در تلاش اند تا دانش آموزان را به استانداردهای تعیین شده برسانند.

از دیگر عوامل مهمی که می تواند در موفقیت تغییرات، نقش کلیدی ایفا کند **معلم** است. وقتی معلم به کلاس وارد می شود و در کلاس را می بندد، از آن به بعد دانش، انگیزه، دیدگاه، توانایی و مهارت اوست که می تواند نقش آفرین باشد و موجب شکوفایی استعداد های دانش آموزان و رشد و پرورش آنها در جهت مطلوب شود. سیاست های اتخاذ شده از سوی مدیران و مسئولان آموزش و پرورش باید در جهتی باشد که هر چه بیشتر از معلم حمایت کنند و شرایط تدریس مطلوب را برای او فراهم سازد.

همچنین باید توجه کرد که

تغییرات یک امر دفعی و ناگهانی

نیست و بایستی به صورت مستمر صورت گیرد. بنابراین بایستی یک نظام بویا و فرانشیلاتی طوری طراحی شود که همواره



په‌ی‌آی تغییر و تحول بوده و حمایت‌های لازم و الزامات نه‌فعلی بوده. نکته مهمی که باید به آن‌ها نظر کرد، ثابت این‌که تعویض سیستم‌های مدیریت و فناوری‌های نو، نتیجه‌گویی نهاد و ساختار نیست بلکه آن‌ها تعویض و



مورد بحث قرار گیرد و در نتیجه تعویض سیستم‌های مدیریت و فناوری‌های نو، نتیجه‌گویی نهاد و ساختار نیست بلکه آن‌ها تعویض و

تغییر سیستم‌های مدیریت و فناوری‌های نو، نتیجه‌گویی نهاد و ساختار نیست بلکه آن‌ها تعویض و

تغییر سیستم‌های مدیریت و فناوری‌های نو، نتیجه‌گویی نهاد و ساختار نیست بلکه آن‌ها تعویض و

ویژگی‌های مهم سیستم‌های پویا است. هم‌انگهی با تغییر و تحولات به شکل مثبت و معقول و از موضع تسلط و اشراف و نه از موضع ضعف و انفعال، یکی از ویژگی‌های مهم سیستم‌های پویا است.

ویژگی‌های مهم سیستم‌های پویا است. هم‌انگهی با تغییر و تحولات به شکل مثبت و معقول و از موضع تسلط و اشراف و نه از موضع ضعف و انفعال، یکی از ویژگی‌های مهم سیستم‌های پویا است.

◆ تحول در شیوه‌های تدریس

در ازمدیحات نظام‌آلات نظام آموزشی، اهمیت تغییر در نگاه معلمان و شیوه‌های تدریس مطرح گردید. همان‌طور که قبلاً اشاره شد نقش معلم در فرایند آموزش نقش کلیدی است. معلم باید به شیوه‌های نوین و چگونگی بخشیدن این نگاه به شاگردان در فرایند آموزش توجه داشته باشد. در گذشته تغییر در نگاه معلمان در جهت تغییر شیوه‌های آموزش امری آسان نبود و این تغییر نگاه در دوره‌های پیش از معلمان و دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان اتفاق می‌افتاد. تغییرات‌های لازم و بی‌پسگامی از معلم باید صورت گیرد و جنبه تعویض‌ناپذیر این تغییر و تحول در فرایند آموزش است.

◆ مدل 5E در آموزش معلمان

یکی از روش‌هایی که برای ارتقاء توان معلمان در دوره‌های پیش از معلمان و ارتقاء معلمان است و می‌تواند در دوره‌های پیش از معلمان خدمت معلمان نیز مورد استفاده قرار گیرد. مدل 5E عبارت از روشی است که آمریکا معرفی کرد و با نام «تجربه یادگاری» شناخته می‌شود. این مدل در پنج مرحله تشکیل می‌شود که در هر مرحله فرایند یادگیری اتفاق می‌افتد و این روش به شرح زیر است:

مرحله اول: درگیر شدن با موضوع (Engagement)

در این مرحله معلم باید کاری کند که دانش آموزان را درگیر کند و

مرحله دوم: جستجو و اکتشاف (Exploration)

در این مرحله دانش‌آموزان خود را درگیر می‌کنند و با استفاده از روش‌های نوین و چگونگی بخشیدن این نگاه به شاگردان در فرایند آموزش توجه داشته باشد. در گذشته تغییر در نگاه معلمان در جهت تغییر شیوه‌های آموزش امری آسان نبود و این تغییر نگاه در دوره‌های پیش از معلمان و دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان اتفاق می‌افتاد. تغییرات‌های لازم و بی‌پسگامی از معلم باید صورت گیرد و جنبه تعویض‌ناپذیر این تغییر و تحول در فرایند آموزش است.

مرحله سوم: تشریح و تبیین موضوع (Explanation)

در این مرحله دانش‌آموزان خود را درگیر می‌کنند و با استفاده از روش‌های نوین و چگونگی بخشیدن این نگاه به شاگردان در فرایند آموزش توجه داشته باشد. در گذشته تغییر در نگاه معلمان در جهت تغییر شیوه‌های آموزش امری آسان نبود و این تغییر نگاه در دوره‌های پیش از معلمان و دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان اتفاق می‌افتاد. تغییرات‌های لازم و بی‌پسگامی از معلم باید صورت گیرد و جنبه تعویض‌ناپذیر این تغییر و تحول در فرایند آموزش است.

درست را آموزش می دهد. در مثال حشرات، معلم می تواند نام اندام های مختلف حشره و نقش آن در بدن را آموزش دهد و اشکالات موجود در نقاشی های دانش آموزان را به آنها یادآور شود.



اساس نتایج این ارزشیابی های مستمر، ارزشیابی نهایی انجام می شود و در مورد میزان دست یابی دانش آموز به اهداف، اظهار نظر می شود. اولیای نیز می توانند این پرونده را ملاحظه کرده و سیر پیشرفت تحصیلی

فرزند خود را دنبال کنند.

شیوه ارزشیابی مستمر و ثبت نتایج آن در پرونده تحصیلی فواید بسیاری دارد از جمله این که ارزشیابی به پایان ثلث یا نیم سال موقوف نمی شود و شاگردان می دانند که در پایان هر مبحث مورد ارزشیابی قرار می گیرند و لذا به تدریج مطالب درسی را فراموش نمی کنند. معلم نیز با ارزشیابی های مکرر و متعدد بهتر می تواند استعداد و توانایی دانش آموزان را بشناسد و برای شاگردان ضعیف و قوی برنامه های خاصی را پیش بینی کند. اضطراب روحی ناشی از امتحان به این ترتیب از میان می رود و یا کاهش می یابد. یکی از مشکلاتی که در کشور ما (ایران) وجود دارد این است که به ارزشیابی های مستمر اهمیت لازم داده نمی شود و تأکید بر امتحانات پایانی است. این امر سبب می شود که تمام دروس اثبات شده شود و شاگرد مجبور باشد در پایان سال تحصیلی در عرض دو هفته چندین کتاب را امتحان بدهد و این خود باعث ایجاد اضطراب و ناراحتی برای او و خانواده او می گردد و امکان موفقیت در امتحانات را کاهش می دهد. بازتاب این اضطراب و ناراحتی از شیوه ارزشیابی به صورت انتقاد از حجم کتب درسی در جامعه مطرح می شود و عده ای تصور می کنند که مشکل در حجم کتاب است و حال آن که اگر حجم کتاب را به نسبت ساعت آموزش در طول سال تحصیلی در نظر بگیریم مشاهده خواهیم کرد که حجم مطالب درسی که برای هر جلسه درس در نظر گرفته شده حجم زیادی نیست و شاگردان می توانند به راحتی آنها را یاد بگیرند. اما وقتی این حجم درس جمع می شود و ما می خواهیم یکجا از آنها ارزشیابی کنیم کار بر دانش آموزان دشوار می شود.

بنابراین همچنان که ما نیازمند ایجاد تحول در شیوه های تدریس معلمان هستیم و باید روش های جدید تدریس را به هر شکل ممکن اشاعه دهیم، محتاج ایجاد تحول در شیوه های ارزشیابی نیز هستیم. باید جایگاه و اهمیت ارزشیابی تدریجی و ثبت نتایج در پرونده تحصیلی دانش آموز برای اولیاء، معلمان و دانش آموزان تشریح و تبیین شود و سمت و سوی توجهات از امتحان محوری و نمره محوری به سمت تحقق اهداف آموزشی و کسب دانش ها و مهارت های مورد نیاز معطوف گردد.

مرحله چهارم: بسط و گسترش موضوع (Elaboration)

روشن است که زمان کلاس اجازه نمی دهد که همه آنچه را که شاگردان باید بدانند در کلاس یاد بگیرند و لازم است برای تکمیل اطلاعات خود به مطالعه بپردازند. در این مرحله معلم شاگردان را راهنمایی می کند که با مراجعه به منابع مختلف از جمله کتاب، فرهنگنامه، مجلات، افراد آگاه و خبره، اینترنت و غیره اطلاعات خود را در مورد موضوع گسترش دهند. در مثال حشرات، معلم می تواند از شاگردان بخواهد در مورد نام حشره، شرایط محیط زندگی آن، فواید و مضرات احتمالی آن و این قبیل موضوعات مطالعه کرده و به کلاس گزارش دهند.

نکته ای که مهم است و قبلاً نیز گفتیم این است که معلم در همه این مراحل فقط نقش تسهیل کننده و راهنما را دارد و باید به شاگردان اجازه دهد تا خودشان فعالیت کنند. حتی شاید خود معلم هم چیز زیادی در مورد موضوع نداند ولی با این روش می تواند همراه دانش آموزان خودش هم یاد بگیرد بی آن که از جایگاه و شأن معلمی او چیزی کم شود.

مرحله پنجم: ارزشیابی (Evaluation)

در این مرحله معلم باید ببیند آیا شاگردان به هدف های مورد نظر رسیده اند یا نه و اگر نرسیده اند علت چه بوده و چه اقدامات دیگری باید انجام شود تا آنان به هدف های درس نایل شوند. ارزشیابی باید با شیوه آموزش هماهنگ باشد. اگر روش تدریس، فعالیت محور بوده و با آزمایش و کار گروهی و تحقیق و جست و جو توسط دانش آموزان همراه باشد باید در ارزشیابی نیز همین جنبه ها مورد توجه قرار گیرد. گاهی اوقات علت عدم توفیق دانش آموزان در امتحانات به علت عدم هماهنگی بین شیوه تدریس معلم و شیوه ارزشیابی است و لذا وجود هماهنگی بین این دو از مسائل مهم آموزش است.

یکی از روش های مناسب ارزشیابی که امروزه در مدارس آمریکا متداول شده است استفاده از پرونده تحصیلی (Portfolio) است. در این روش برای هر دانش آموز یک پرونده عملکرد تحصیلی تشکیل می شود و معلم نتیجه ارزشیابی های مختلفی را که در طول سال به عمل می آورد در این پرونده ثبت می کند و در پایان سال تحصیلی بر

مدیریت پروژه های

بهر روز نورانی

عضو گروه های آموزش منطقه ۸ تهران



به آن اشاره می کنند. «اهمیت آموزش و تقویت مهارت های پایه یادگیری به دانش آموزان است. قصد این است که به سبب آموزش این کتاب ها، دانش آموزان در استم از آموزش های دوره ابتدایی به یادگیرندگان مابین پایه هفتم تا دوازدهم استفاده از روش های علمی فراشناختی مبتنی بر روش ها داشته باشند. اکنون پس از بررسی دقیق کتاب های علوم تجربی و آموزش حرفه و فن از جهات مختلف، عنوان های به ذهن من می آید که عبارتند از: خواص گیاهان»

پس از بررسی این کتاب های علوم تجربی و آموزش حرفه و فن از جهات مختلف، عنوان های به ذهن من می آید که عبارتند از: خواص گیاهان، اجزای آزمایش دقیق و کامل - آزمایش علمی نتایج اجزای آزمایشی، نظرات بر دقت و صحت اجزای آزمایشی، اصلاح کتاب آزمایشی و ... استفاده شده است. کتاب های جدیدی که در این باره

مراحل منطقی یک پروژه آموزشی چیست؟ بخش نظرات در طراحی، اصلاح طرح اولیه، زیربنایی و اجرای پروژه های آموزشی چگونه است؟ حتی می خواهم بدانم که در کتاب های علوم تجربی و حرفه و فن دوره راهنمایی تحصیلی، تغییراتی آغاز و اعمال شده است. بدیهی است هر حرکت آموزشی اگر هدفدار و برنامه ریزی شده باشد، جامعه را در مسیر گمان و رشد قرار خواهد داد.

الف) آن کمال احترام و قدردانی است به روحیات دانش آموزانی که تمام گروه های مرتبط با این تغییر محتمل شده اند. در مواجهه با این تغییرات چند سوال به ذهن منباد می شود:

- ضرورت این تغییر چه بوده است؟
- چه بر خعی این ضرورت را تشخیص داده است؟

- داده های مورد نیاز این تغییر، تغییرات هماهنگ در سایر برنامه ها، روش ها و عناصر آموزشی نیز اعمال شده است؟
- آیا مرجعی، اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت این تغییر را سه صورتی راهبردی مشخص کرده است؟

- آیا برنامه ریزی راهبردی برای اجزای تمامی مراحل منطقی این پروژه آموزشی انجام گرفته است؟
- آیا

این پرسش ها، پرسش های ساده اند که در یادگیری کتاب های جدید علوم تجربی و حرفه و فن سال اول و دوم دوره راهنمایی تحصیلی، ذهن هر پیساده ذهنی را به خود مشغول خواهند کرد. آنچه کرده و مولفان این دو عنوان کتاب به عنوان هدف اساسی مورد توجه در کتاب های جدید



روز آمد

با نظر به کتاب های جدید علوم و حرفه و فن

گروه های مرتبط با این تغییرات استفاده شود؟ آیا لازم و ضروری نبود تا با روش های مناسب و در زمان مناسب و کافی گروه های مرتبط با این تغییر، آگاهی لازم را قبل از اجرای قطعی کسب نمایند؟

آیا روش های اطلاع رسانی مورد استفاده، هماهنگی و درک مشترک نسبی، بین گروه های مرتبط اعم از گروه مدیران مدارس راهنمایی تحصیلی، گروه معلمان، دروس علوم تجربی و آموزش حرفه و فن، گروه دانش آموزان و گروه والدین دانش آموزان به وجود آورده است؟

آیا محتوا و روش های ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان نیز نمی بایست تغییر کند؟

آیا گروهی، مسئولیت خود را برای ارائه روش های ارزشیابی، متناسب با این کتاب ها، به معلمان، به خوبی به انجام رسانده اند؟

ت) بعد از آن که در سال تحصیلی ۷۹-۸۰ و در سیستم آموزش دو نوبته (سیستمی که برای اولین مرتبه بدون زمینه قبلی برای تمامی

دست اندرکاران، به صورت فراگیر اجرا شده است) کتاب های جدید (کتاب های علوم تجربی و آموزش حرفه و فن سال اول دوره

راهنمایی تحصیلی) به هر شکلی تدریس شده اند و دو نوبت ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان به عمل آمده است، آیا روش های

آموزشی و ارزشیابی تحصیلی مورد استفاده در مدارس در راستای تغییرات به وجود آمده در کتاب های درسی جدید بوده است؟

نتایج امتحانات علوم تجربی و آموزش حرفه و فن سال اول در نوبت اول و دوم نشانگر چیست؟

آیا در این مدت کوتاه نمی بایست تغییری در آموخته های دانش آموزان و مهارت های

برای تألیف کتابی آموزشی را به درستی طی کرده اند؟

چه مرجعی این مراحل را می بایست تعیین کند؟

چه گروهی عبور کتاب های جدید را در مسیر درست و علمی لازم تأیید می کند؟

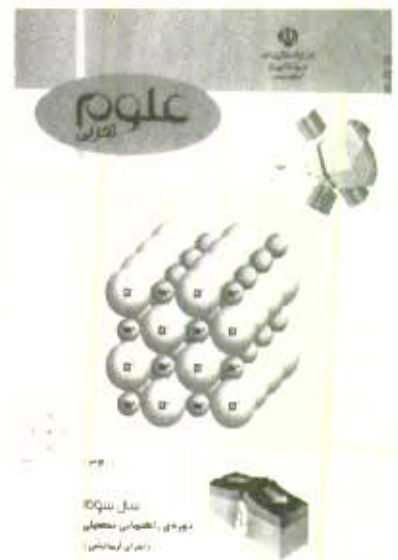
کتاب های جدید التألیف بر اساس چه معیارهایی استاندارد های آموزشی (یا به عبارتی ISO های آموزشی) را کسب کرده اند؟

ت) واقعیت های آموزشی در مدارس دوره راهنمایی تحصیلی:

حال که این کتاب ها به هر شکلی تهیه و پس از چاپ در اختیار مدارس سطح کشور قرار گرفته است، آیا نمی بایست تمام معلمان علوم تجربی و آموزش حرفه و فن، دوره های زاینر اساس این کتاب ها بگذرانند؟

از چه روش های فراگیری برای آماده سازی تمامی معلمان می توانست استفاده شود؟

آیا امکان نداشت از روش اطلاع رسانی مناسبی برای آگاهی دادن به خیل عظیم



پایه یادگیری آن‌ها را چه می‌داد؟

آیا کسی بایست بعد از امتحان نوبت اول و نوبت دوم نتایج این تغییر مورد تجربه و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن به اطلاع مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنان رسانده می‌شد؟

اینها در تدریس استان‌ها، مناطق و بنا مدارس، اشخاص و یا گروه‌هایی نمی‌توانست خدمات لازم و کافی فراگیر و موثر را در زمینه‌های روش‌های تدریس مستقیم (یادگیری فعال) و روش‌های ارزشیابی مرتبط (مستمر و پیاپی) از به می‌دادند؟

آیا گروه‌ها و یا کسانی که مسئول حسن اجرای این پروژه‌ها در تجربه آموزش و پرورش کشور و مسئول حسن استفاده از کتاب‌های جدید در تمامی استان‌ها، مناطق و مدارس می‌باشند، به تمامی وظایف خویش به خوبی عمل کرده‌اند؟

آیا دانش‌مویختگان به درستی مهارت‌های اساسی یادگیری را فرا گرفته‌اند و یا فقط ...؟

ج) واقعیت این است که بسیاری از معلمان (حدود ۷۰ درصد) آموزش و تدریس کتاب‌های علوم تجربی و حروفه و فن را به صورت کاملاً شخصی تجربه کرده‌اند و در حین این تجربه را خود پرورش کشیده‌اند.

ندامت است که در این مسیر تجارب متفاوتی در روش تدریس، روش ارزشیابی و ... به وجود آمده است، که این گونه‌گونی تجارب در یک منطقه، در یک استان و در کل کشور نمی‌تواند در راستای بهره‌مند شدن یکسان، هماهنگ، عادلانه و موثر تصمیم‌دانش‌آموزان کشور از تغییرات ایجاد شده در کتاب‌های جدید التألیف باشد.

به راستی چه گروه‌ها و یا چه اشخاصی مسئول حسن اجرای این پروژه‌های تغییرات آموزشی و یا پروژه‌های تغییر کتاب‌های آموزشی هستند؟

با وجودها و گروه‌های دیگر، خود را مرتبط با تغییرات نمی‌دانند و آیا خود را موظف به مشارکت مساعی و هماهنگی نمی‌دانند؟

این گروه‌ها و اشخاص از چه راه‌هایی مسئولیت‌های خطیر خود را انجام می‌دهند؟ و آن خود را در مقابل معلمان و نصاب گروه‌های مرتبط بهره‌میدار نظام آموزشی پاسخگو نمی‌دانند؟

ج) آیا روح کتاب‌های پاسخ‌نامه‌ای و به اصطلاح کتاب‌های کمک آموزشی، برای کتاب علوم تجربی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی، نشانگر ایجاد تغییرات مطلوب در دیدگاه‌های معلمان است؟

آیا تکیه بر استفاده بسیار زیاد از این پاسخ‌نامه‌های مجلدات توسط گروه‌های در دانش‌آموزان، نشانه‌ای از استهوار روش‌های آموزشی گذشته‌یست؟

آیا با وجود استفاده پنهان و آشکار بسیاری از دانش‌آموزان از اسواغ این پاسخ‌نامه‌های مجلدات حل المسائل‌ها، تغییرات مطلوب در رفتار و مهارت‌های پایه یادگیری دانش‌آموزان به وجود آمده است؟

آیا ...
مجدداً این سؤال اساسی به ذهن خطور می‌کند که آیا تنها به صرف ایجاد تغییراتی در کتاب‌های درسی، پروژه‌ها موفقیت و تقویت مهارت‌های پایه یادگیری، از افعال و رفتار افراد (از جمله دانش‌آموزان) آشکار گردند.

مستلماً این گونه یادگیری‌های موفقیت‌آمیز با کیفیت بسیار بهتر محقق شده و تجارب بسیار ارزنده آموزشی ظهور خواهند یافت.

پس اگر بررسی این پروژه و سایر موارد آموزشی، آنچه بسیار ضروری و لازم می‌نماید تسهیل و تقویت زمینه‌های به کارگیری عملی است، بهره‌مندی دقیق، موثر و به موقع از مدیریت علمی به مشارکتی در تمام سطوح مدیریت است. برای تصریحی، آزمایش، اجرا و اصلاح پروژه‌های ایجاد تغییر روزآمد می‌باشد.

ایستاد مدیریت‌های علمی، مشارکتی و ... پروژه‌های ایجاد تغییر را، آماده به‌جانبی آشکار، فوری، واقعی و حیاتی تبدیل شده است.

این نشان در واقعیت جامعه آموزشی و در تمام گروه‌های مرتبط با مسئول آموزش و پرورش و والدین در رابطه با روش و واقعی

با معلمان و مدیران و ده‌ها جوی دهنده از این احساس مسئولیت به آهستگی بیان می‌شود.

در گذشته و حال، افرادی (چه در واحدهای مدارس و چه در واحدهای صف و در سطح مدارس) دانش‌آموزان و پرآلائش در جهت ردائش شدن قدم‌های نو، به ترویج اندیشه‌هایی نو پرداخته‌اند. از جوی که بر گروه‌ها کشیده‌اند، بسیار از جوی بوده و در حین تقدیر و سپاس فراوان است. احوال در جهت بهره‌مندی بیشتر از این تلاش‌ها و به‌ثمر رسیدن دانش‌آموزان است که برای تقویت و تدریج نقش و مسئولیت مدیریت آموزشی در تمام ابعاد آن، گام‌های عملی برداشته شده.

خصوصاً در بعد نظریات و راهبردهای آموزشی کارآمدها، بهره‌مندی از ابزار خوردهای واقعی، بهره‌مندی از مدیریت طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های آموزشی در تمامی سطوح مدیریت محقق باشد.

استفاده مفید و موثر از دانشی و توانایی مدیریت‌های آموزشی کارآمدها، باعث می‌شود تا در روزگار دانشی و معارف، در سن موفقیت آمدن معتمد و توفیق در امور حل و تقویت مهارت‌های پایه یادگیری، از افعال و رفتار افراد (از جمله دانش‌آموزان) آشکار گردند.

مستلماً این گونه یادگیری‌های موفقیت‌آمیز با کیفیت بسیار بهتر محقق شده و تجارب بسیار ارزنده آموزشی ظهور خواهند یافت.

پس اگر بررسی این پروژه و سایر موارد آموزشی، آنچه بسیار ضروری و لازم می‌نماید تسهیل و تقویت زمینه‌های به کارگیری عملی است، بهره‌مندی دقیق، موثر و به موقع از مدیریت علمی به مشارکتی در تمام سطوح مدیریت است. برای تصریحی، آزمایش، اجرا و اصلاح پروژه‌های ایجاد تغییر روزآمد می‌باشد.



این نخستین ویژه نامه ای است که به طور مستقل درباره تاریخ به دبیران ارجمند مطالعات اجتماعی در مدارس راهنمایی و نیز به همه معلمان علاقمند به مباحث تاریخی تقدیم می کنیم. شواهد مختلف نشان می دهد که آموزش تاریخ در مدارس ما از ضعف مغرط رنج می برد. نتایج امتحانات، اطلاعات عمومی ناچیز دانش آموختگان مدارس درباره تاریخ ایران و جهان و بسیاری شواهد دیگر، این را تأیید می کند. حق این است که نظام آموزشی ما هنوز نتوانسته است به دانش آموزان، به تاریخ کشور خودشان و نه بویژه تاریخ جهانی را، چنان که شایسته این درس است، بیامورد. درس تاریخ، در همین حد هم که هست، غالباً در مجموعه ای از سؤالات و جواب های کوتاه و بلند خلاصه می شود و در ازای آن مره ای در کارنامه دانش آموز قرار می گیرد بدون آن که حلاوت و شیرینی این درس نه کام دانش آموز بنشیند؛ مگر این که معلمی خود خویای حقیقت باشد و وظیفه انسانی و حرفه ای خود بداند که فراتر از محفوظات صرف، دانش آموزان را با جوهر اصلی تاریخ - که همان عقلانیت تاریخی است - آشنا کند.

تاریخ همان طور که در مدرسه یک «درس» است، در صحنه حیات انسان نیز یک «درس» است. ما در گفته های بزرگان و پیشوایان خود نیز بسیار شنیده ایم که تاریخ درس معرفت و درس عبرت است. درسی است که به انسان «بصیرت» می بخشد. همان بصیرتی که سرچشمه «حیات انسانی» است. حضرت علی (ع) به فرزند خود می فرماید که چون در تاریخ مطالعه می کند خود را در میان پیشینیان می بیند، گویی در تجربه های آنها شریک می شود و لذا بر عقل و درایت خویش می افزاید.

باری، ویژه نامه حاضر شامل مطالب متنوعی درباره تاریخ به طور کلی است. نخست گفت و گویی است با تنی چند از دبیران محترم تاریخ شهر تبریز راجع به آموزش تاریخ در دوره راهنمایی؛ سپس گذری است ستایان بر زندگی یکی از تاریخ نگاران معاصر یعنی «استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی بازیزی» در ادامه، نکته هایی درباره آموزش تاریخ، از دید جهانی، برگی از تاریخ عصر قاجار؛ نگاه ابوریحان بیرونی - که خود مورخی گرانقدر است - به کار تاریخ نویسی و سرانجام آشنایی با ده ها تن از مشاهیر تاریخ جهان را می خوانید. در پایان نیز معرفی کتاب درس های تاریخ ویل دورانت را خواهید خواند امیدواریم مورد توجه جوانندگان عزیزمان قرار گیرد.

ویژه نامه آموزش

تاریخ





آموزش تاریخ به نوجوانان دانش آموز

در گفت و گو با دبیران

■ بسم الله الرحمن الرحيم در جمع

همکاران خوب و دبیران محترم تاریخ در تبریز هشتم - سؤال اول را به این صورت مطرح می کنیم که ضمن بیان وضعیت خدمتی خود، بفرمایید - هر یک از همکاران محترم - به عنوان معلم تاریخ با چه انگیزه ای غیر از انگیزه شعلی این درس را تدریس می کنید؟
۱- «من مزده رضایی تبریزی دبیر تاریخ دارم و رهنمایی هستم - ۲۴ سال سابقه دارم و در گروه های آموزشی استان به عنوان سرگروه علوم جمعیتی به مدت ۶ سال است که فعالیت دارم اما در مورد این سؤال باید بگویم که من صرف نظر از انگیزه شعلی خودم، تاریخ را برای شناساندن تاریخ گذشته کشورم در گذشته و حال درس می دهم»

۲- دانشگر از مجله پرسید که این امکان را برای ما هم آورده است من نادره نایب پور میزده سال سابقه دارم در پاسخ این سؤال می توانم بگویم علاوه بر این که شعاع احساس می کنند چون تاریخ به پیشروان می آید تدریس گذشته و حال را به گونه ای که به گذشته و حال حقیقت دارد می تاریخ تدریس می دهم و سعی می کنم این پیوند را با نسل های آینده هم برقرار کنم و به خاطر علاقه شخصی که دارم احساس می کنم می توانم این پیوند را در دانش آموزان ایجاد کنم

۳- خانم نادره لیل آبادی دبیر تاریخ دارم و متوسطه هستم - ۲۶ سال سابقه دارم و در جوانی به تدریس فلسفه می پرداختم و چون

اشاره - دانش آموزان دوره راهنمایی در کتاب فارسی اول خود چنین می خوانند: «مردم تبریز در انقلاب مشروطه با حکومت های استبدادی و اشغالگران خارجی و جدایی خواهان مبارزه کرده و از خود همت و غیرت نشان داده اند... ملت ایران سهم آذربایجان را در انقلاب مشروطه و در انقلاب اسلامی از یاد نخواهد برد - قیام مردم تبریز در روز بیست و نهم بهمن ماه سال ۱۳۵۶ بر ضد حکومت طاغوت و نیز دفاع مردم آذربایجان از اسلام و ایران در طول سال های جنگ تحمیلی فراموش ناشدنی است» به یاد آوردن عبارات فوق ما را بر آن داشت تا گفت و گوی ویژه خود درباره تاریخ را به آذربایجان اختصاص دهیم و با حضور در جمع تالی چند از دبیران محترم تبریز، نظرات آنان را درباره چند محور آموزش تاریخ در مدارس راهنمایی جویا شویم اکنون حاصل آن حضور را به شما دبیران ارجمند در سراسر کشور تقدیم می کنیم. اسامی حاضران به ترتیب الفبا عبارت است از:

- ۱- آقای ناصر جدیری، دبیر و سرگروه رشته تاریخ استان در دوره متوسطه
- ۲- آقای نادر جعفری، دبیر راهنمایی و سرگروه استان در رشته علوم اجتماعی
- ۳- خانم مزده رضایی تبریزی، دبیر راهنمایی و سرگروه استان در رشته علوم اجتماعی
- ۴- خانم نیره لیل آبادی، دبیر دبیرستان و عضو گروه آموزش تاریخ دوره متوسطه
- ۵- خانم نادره نایب پور، دبیر و سرگروه استان در رشته علوم اجتماعی با تشکر از همکاران محترم که دعوت مجله را پذیرفتند و تشکر از جناب آقای انزلی، سرگروه آموزشی استان آذربایجان شرقی، که امکان گفت و گو را در تبریز فراهم کردند، مجله رشد لازم می داند از آقای جواد باباخانی دبیر محترم دبیرستان های تهران نیز که به عنوان دبیر جلسه، این گفت و گو را برگزار کردند تشکر نماید.

امروز که مسئله بحران هویت مطرح شده برای ایجاد خوددباوری و همچنین به اصطلاح آگاه کردن جوانان به هویت ملی و مذهبی شان ما باید از تاریخ استفاده کنیم. من همیشه در تدریس خود سعی می‌کنم دانش آموزان را به هویت خودشان آگاه کنم تا بتوانند در حقیقت از تاریخ سپری بسازند برای مواجهه با این مسئله.

۶ من نادر جعفری، دبیر تاریخ دوره راهنمایی و مدت دو سال است که در گروه های آموزشی استان هستم. بنده هم به عنوان دبیر در دوره راهنمایی هدم این است که دانش آموزان هویت خودشان را بشناسند چون وقتی هویت خودشان را شناختند می‌توانند به فرهنگ و کشورشان بیشتر خدمت کنند. همه می‌دانیم که تاریخ علمی است برای ثبت وقایع و حوادث؛ یا این که به عنوان آینه حقایق و تشریح کننده حوادث است. تاریخ است که دوران های زندگی بشر را نشان می‌دهد و پندهای تاریخ را جلوی چشممان انسان های عبرت بین می‌گذارد. تمام وقایعی که در تاریخ ثبت و ضبط می‌شود نماینده همان چیزی است که مولوی گفته است:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا

۶ بنده ناصر جدیری دبیر تاریخ متوسطه و سرگروه تاریخ استان هستم. بنا ۲۴ سال سابقه تدریس در این رشته. هدف بنده به عنوان معلم تاریخ علاوه بر انگیزه شغلی در واقع راهنمایی جوانان و نوجوانان کشور و آگاه کردن آنها نسبت به هویت ملی و مذهبی شان است. ناحایی که از دستمان برمی‌آید. و چون تاریخ، بهتر بودن و بهتر زیستن و بهتر مردن را به ما می‌آموزد از این نظر ما می‌توانیم با آموزش تاریخ به جوانان و نوجوانان کاری کنیم که آنها افرادی مثرتر و لایق و مفید برای جامعه شان در آینده باشند.

■ رشد: به نظر شما هدف از آموزش درس تاریخ، چیست؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم بگویم آیا نیازی هست که درس تاریخ در دوره راهنمایی گنجانده و تدریس شود. به عبارت دیگر به چه منظوری این درس در دوره راهنمایی گنجانده شده است؟

۶ خانم رضائی تبریزی: در پاسخ به این سؤال باید بگویم که اولاً اهداف آموزش تاریخ تحقیق و بررسی در مورد سرگذشت گذشتگان و تحولات ایجاد شده در جهان و نیز در کشورمان است و این که بدانیم چه عواملی سبب موفقیت ها و شکست های تاریخی ما شده است تا این درس عبرتی باشد

برای آیندگان. به نظر من خواندن درس تاریخ از این جهت برای بچه ها واجب است.

۶ خانم نایب پور، معمولاً یک نوجوان به دنبال یافتن هویت خودش است. به عبارت دیگر می‌خواهد بداند که من کی هستم و پدرم کیست و مادرم کیست. وقتی این نوجوان وارد جامعه می‌شود برای این که بتواند هویتی پیدا کند باید به گذشته خودش برگردد و پیشینه خودش را بشناسد که من از کدام جامعه هستم، کدام تمدن هستم و ... حال اگر ما این آگاهی بینادی را به او بدهیم که تو کیستی، جامعه ات چطور است، گذشته ات چه بوده، تحولاتی که در گذشته اتفاق افتاده چه بوده و ... اینها به نظر من در آن جامعه ای که گفته می‌شود بحران و تهاجم فرهنگی وجود دارد می‌تواند در برابر بحران و تهاجم مانع ایجاد کند و اجازه ندهد که فرد تسلیم افکار و فرهنگ بیگانگان شود.

۶ خانم لیل آبادی: در جواب این سؤال باید گفته شود که چون کشور ما ایران دارای سابقه ای طولانی است و در این سابقه با تهاجمات مختلف از قبیل تهاجمات خارجی، شورش ها و برخوردها مواجه شده و در هریک از این برخوردها مردم این مملکت حافظ آب و خاک بوده‌اند و آن را



حفظ کرده اند. پس باید به جوانان خودمان آموزش دهیم که بدانند چگونه گذشتگان می‌اندیشیدند و چگونه با آن‌ها برخورد می‌کنند و آن‌ها را چگونه می‌فهمند؟ و این فرسنگ و مذهب و ملت را چگونه باید به آیندگان سپرد؟ عبادت که اگر ملت کشورمانند است به چه قدر فدکاری گذشتگان است. حال اگر بخواهیم به این هدف آموزشی برسیم باید از راه‌های مختلف تاریخ را در سینه‌های جوانان قرار دهیم.

۶ آقای جعفری عرض کند همان طور که امروز همه دست دراز می‌کنند و به اصطلاح جهانگردی کنند و شاخسی از

خدا پرستانه داشته اند و حتی روح چنانچه شدن داشته اند. آن اینها را در آثارها و ... مختلف می‌بینیم. در این مسافرت دهی. به زندگی گذشته انسان‌ها می‌رسیم. این که عده‌ای فکر کرده اند و عده‌ای مظلوم واقع شده اند. و می‌سازد عده‌ای که در جهنم امروز ادعای بندگی خدا می‌کنند از بندگی بزرگ‌اند مثل اسمائیلی‌ها که بزرگ‌ترین مسلمانان را از سرزمین خودشان بیرون رانده اند. مثلاً آمریکا که خود را گذشته ملل را از کتک کرده و جلال می‌خواهد آنها را بیرون براند.

۶ آقای جدیری تاریخ گذشته می‌تواند را فکری باشد. جوانان و جوانان

۶ خاتم رضایی به نظر من علاوه بر محتوای کتاب‌های فقهی تاریخ اگر مناسب هم باشد فشرده‌تری آن به فقهی زیاد است که برای دانش آموزان و اعاضا همیشه کننده است مخصوصاً در حال دوره فشرده‌تری آن است که دانش آموزان آن را داشته باشند و می‌تواند تاریخ سوره بسند خوب است. بعضی شخصیت‌های آن خوب شناسیده شده است اگر چه مناسبه بعضی از آنها کم رنگ شدن داده شده اند.

۶ خاتم نایب پور تاریخ‌های دوره راهنمایی به توجه به محدودی دانش آموز نوشته شده است. چرا که دانش موزی که از ابتدایی به دوره راهنمایی می‌آید هم از نظر فکری رشد می‌کند. هم از نظر دینی و جوان است دنبال جداییات همه هستند.

در کتاب‌های تاریخ راهنمایی ما به اصطلاح از یک کتابک مصفب و جور دریم. در واقع وقتی کتاب‌ها را می‌بینیم احساس نقص در آن‌ها می‌کنیم بلکه احساس جنگلی به یاد می‌آوریم و معاصم دست می‌دهیم. این معاصم ضربه خوردن به دانش آموز می‌شود. به نظر من در تدوین کتاب‌ها باید فکر اساسی کرد.

شاگردان را از همین حالات تاریخ غلاق پیدا کنیم و ایجاد جداییات نکنیم. برای وقتی بزرگ می‌شوند خودش دنبال مقلد را می‌گیرد و مضامین را عمیق می‌کنند. علاوه بر کتاب‌ها شکل‌های جالبی هم نسبت به نگه‌داران دانش آموزان جدید آن شکل‌ها و تصاویر شود و بعد محسوس شود مطلب را بخواند. و وقتی کتاب‌های تاریخ را می‌بینیم گویی شاگردان اینها را می‌کنند و جوانان به حساب می‌آید بلکه به عنوان یک فرد بزرگسال به او نگاه کرده است. در حالی که در تاریخ قصه‌های بسیار جالبی داریم که می‌تواند ذهن افراد خفته تولید کند و این که مثلاً پس از این جوانان در شاگرد خودشان دنبال آن افراد بودند و تحقیق شود به هر حد، به نظر من در کتاب‌ها

۶ آقای جدیری:

به نظر من سوال‌های بسته و باز هر دو لازم اند. اما سوالات باز بهتر و مهم‌تر از سوال‌های بسته است. سوال بسته به دلیل این که می‌تواند نمونه و الگو و یا حالت راهنمایی برای دانش آموزان در آخر درس داشته باشد بهتر است. ولی سوالات باز از این جهت بهتر است که به گفته همکارانمان جنبه استنباطی دارد و دانش آموز می‌رود دنبال تحقیق و پژوهش و راه آن را پیدا می‌کند و می‌تواند موضوعات و مفاهیم تاریخ را بهتر و بیشتر متوجه شود.

باز دارند که و اغلب ما از فهمیدن برای بی‌بودن به همت و فقه خودشان ساخت کار می‌آید و احداث‌شان و این که چگونه این آب و خاک در حفظ کرده اند از این نظر باید گفت تاریخ باید به عنوان یک درس مهم تلقی شود. در دوره راهنمایی دوره دبیرستان هم کامل تر شود.

■ رشد ابا عاویس و محسنوای کتاب‌های تاریخ را برای دانش آموزان دوره راهنمایی مناسب می‌دانید اگر پاسخ شما منفی است چه پیشنهادی دارید.

جهان داشته باشد. تاریخ هم یک نوع جهانگردی و مسافرت به گذشته است. که به نظر من مهم می‌گردد. مسافرتی حد لای و شور انگیز به گذشته که پیوسته احداث و ساختن ما در گذشته چه کرده اند. چه کارهایی انجام داده اند که موفق شده اند و یا شکست خورده اند. وقتی این مسافرت را انجام می‌دهیم، یعنی تاریخ را مطالعه می‌کنیم. بی‌شک می‌بینیم که در گذشته انسان‌هایی اولیه و سازندگان تمدن‌های نخستین چه کرده اند. می‌فهمیم که احداث‌ها را روح

بعدرروائی دانش آموز در نظر گرفته نشده است.

۶ آقای جعفری: عناوین و محتوای کتاب‌های دوره راهنمایی خوب است ولی همان طور که گفتند فشرده است و برای دانش آموز با این وقت کم اصلاً قابل استفاده نیست و جذابیت ندارد بلکه او را زده و خسته هم می‌کند.

■ رشد: بفرمایید که چه عناوین و موضوعات دیگری را مناسب می‌دانید که به کتاب‌های دوره راهنمایی اضافه شود. البته به تفکیک هر سه کتاب؛ و نیز چه عناوینی را پیشنهاد می‌کنید که می‌توان از کتاب‌ها حذف شود چون مفید نیست.

۶ خانم رضایی: فرمودید چه عناوین و موضوعات دیگری را می‌توانید پیشنهاد بدهید که به کتاب‌ها اضافه شود. به نظر من بهتر است در تاریخ سال اول راهنمایی، هر استان تاریخ استان خودش را و در سال دوم تاریخ عمومی کشورش را بخوانند. اما در مورد این که چه عناوینی خوب است حذف شود باید بگویم به نظر من کتاب‌های تاریخ خودش هر ساله در حال تغییر و تحولاتی است، ولی این تغییر و تحول‌ها مشکل درس تاریخ را حل نخواهد کرد. درس تاریخ به یک تحول اساسی نیاز دارد و آن این که ببینیم چگونه می‌توان دانش آموزان را به این درس علاقه مند کرد.

۶ خانم نایب پور: در مورد این سؤال، من با نظر همکارم موافق هستم. مثلاً ما در آذربایجان هستیم و می‌دانید که گوشه و کنار این شهر - تبریز - یادگاری از وقایع و حماسه‌های گذشته دارد. اگر ما بیایم کتابی را که شرح این وقایع باشد برای بچه‌های استان درس قرار بدهیم بهتر است و همین طور هر استانی برای خودش. در مورد حذف عناوین هم، به نظر من تاریخ قابل حذف نیست و با حذف شدن و یا اضافه کردن مطلبی نمی‌توان این مشکل

اساسی را حل کرد. مشکل اساسی ما که همواره گفته شده این است که در عرض ۴۵ دقیقه نمی‌توان این همه مطلب را به دانش آموز تدریس کرد.

۶ آقای جعفری: موضوعات دوره راهنمایی و عناوین آن خوب است ولی نه واسطه کمی وقت نمی‌توان مطالب را به خوبی به بچه‌ها تفهیم کرد. لذا بهتر است به جای حذف مطالب دقت را زیاد کنیم.

■ رشد: در کتاب‌های تاریخ، از چند سال قبل به این طرف، پرسش‌هایی گنجانده شده است که بعضی از آنها با پاسخ باز و بعضی با پاسخ بسته اند، بفرمایید آیا

دانش آموزان مشن درس را بخوانند و بازحمت خودشان بتوانند پاسخ را پیدا کنند. خانم نایب پور: ما باید به نتیجه کار اهمیت دهیم و این که آیا پرسش‌ها ما را به هدفی که در نظر داریم می‌رساند یا نه کافی نیست. به نظر من سیستم آموزشی ما دارای اشکالات فراوانی است؛ از جمله این که در مدارس به سؤال‌ها بیش تر بها داده می‌شود و دانش آموز نمرات خودش را با همان سؤال‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد و خودش را درست در اختیار سؤال‌ها قرار می‌دهد. در نتیجه انتظار دارد معلم هم سؤال‌هایی مشابه همان‌ها بپرسد که متأسفانه در مدارس

○ خانم رضایی:

به نظر من عناوین و محتوای کتاب‌های فعلی تاریخ اگر مناسب هم باشد فشرده‌گی آن به قدری زیاد است که برای دانش آموزان واقعاً خسته کننده است.

○ خانم نایب پور:

شاگرد‌ها را اگر از همین حالا به تاریخ علاقمند کنیم و ایجاد جذابیت بکنیم برای او، وقتی بزرگ می‌شود خودش دنبال مطلب را می‌گیرد و مطالعاتش را عمیق می‌کند.

هم همین سؤال‌ها از طرف معلمان ارائه می‌شود. در حالی که به نظر من هدف تاریخ باید بسط قدرت اندیشه دانش آموز باشد در مرز محدود و نامحدود. به نظر من با این سؤال‌ها، ما دانش آموز را محدود کرده ایم. من خودم با سؤال موافق نیستم.

۶ خانم لیل آبادی: من باریز کردن محتوای درس موافق نیستم. بلکه باید مفهوم کلی را به بچه‌ها بیاموزیم و وقتی دانش آموز مفهوم کلی را آموخت هم می‌تواند سؤال را

وجود این پرسش‌ها ضرورت دارد؟ و اگر ضرورت دارد شما کدام را می‌پسندید یکی را یا هر دو را؟

۶ خانم رضایی تبریزی: پرسش‌های پایانی بسیار خوب است چون اهداف آموزشی همان درس را در بردارد و از این نظر لازم است. اما این که دو نوع پرسش مطرح شده، من فکر می‌کنم پرسش‌های باز که دانش آموز را به تفکر وامی‌دارد و جواب گوی پرسش‌های اوست بهتر است. البته پرسش‌های بسته هم خوب است، تا

به صورت استنباطی پاسخ دهد و همه به صورت ریز. وقتی معنی را به صورت سؤال درمی آوریم مطلب را ریز کرده ایم و ریز کردن مطلب به استنباط دانش آموز از مفهوم نظمه می زند. یعنی قدرت درک و تحلیل و تفسیر را از او می گیرند و سبب می شود دانش آموز همه مطالب را به قالب سؤال در آورد و در نتیجه از درک کلی مطلب عاجز می ماند.

۶ آقای جعفری: پرسش های پایانی چون اهداف آموزشی همان درس را تعقیب می کنند خوب است مخصوصاً آنکه به دو صورت باز و بسته است. سؤالات باز سبب می شود که دانش آموزان بتوانند تمام درسی را که فهمیده اند دوباره بخوانند و این باعث می شود که درس را خوب بفهمند.

۶ آقای جدیری: به نظر من سؤال های بسته و باز هر دو لازم اند. اما سؤالات باز بهتر و مهم تر از سؤال های بسته است. سؤال بسته نه دلیل این که می توانند نمونه و الگو و یا حالت را آهنگی برای دانش آموزان در آخر درس داشته باشد بهتر است. ولی سؤالات باز از این جهت بهتر است که به گفته همکارانمان حبه استغنی دارد و دانش آموز می رود دنبال تحقیق و پژوهش و راه آن را پیدا می کند و می تواند موضوعات و مفاهیم تاریخ را بهتر و بیشتر متوجه شود.

■ **رشد:** آیا ارزشیابی های فعلی با اهداف کتاب و آموزش تاریخ مطابقت دارد؟ شما چه نوع ارزشیابی را برای درس تاریخ مناسب می دانید؟

۶ خانم رضائی تبریزی: به نظر من خیر. زیرا کیفیت بچه ها فدای کمیت ها شده است. در ارزشیابی های فعلی بیشتر به حفظ کردن مطالب بها داده می شود و این مخصوصاً در تصحیح اوراق امتحان نهایی - در آخر سال - بهتر مشاهده می شود. پارسی در اختیار معلم گذاشته می شود و می خواهند طبق آن ورقه های امتحانی تصحیح شود و

این ارزشیابی بدترین نوع ارزشیابی است که به کلمات سبزه داده می شود و نه به آموخته ها. به نظر من باید سؤال های بیشتر به صورت باز داده شود و دانش آموزان را آزاد بگذارند در جواب دادن.

۶ خانم نایب پور: هدف آموزش تاریخ ایجاد انگیزه و علاقه مند کردن بچه ها به گذشته و عبرت گرفتن از گذشته برای زیست بهتر است. در این ارزشیابی هایی که ما داریم خواست درونی ما حاصل نمی شود. به نظر من وقتی سؤال می دهیم باید از شناختن بخواهیم نظر و تجزیه و تحلیل خودشان را بویسند و آنچه را که فکر می کنند به نظر خودشان صحیح است بویسند و نه به صورت

جالب بود که ارزشیابی به صورت نشانه ای و استنباطی انجام بگیرد.

۶ آقای جعفری: به نظر من پاسخ این سؤال منطقی است. چون هدف از آموزش تاریخ رسیدن به پیش تاریخ است و این ارزشیابی های فعلی فقط کمیت آموزش را نشان می دهد و نه کیفیت را. یعنی دانش را می سنجند و نه بینش را. لذا ارزشیابی های فعلی ما راه هدف نمی رساند. البته سؤال های باز و فعالیت های عملی می تواند به پیش تاریخ کمک کند ولی چون وقت کم است نمی توان به اندازه کافی به سؤال های باز و فعالیت های عملی پرداخت.

۶ آقای جدیری: نظر من نیز همان طور

آقای جعفری:

به نظر من هدف از آموزش تاریخ رسیدن به «بینش تاریخی» است ولی ارزشیابی های فعلی فقط کمیت آموزش را نشان می دهد و نه کیفیت را. یعنی دانش را می سنجند و نه بینش را. لذا ارزشیابی های فعلی ما را به هدف نمی رساند.

که همکاران دور و راهم می فرمودند. جوانی منی است. زیرا آنچه بخواهیم به سؤالات گذشته ای و عدم تخصص تیران در این رشته این معضلت پیش می آید. اما به گفته همکاران خانم لیل آبادی، در دوره متوسطه که در دکم کم این مشکل بوداشته می شود امید داریم در دوره های همی هم این مشکل حل شود و دانش آموزان اعتماد پیدا کنند به تحلیل مسائل. اما همان طور که عرض کردم این مسئله تخصصی است و باید بررسی شود و گزارشات رشد و تکامل علمی

کلیشه ای که معده هم فقط در قید پارچه باشد.

۶ خانم لیل آبادی: به نظر من سؤال های باز بهتر است از سؤال های بسته. مثلاً کتاب های تاریخ دبیرستان که عوض شده است و بیشتر تحلیلی شده است یا حداقل بیشتر به تحلیل بها داده شده است. در دستورالعملی هم که آمده بود گفته بودند ما نایبی بهترین بها را به سؤال های نشانه ای بدهیم. اگر چه البته سؤال های ریز هم مورد توجه بود. به هر حال من در دبیرستان خودم را مقید به این دستورالعمل ندادم و برایم جلی

کارآموزی در این زمینه هاست.

■ رشد: چه راهکارهایی را با توجه به مشکلاتی که با آن مواجه هستیم، برای علاقمند کردن بیشتر دانش آموزان به درس تاریخ پیشنهاد می کنید؟

□ خانم رضائی تبریزی: من فقط یک شیوه را مناسب می دانم و آن این که مطالب تاریخی را به صورت داستانی بنویسند و در کلاس به صورت نمایش اجرا شود تا دانش آموزان به درس علاقمند شوند.

□ خانم نایب پور: ما در عصر تحولات زندگی می کنیم و آموزش و پرورش باید از این تحولات بیشترین بهره ها را بگیرد که متأسفانه چنین نیست.

تاریخ فقط آموزش و پرورش نیست، دید جامعه باید نسبت به تاریخ عوض شود. یکی از مهم ترین متولیان تاریخ می تواند رادیو و تلویزیون باشد و تلویزیون می تواند با درست کردن فیلم های کارتونی بچه ها را از سنبل کودکی به تاریخ علاقمند کند.

از شخصیت های تاریخی، از قهرمانان، سرداران بنام و حوادث مهم تاریخ کارتن درست کنند و از سنبل کودکی بچه ها را کنجکاو باریبیاورند تا وقتی بچه وارد دوره راهنمایی شد با پیش زمینه ای که دارد به راحتی بتواند سراغ مطالب تاریخی برود. و حتی در سطح بالاتر کتاب هایش را بخواند.

□ آقای جعفری: همان طور که

خودش در آن وقایع شریک بوده است. □ آقای جدیری: در پاسخ این سؤال باید گفت که استفاده از فیلم های کمک آموزشی و آموزشی و سایر وسایلی که در رشته تاریخ بتواند معلم و دانش آموز را کمک کند نیاز است. به طور کلی معلم باید از حداقل امکانات خودش در تدریس استفاده کند. مثلاً در درس تاریخ شناسی در دوره پیش دانشگاهی، من در هر درسی که تدریس می کنم مطلبی را به کل کلاس ارائه می دهم. به عنوان مثال در بخش مربوط به اسناد، سندی را که کسی آن را قبلاً تهیه کرده ام می خوانم یا می دهم یک دانش آموز بخواند و سپس نظر خواهی می کنم از بچه ها که مثلاً به نظر شما این سند چه رابطه ای با تاریخ کشور ما دارد و به چه مقطع یا دوره ای از تاریخ ما مربوط می شود و ما چه استفاده ای از آن می توانیم ببریم. یا مثلاً در درس سکه شناسی به همین ترتیب.

■ رشد: به نظر شما در آموزش تاریخ به دانش آموزان بهتر است «بینش تاریخی» بدهیم یا «دانش تاریخی»؟ چگونه؟ □ خانم رضائی تبریزی: به نظر من اگر دانش تاریخی نباشد به بینش تاریخی هم دست پیدا نخواهیم کرد پس هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. به شرط آن که دانش تاریخی را به صورت واقعیت ها به بچه ها بگویم.

□ خانم نایب پور: مسلماً هر بینش تاریخی در ذهن دانش آموزان یک حالت پایدار پیدا می کند و این نیست مگر این که دانش تاریخی را به صورت اصولی و صحیح به دانش آموز انتقال بدهیم. یعنی دانش آموز با کسب این دانش تاریخی به بینش تاریخی هم دست خواهد یافت. تاریخ یک مقوله نظری ولی حاصل تجربه هایی است که در گذشته اتفاق افتاده است و نمی توانیم برای آینده آن را به همین شکل تکرار کنیم. همان حالت بینش داشتن و مقایسه زمان گذشته و

همکاران عزیز فرمودند اگر در سن تاریخ با فیلم های آموزشی یا داستانی همراه باشد بهتر است، ولی اگر اینها نباشد تاریخ به خودی خود ملال انگیز و خسته کننده است همان طور که در تاریخ راهنمایی حادثه ها به صورت زنجیر وار فشرده شده لذا دانش آموزان به آن ها علاقه نشان نمی دهند. ولی اگر وقایع تاریخی به صورت داستانی نوشته شود و یا همراه داستان باشد همه علاقمند می شوند آن وقت است که چنان در ذهن نقش می بندد که گویی خواننده

امروزه با وجود کامپیوتر و ویدئو و فیلم، وقتی مثلاً می خواهیم درباره ناپلئون صحبت کنیم لازم نیست حتماً در قالب آن کتاب تدریس کنیم. آموزش و پرورش باید این امکانات را در اختیار ما قرار دهد. کتاب های درسی تاریخ ما متأسفانه بسیار خشک اند و چیزهایی را به شاگرد می دهیم که علاقه ای به یاد گرفتن آن ندارد. یعنی جاذبه های تاریخی ندارد. در صورتی که این مهم ترین عامل است.

□ خانم لیل آبادی: به نظر من متوسلی

دست یابی به آنچه که ما را در رسیدن به اهداف زندگی حمایت می‌کند به کمک پیش تاریخی خواهد بود.

۶ خانم لیل آبادی: ایجاد پیش تاریخی در گرو آموزش تاریخ است. اگر بتوانیم آموزش را از صورت وقایع نگاری و حفظ کردن بیرون آوریم به ایجاد پیش تاریخی نزدیک شده ایم.

۶ آقای جعفری: به نظر من هم دانش و هم پیش تاریخی لازم است ولی تاریخی که دانش تاریخی زمینه ای برای پیش تاریخی نشود به دردی خورد. به عبارات دیگر پیش تاریخی از دانش تاریخی مهم تر است ولی پیش تاریخی بدون دانش تاریخی به دست نمی آید.

برای به دست آوردن دانش تاریخی و پیش تاریخی باید حوادث و علت های پید

تاریخ هم توجه کند متغیلاً دانش تاریخ هم می تواند به پیش تاریخی کمک کند.

■ رشد شما چه روش یا روش هایی را برای آموزش تاریخ پیشنهاد می کنید؟

۶ خانم رضائی تریزی: یک عبت این که درس تاریخ خشک است. «معلم محور» بودن آن است. یعنی این که در کلاس تاریخ معلم سخن می گوید و دانش آموزان هم گوش می دهند. همین؛ آن هم به چیزهایی گوش می کنند که خودشان نمیشناسند.

در حقیقت خیلی سخت است که مانده ها را به مسائل های پیش برین و انتظار هم داشته باشیم که به این درس علاقمند شوند. لذا به نظر من بهتر است دانش آموزان را به فعالیت های عملی وادار کرد و مطالبی را در اخبارشان بگذاریم و مثلاً بگویم دو سلسله افشوری و زرتی را مطالعه کنند و بعد

۶ خانم نایب پور: باید عرض کنم چون تاریخ به گذشته تعلق دارد و تداعی آن در ذهن شاگردان نیاز به ظرافت بخصوصی دارد. این رو رعایت هدی عملی که در مدارس ایجاد شده قدم مثبتی است که به وسیله آن می توان دانش آموزان را به کار و فکر و ملاحظه واداشت و با این روش به اهداف آموزش تاریخ دسترسی پیدا کرد. من چون خودم در زمینه نقاشی دست دارم در کلاس ها سعی می کنم با به تصویر کشیدن وقایع بروی تخته علاقه بچه ها را بیشتر جلب کنم و موفق هم هستم ولی این خیلی کم اتفاق می افتد. یعنی هر معلمی مثال من نیست که نقاشی بلد باشد یا اگر هم بلد است از آن در تدریس تاریخ استفاده کند.

۶ خانم لیل آبادی: با توجه به آنچه گفته شد در درجه اول باید آموزش تاریخ را از دوره کودکی توسط کتاب ها و آن هم به روشی غیر از روش آموزشی - بلکه از طریق بازی و تئوری و تدریس شروع کنند تا برسد به دبستان و دبیرستان... آموزش و پرورش هم با کم کردن حجم کتاب، کم کردن مقایسه کلی و بعد تصویر سازی در کتاب کشیدن نقاشی در کتاب و احداث کردن کتاب ها، همراه با کارهای عملی مثل بازدید از آثار و آینه، آوردن سکه ها و حتی سفال ها در کلاس می تواند بچه ها را به تاریخ نزدیک کند.

۶ آقای جعفری: دانش آموزان را همیشه در این سن به دیدن فیلم های تاریخی علاقه زیادی دارند لذا بهتر است آموزش تاریخ همراه با فیلم های تاریخی باشد.

۶ آقای ناصر حدیری: حتی ایجاد روزنامه هدی دیواری و بردن به موزه ها... ■ رشد در پایان از یکایک دوستان و همکاران گرامی صمیمانه تشکر می کنم امیدواریم این گفت و گو مورد توجه و مطالعه دبیران عزیز تاریخ در همه مدارس کشور قرار گیرد و از آن به نحو مطلوب استفاده کنند.

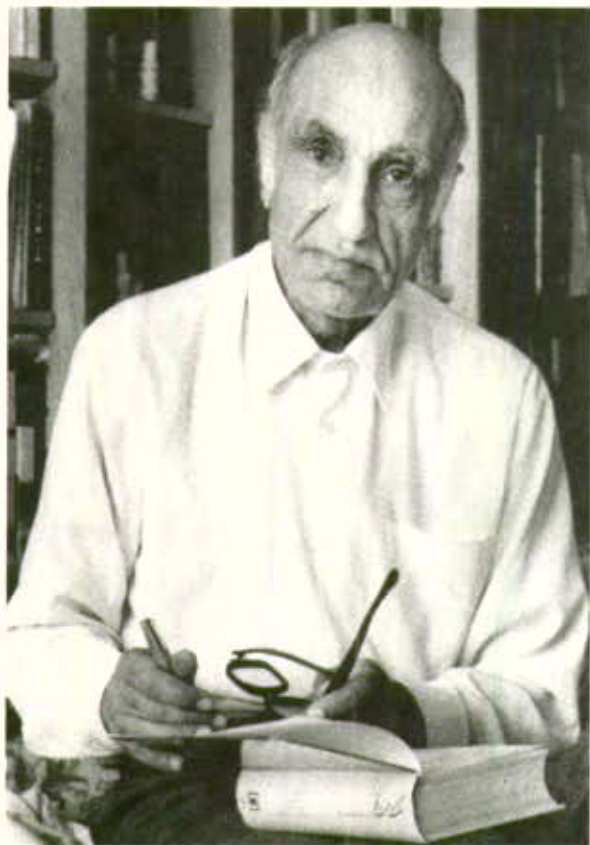
د خانم لیل آبادی:

جهان امروز که مسئله بحران هویت مطرح شده برای ایجاد خودباوری و همچنین به اصطلاح آگاه کردن جوانان به هویت ملی و مذهبی شان ما باید از تاریخ استفاده کنیم. من همیشه در تدریس خود سعی می کنم دانش آموزان را به هویت خودشان آگاه کنم تا بتوانند در حقیقت از تاریخ سپری بسازند برای مواجهه با این مسئله.

خواهیم عمل پیشرفت یا رکود این دو سلسله را با هم مقایسه کنند. یک روش دیگر هم این است که درس ها به صورت داستانی نوشته شود و به صورت داستانی در کلاس اجرا شود تا دانش آموزان به این درس علاقمند شوند. در تکمیل این صحبت ها باید گفت این ممکن خواهد شد مگر آن که زمان درس را هم افزایش دهند.

شود تا دانش آموزان بتوانند پیش تاریخی را به دست آورند.

۶ آقای حدیری: به نظر من هم هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. اما چون پیش تاریخی حسالت کلی و استنباطی دارد مخصوصاً در روش تدریس دبیران این رشته، می شود گفت می توان سادادن پیشش به دانش آموز کاری کرد که او به جزئیات



استاد باستانی پاریزی،

مورخ روزگارهای مردم ایران

کمتر کسی است که اهل مطالعه کتب تاریخی و اجتماعی باشد ولی تاکنون کتاب یا کتاب‌هایی را از استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی نخوانده و یا حداقل با نام آثار این مورخ کثیرالتالیف روزگار ما آشنا نباشد. اگر شما سری به کتابفروشی‌ها هم بزنید و یا در لابه لای قفسه‌های کتابخانه‌های عمومی گردشی بکنید حتماً چند جلد از آثار این استاد بنظر شما را به خود جلب خواهد کرد: بی‌عمبر دزدان، خاتون هفت قلعه، از پاریز تا پاریس، حماسه کویبر، جامع المقدمات، تلاش آزادی، آسای هفت‌سگ و...

استاد باستانی پاریزی معلم تاریخ، مورخ، استاد دانشگاه و نویسنده‌ای است که از او بسیار چیزها می‌توان آموخت؛ در واقع بسا چشمه‌ای است که در هر لحظه و هر زمان هر رهگذری را از جریان پیوسته علم و دانش و آگاهی خویش - به‌وسع خود - سیراب می‌سازد و او را به‌درنگ بیشتر دریای چشمه راغب می‌سازد. باستانی پاریزی را بحق باید تاریخ‌نگار دیروز و امروز سرزمین کرمان نام برد، چنان‌که نام می‌برند، اما بی‌تردید این را باید وجه تخصصی کار ایشان دانست، چرا که اگرچه درحالی‌حالی نوشته‌های باستانی پاریزی، کرمان و آنچه مربوط به کرمان است، رخ می‌نماید ولی همه اینها در گستره سرزمین و تاریخ ایران مطرح می‌شود و لذا جلوه‌ای ملی می‌یابد. باستانی پاریزی به سرزمین و مردم خود - البته به‌انباء بشر درسراسر عالم - عشق می‌ورزد و لذا آثارش سرشار از مقولات و معاهیم مردمی و انسانی است و از بویایی و کشش خاصی برخوردار است. به‌نظر ما، دبیران تاریخ مدارس کشور از مطالعه نوشته‌های استاد باستانی پاریزی بی‌نیاز نیستند بلکه با تاکید باید گفت ضروری است این دسته از معلمان پاره‌ای از کتب باستانی پاریزی را که ارتباط خاصی بر با مباحث درسی دارد حتماً مطالعه کنند تا بتوانند هم «دانش» و هم «معرفت تاریخی» حاصل از این مطالعه را به دانش‌آموزان خود منتقل سازند.

در سال ۱۳۶۶، ماهنامه کیهان فرهنگی، گفت‌وگویی مسوولی با استاد باستانی پاریزی انجام داد که خواندنی است. مقاله حاضر براساس همان گفت‌وگو تنظیم شده و شرحی است از زندگی علمی و معنوی این استاد تاریخ. امیدواریم مورد توجه شما دبیران محترم قرار گیرد.

شاهد

پاریز، روستای کوچکی است که بر سر راه رفسنجان به سیرجان قرار دارد. محمد ابراهیم باستانی پاریزی، در سال ۱۳۰۴ در این روستا متولد شد. پدرش حاج آخوند ملاعلی اکبر پاریزی بود که مردی باسواد و اهل فرهنگ و معرفت بود و در همان سال‌ها در پاریز مدرسه‌ای ساخت و در اختیار وزارت فرهنگ گذاشت تا چندی پس از آن در آن درس بخواند و معرفتشان بالا رود. محمد ابراهیم در مدرسه پاریز - که آن زمان در خانه شخصی به نام ملا محمد حسن (معروف به پیغمبر دزدان) مستقر بود - درس خواند. کلاس ششم ابتدایی را در سیرجان خواند و سپس دو سال ترک تحصیل کرده در واقع ترک تحصیل هم نکرد، بلکه در نزد پدرش که یک معلم واقعی و ادیب و تاریخ‌دان بود، بیش از مدرسه، ادبیت و عربیت آموخت. در سال ۱۳۱۸ به سال اول

فیرمستان را در سیرجان خواند. در همین سال هفده و اسفند بوقت و آمدن حال فرهنگ دوست و صاحب نام به پاریز در ایام تابستان، بسیار چیزها یاد گرفت. از این آموزش‌های خود در «مضامین اخذ العسمة من الفواء الی جانب» می‌داند.

در شهریور ۱۳۲۰ - هجری پاریزی - که هنوز تا جوانی پیش نرسیده شاهد حضور پهلشاه پهلوی، شاه معزول، از سیرجان در مسیر خروج از ایران بود. سفری بی بازگشت به جزیره موریس در اقیانوس هند و سپس به ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی. وی خاطره این دیدار را که در زندگی آینده‌اش تأثیر گذاشته چنین بیان می‌کند: «این نخستین برخورد سینه‌به‌سینه من بود با تاریخ. آن روز تاریخ، تمام قلبم چهره خود را به من نشان داد. پادشاهی که تا روز پیش، ده بیست سال در مذاکره قدرت و موقعیت او، صفحات حرازمی شماری از آینده و حوالده بود و او را تنگنست ناپدید تصور می‌کردم، به رأی العین می‌دیدم که در پنجه تقدیر تاریخ، حواله‌ناخواه به راهی می‌رود و ناگهانت هم می‌رود، راهی که تاریخ برای او تعیین کرده بود.»

محمد ابراهیم هنوز دبیرمستان را تمام نکرده بود که اولین مقاله‌اش را که یک مقاله انتقادی بود انتشار داد. در آن ایام وی مقاله‌ای را در حوزه مرئوسوی کرمانی معصوم می‌داند که همان در روزنامه ستاره‌ای خوانده در راه احوال حضرت زهرا (ع). مقاله نظرش را جلب کرد و در پاسخ آن نوشت: «این که زبان‌های امروز از این بلای بزرگ می‌روش نمی‌گسارند، تقصیر مردان است که زبان‌ها را به گونه دیگری

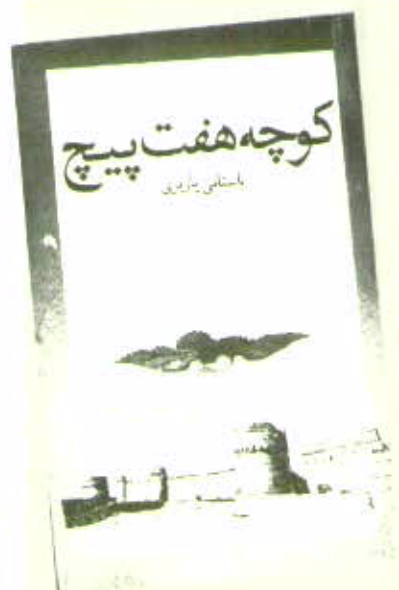
❖ ما اهل تاریخ، در همین چندصباح عمر بعد از انقلاب، چیزهایی را دریافتیم که با مطالعه صدها کتاب تاریخ هرگز آن را به دست نمی‌آوردیم

❖ عباس اقبال همیشه می‌گفت: «این دیوان امیرمعری نیشابوری، خودش یک تاریخ عصر سلجوقی است.»

می‌پسندد، تقصیر آن‌هاست.» این مقاله که در همان روزنامه چاپ شد (۱۳۲۱) نیز یک ادمه مطلق را حسب کرد و آن ادمه مطلق به نویسنده‌اش پیشنهاد کرد که حیف است ادامه تحصیل ندهد. همین امر موجب شد که باستانی پاریزی به دانشرای مقدمانی که مان بود و درس خواندن را ادامه دهد. معلم شود. در همین دوره بود که او نخستین کتاب خود، پیغمبر دزدان را نوشت و چاپ کرد.

چون در پایان دوره انتشار آن رسیده بود، به او اجازه دادند که به تهران برود. در دانشرای عالی به درس خود ادامه دهد. پس به تهران رفت و مشغول تحصیل شد.

در ضمن در مدرسه شیخ عبدالحمین بهرامی - معروف به مدرسه ترک‌ها - در جزایر تهران اسکان یافت. در تهران وی تحصیل خود را در رشته تاریخ ادامه داد. از محضر بی‌گناهی چندان نصیواته فلسفی، غلامرضا رشید یاسمی، سعید نفیسی، عباس اقبال آشتیانی، فاضل موسی، حسینقلی ستوده، جلال‌بابایی، احمد بهشتی، احمد مستوفی و محمد حسن گلچین آموخت.



❖ اگرچه ما در گذشته فرزانیگانی چون یعقوبی، مسعودی، طبری، ابن خلدون و... داشتیم ولی چنین نیست که امروزه هم، با توجه به مقتضیات روزگار، جامعه ما بکلی از چنان افرادی خالی باشد و در واقع امروز هم صحنه از وجود «یعقوبی‌ها و طبری‌ها»ی خود خالی نیست

او همزمان مقالات عریسی روزنامه‌های معروف مصر را نیز برای روزنامه کیهان ترجمه می‌کرد.

استاد، در سال ۱۳۳۰ به عنوان دبیر تاریخ به کرمان بازگشت و به مدت هفت سال در مدارس این شهر خدمت کرد. در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل در دوره دکترا به تهران رفت و ضمن حضور در درس‌های استنادی چون سعید نفیسی و ابراهیم پورداود و محسن عزیزی به دریافت درجه دکتری در تاریخ تایل شد و برای تدریس به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران انتقال یافت. او اکنون از استادان طراز اول این دانشگاه است اگرچه دوره بازنشستگی را می‌گذرانند. استاد باستانی پاریزی دو فرزند، یک دختر و یک پسر، دارد که هر دو دانش‌آموخته دانشکده فنی دانشگاه تهران، و مهندس هستند.

ناینجا با اجمالی از زندگی استاد باستانی پاریزی آشنا شدید. در ادامه مقاله می‌گوئیم پاره‌ای از دیدگاه‌های استاد را با نگاهی به آثار ایشان برای شما بیان کنیم.

استاد در پاسخ به این سؤال که «جامعه از تاریخ چه می‌خواهد» می‌گوید: «جامعه مایل است که تاریخ - مثل بسیاری از منابع دیگر فرهنگی یک مملکت - برای هر یک از افراد آن ملت «یک شخصیت» ثابت و قابل اعتنا و در خور احترام پدید آورد، چه، ثابت شده است که در برابر حوادث و پیش آمده‌های روزگار، تنها کسانی پایدار و بردبار و خوددار و حلیم و چاره‌جو هستند که از یک «شخصیت ثابت» برخوردار باشند. اشخاصی که از جهت روانی نتوانند شخصیت خود را توجیه کنند و نقص شخصیت و بیماری تزلزل و فساد شخصیت داشته و دربارهٔ هویت خود دچار تردید باشند، هرگز افراد قابل اطمینانی برای یک جامعه نخواهند بود.»

یکی از ویژگی‌های آثار باستانی پاریزی آمیختگی آنها با ادبیات است که از ویژگی‌های آثار تاریخی قدیم ماست. از این حیث می‌توان تفاوت بارزی بین آثار باستانی پاریزی و دیگر مورخان معاصر، مثل نصراله فلسفی، عباس اقبال، عبدالحسین زرین کوب، فریدون آدمیت و... مشاهده کرد. باستانی پاریزی خود بر این نکته واقف است و آن را ادامه سنت فرهنگی تاریخ نویسی گذشته می‌داند و نقل می‌کند که: «عباس اقبال همیشه می‌گفت: «این دیوان امیر معزی نیشابوری، خودش یک تاریخ عصر سلجوقی است.» او دربارهٔ راه و رسم خودش نیز در مقدمهٔ کتاب «آسیای هفت سنگ» چنین توضیح داده است که: «... من اقرار دارم که این نویسندهٔ دیمی و تاریخ نگاری من عنندی، که مکتب اصلی آن «دار البرف پاریز» بوده، به درد دنیای امروز

نمی‌خورد. نه دنیا دیده‌ام و نه از دانشگاه‌های خارجی دیپلم یا کالسورا دارم. از سال‌ها پیش... در گوشهٔ دانشکده ادبیات «لخ لخی» می‌کنم و به همت بزرگانی که حسن ظن دارند - نه به فضیلت خویش - به کار ناقص ادبی خود می‌پردازم.

مور بیچاره هوس کرد که در کعبه رسد دست در پای کیبوتر زد و ناگاه رسید. « نگاه باستانی پاریزی به چهره‌های فرهنگی گذشته ایران و اسلام، تا حدی خلاف عادت مألوف است و نسل آنها را انقراض یافته نمی‌داند. وی معتقد است اگرچه مادر گذشته فرزانیگانی چون یعقوبی، مسعودی، طبری، ابن خلدون و... داشتیم ولی چنین نیست که امروزه هم، با توجه به مقتضیات روزگار، جامعه ما بکلی از چنان افرادی خالی باشد و در واقع امروز هم صحنه از وجود «یعقوبی‌ها و طبری‌ها»ی خود خالی





نیست، البته این هست که هیچ کس حقایق هیچ کس را نمی گیرد! ... روزگار ما، دیگر دوران طبری شدن به کامل (این شیر) نوشتن نیست و عصر داینامور شدن به پایان رسیده است و تحقیقات مکرر و سنگینی جانی آن را گرفته است. تحقیقی که من خودم نصراله فلسفی در باب شاه عباس می کند، و آن تاریخ که عباس اقبال در باب معول می نویسد، و آن تألیف که مشیرالدوله (پیر نیا) در باب ایران باستان دارد، همه در حد خود یک شاهکار تاریخی هستند. امروز تحقیق در مسائل جزئی تاریخ، از نگارش سواربیرگر بونورزیک (آذری تالی زمانی) مشکل تر و قوی تر و در عین حال سودبخش تر است ...

یک مقاله کوتاه هفت هشت صفحه ای که فی السیاق استاد عباس زریاب خوبی تحت عنوان اشعه در دایره المعارف فارسی نوشته است آدم را آگاه می کند بر کل تاریخ و نوشته های تاریخی که طی هزار سال در این باب، در مراکز و مراجع مذهبی و علمی نوشته اند و این استاد صاحب نام با احتیاط بر پنج زبان و بر کل تاریخ ایران، در واقع پنج مرده در راه تاریخ گام زده است.

یادمانی پاریزی معتقد است این که

بگویم تاریخ از آوردن کسانی امثال طبری و مسعودی و ابن خلدون عقبه شده است علاوه بر آن که یک نوع ناسیاسی نسبت به کسانی است که همین روزهاست و روزی درگیر تحقیقات تاریخی هستند، بنگ تاریخ دانشگری در برابر لعنت خداوندی نیز هست و در واقع ما عین مسؤل اسنادات قضیه است و سست شدن در راه رحمت خداوندی است. یمنی فرسوده یکی از مورخان هم روزگار خود (که از قضیه آریب نیز هست) چنین می گوید: ... و فی اسان مقدمه تاریخ بعد از اسلام دکتر زوین کوب را می خواند و نقد آن منابع عظیم در دوست سیصد صفحه مضامعه می کند، متوجه می شود که هستند کسانی که در روزگار ما نیز قدرت انسانی یافته اند که باور که در این مورد حسان و ادنی صاحب نظر اروپایی، شرفی، عرب و مغربی و مصری و آسانی سر همسری داشته باشند.

امثال دکتر زوین کوب کسانی هستند که صد با باصداقت دیگر، پس از آن که جرئتی از تاریخ شدند، تاریخ در باب آنها هستند. قضوت را خواهد کرد که ما امروز در باب قلی شامحه تاریخ هزار سال پیش خودمان داریم.

شاید یک دیر تاریخ امروز سخن آنها بداند که یک معلم تاریخ دیرور و استاد برجسته امروز، در روزگار معلم تاریخ چه نظم و هندگهی دارند، بویژه که می دانیه آموزش تاریخ در مدارس ما، چه قبل و چه بعد از انقلاب، کماتش با مشکلات روبه رو بوده و هنوز هم خنجره و شاک موردهم خود را باقی است. یمنی پاریزی می گوید: ... کار معینی تاریخ، چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، کاری صریح و بر قدر و شکستیده است، و آنها کسی از عهده آن بر می آید که بر امروز از تاریخ و واقعاً که می داشته باشد. مصداق شعر نشاط صفهائی که می آورید:

ای منترمیں در شاهنشہ ایران
 دالید مرا کار چه باشد به خراسان!
 بر سنگ زخم شیشه و بر شیشه زخم سنگ
 خواهم شکنه این و نخواهم شکنان
 بنگ معنہ، ابعی تاریخ، معسولان
 گرو و مردوسی است که به قول حافظ
 از بنگ بعلی نمی بدیدند و همیشه بنگ
 حست و جوگر بی نغمه در خواب و بساجال
 گذشتگان است، پس تقریباً همان چیزی است
 را که اول می ده است در همه روزگار
 این که چیز تاریخی با شکی نیستند.

اگر کسی پیش از انقلاب درست تاریخ درس نمی داده است بعد از انقلاب هم کسی نخواهد بود که درست تاریخ درس بدهد. آنها که این گونه دگرگونی های غیر عادی داشته اند هیچ وقت معلم واقعی نبوده اند. به عبارت دیگر، همان طور که یک معلم واقعی تاریخ، بعد از انقلاب هم، مثل پیش از انقلاب یک شه و یک باره میلیونر و میلیاردر نخواهد و نتواند شد، همان طور هم نباید توقع داشت که یک معلم تاریخ در یک شب بعد از انقلاب یک عقب گرد ۱۸۰ درجه در کار خود کرده باشد؛ و اگر کرد با پیش از آن معلم خوسوی نبوده و یا بعد از آن معلم خوبی نخواهد بود. البته انقلاب در هر کس، و به خصوص در هر معلم تاریخ، تأثیر و نفوذ مالا کلام داشته است و در این شکی نیست. ما اهل تاریخ، در همین چند صباح عمر بعد از انقلاب، چیزهایی را دریافتیم که با مطالعه صدها کتاب تاریخ هرگز آن را به دست نمی آوردیم. ولی اینها هم، در واقع، در جهت روشن شدن ذهن و پرتو افکندن براهیها مات بود که کم و بیش در جست و جوی بازیابی آن بودیم و عملاً بر ایمان ممکن نمی شد.

استاد باستانی پاریزی، چنان که در ابتدای

❖ اگر کسی پیش از انقلاب درست تاریخ درس نمی داده است بعد از انقلاب هم کسی نخواهد بود که درست تاریخ درس بدهد. آنها که این گونه دگرگونی های غیر عادی داشته اند هیچ وقت معلم واقعی نبوده اند

این نوشتار آوردیم، نویسنده ای است کثیر التالیف که در راه های گوناگون این وادی - وادی تاریخ - قلم زده است. او خود آثارش را به سه دسته به شرح زیر تقسیم بندی کرده است.

- دسته اول کتاب هایی که مربوط به کرمان هستند: ۱- آثار پیغمبر دزدان ۲- نشریه فرهنگ کرمان ۳- راهنمای آثار تاریخی کرمان ۴- دوره مجله «هفتاد» ۵- تاریخ کرمان ۶- منابع و مأخذ تاریخ کرمان ۷- سلجوقیان و عز در کرمان ۸- فرماندهان کرمان ۹- جغرافیای کرمان ۱۰- گنجعلی خان ۱۱- وادی هفت واد ۱۲- تاریخ شاهی قراختانیان.
- دسته دوم مجموعه هشت کتاب که عدد هفت در نام آنها درج است شامل: ۱- خاتون هفت قلعه ۲- آسیای هفت سنگ ۳- نای هفت بست ۴- اژدهای هفت سر ۵- کوچه هفت پیچ ۶- زیر این هفت آسمان ۷- سنگ هفت قلم ۸- هشت الهفت.

- و دسته سوم آثاری که مقیده به موضوع خاصی نیستند؛ شامل: ۱- یادبود من ۲- ذوالقرنین یا کوروش کبیر ۳- یاد و یادبود ۴- محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله ۵- اصول حکومت آتن ۶- یعقوب لیث ۷- تلاش آزادی ۸- شاه منصور ۹- سیاست و اقتصاد عصر صفوی ۱۰- اخبار ایران ۱۱- از پاریز تا پاریس ۱۲- حماسه کویبر ۱۳- تن آدمی شریف است ... ۱۴- نون جو و دوغ گیر ۱۵- جامع المقدمات ۱۶- فرمانفرمای عالم ۱۷- شمع ۱۸- درخت جواهر

در پایان خوب است اشاره کنیم که استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، در سرودن شعر نیز دستی دارد، اگر چه خود مدعی توانا بودن در این رشته نیست. توجه شما را به یک قطعه و یک غزل از استاد که هر دو از مضمون خوبی برخوردارند جلب می کنیم.

مهر فرزند

اعرابی، خدای به او داد دختری
و او دخت را به سنت خود، ننگ می شمرد
هر سال کز حیات جگر گوشه می گذشت
شمع محبت دل او بیش می فسرد
روزی به خشم رفت و زوسواس
عاروننگ

حکم خرد به دست رسوم و سنن سپرد
بگرفت دست کودک معصوم و بی خبر
تازنده اش به خاک کند، سوی دشت برد...

او گرم گور کنند، و از جامه پدر
طفلیک، به دست کوچک خود، خاک
می سترد!

یاد آن شب

یاد آن شب که صبا بر سر ما گل می ریخت
بر سر ما ز در و بام و هوا گل می ریخت
سربه دامان منت بود و ز شاخ بادام
بر رخ چون گلت، آرام، صبا گل می ریخت
خاطرات هست که آن شب همه شب تا
دم صبح

گل جدا، شاخه جدا، باد جدا گل
می ریخت؟

نسترن خم شده لعل تو نوازش می داد
خضر گویی به لب آب بقا گل می ریخت
تو به مه خیره چو مرغان بهشتی و صبا
چون عروس چمننت بر سر و پا گل
می ریخت

گیتی آن شب اگر از شادی ما شاد نبود
راستی تا سحر از شاخ چرا گل می ریخت؟
شادی عشرت ما، باغ، گل افشان شده بود
که به پای تو و من از همه جا گل می ریخت



نکته‌هایی در باب آموزش تاریخ در مدارس

س. پ. هیل
ترجمه: مهدی جلالی



در ذهن دانش‌آموزان بیفتانند کنار دیگری انجام دهد. اما هیچ تردیدی هم نیست که تمام معلمان تاریخ در اهمیت و فایده‌اش بدرافشایی اتفاق نظر دارند.

● یکی از وظایف اساسی درس تاریخ در مدارس همواره آن بوده است که در اطفال علاقه به مباحث خود را تقویت کند و به آنان بفهماند که میهنشان چگونه از منطقه دیگری آزاد مانده. ظور زندگی مردم آن چگونه پیدا شده و آداب و رسوم و فرهنگ آن در چه وضعی است؛ به همین دلیل آموزش تاریخ در اکثر کشورها جنبه ملی دارد. حتی در کشورهای که نظام متمرکز فرهنگی ندارند.

● علی‌رغم اهمیت آموزش تاریخ در سطح ملی، باید گفت در بسیاری از موارد آموزش تاریخ تغییر فایده داده است. به سبب احساسات میهن پرستانه و احساسات ملی

ترجمه قسمت‌هایی از آن را جهت آشنایی شما دبیران محترم تاریخ با طرز فکر جهانی درباره آموزش تاریخ، از نظرستان می‌گذرانیم.

*

● اصولاً تاریخ علمی است که مطالعه آن در حد افراد بالغ است که توانایی ذهنی و عقلی بیشتری نسبت به دوران کودکی خود کسب کرده‌اند. با این حال در برنامه درسی مدارس لازم است مقدمات آشنایی کودکان با این علم فراهم شود تا آنان بتوانند در نوجوانی و سپس بزرگسالی درک روشن‌تری از تاریخ جهان به دست آورند.

● هیچ معلم تاریخی نمی‌تواند ادعا کند که در دوران مدرسه، از ابتدایی تا دبیرستان، می‌تواند چیزی را که ندرت‌تعلیمات تاریخی را

درست ۵۰ سال پیش، در سال ۱۹۵۱ میلادی، هفتاد نفر از معلمان ۳۲ کشور جهان، در شهر سور واقع در نزدیکی پاریس گرد آمدند و یک انجمن بین‌المللی زیر نظر سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تشکیل دادند تا درباره چگونگی آموزش تاریخ به دانش‌آموزان، از لحاظ پیشرفت تفاهم جهانی، به بحث و گفت‌وگو بپردازند.

نتیجه آن گفت‌وگوها بعداً به قلم س. پ. هیل یکی از همان معلمان، که دبیر تاریخ مدارس بلژیک بود، در کتابی با عنوان «آموزش تاریخ؛ از سوی یونسکو انتشار یافت». این کتاب حاوی نکات ارزشمندی درباره آموزش تاریخ در سنین مختلف و نیز تربیت معلم تاریخ است و با این که مدت نسبتاً زیادی از انتشار آن می‌گذرد، هنوز هم قابل استفاده و آموزنده است. به همین جهت ما

بدین وسیله میهن پرستان افراطی، تاریخ را تابع مقاصد ملی خود قرار داده و متون کتب کلاسیک تاریخی را غالباً در این مسیر هدایت کرده اند.

● کودکان امروزی باید طوری تربیت شوند که بدانند غیر از جامعه خودشان انواع دیگری از جوامع بشری وجود دارد، و نیز باید این مطلب را فراگیرند که وقایع گذشته باعث شده است که وضع هر کشوری، از جمله کشور خودشان، به صورتی که امروز دیده می شود درآید (عبرت تاریخی).

● اگر کودکانی که به تدریج به سن بلوغ می رسند از علل و نتایج اختلافات گذشته بشر آگاه باشند کمابیش از کوشش هایی که در راه همکاری بین المللی به کار می رود آگاه می شوند و در نتیجه از لحاظ تفاهم میان ملت ها سود فراوانی حاصل خواهد شد.

● یکی از وظایف درس تاریخ باید تبحری حقیقت باشد، یعنی تلاش در تفسیر صحیح وقایع تاریخی. این مطلب مهمی است که بدانیم: کیفیت وقایع جهان تغییر نمی پذیرد ولی نوع تفسیری که ما از وقایع می کنیم متفاوت و متغیر است. پس اگر بشوئیم دانش آموزان را طوری، در آموزش تاریخ، تربیت کنیم که بتوانند واقعیت اتفاقات جهان و امکان اختلاف در تعبیرها و تفسیرهای ما از آن ها را درک کنند، درس پرارزشی فرا گرفته اند و وقتی وارد جامعه بشوند کمتر تحت تاثیر تبلیغات قرار خواهند گرفت.

● تاریخ نباید به عنوان یک علم راکد یا ایستا به دانش آموز معرفی شود. برعکس، این رشته از معلومات بشری داستان تغییر مداوم دنیاست و از این حیث جنبه ای پویا (دینامیک) دارد. دانش آموزان باید بشوئند و وحدت جریانات تاریخی را، همچون دریاهایی به هم

پیوسته، درک کنند نه آن که آنها را به صورت داستان های از هم گسیخته ای فرض کرده و بین آنها هیچ ارتباطی را تشخیص ندهند.

● در سرتاسر تاریخ همیشه بین پیشرفت مادی و پیشرفت اخلاقی فاصله ای وجود داشته است و قسمت دوم، یعنی پیشرفت اخلاقی، به کندی جلو رفته است. در تدریس تاریخ باید راهی در پیش گرفت که نوآموزان علت این امر را بفهمند و متوجه باشند که نه تنها میل به کسب قدرت از طرف فرمانروایان و سیاستمداران و گروه های ملی در این مورد دخیل بوده بلکه جهل و عدم گذشت و سوء ظن متقابل و خودخواهی و تعصب جماعات و افراد نیز در آن تاثیر داشته است.

● آموزش تاریخ در نهایت باید به ایجاد نوعی شناخت با معرفت در فرد منجر شود. این نوع آموزش دانش آموزان را برای زندگی کردن در یک جامعه انسانی آماده خواهد کرد و آنها را متعهد و مسئول در مقابل بشریت بار خواهد آورد. آنها خواهند فهمید که نمردن امروزی محصول کوشش های ملل مختلف است و تمام ملت ها به یکدیگر متکی و محتاج اند و این رشد و پیشرفت مادی و اخلاقی در طی قرون و اعصار و به تدریج حاصل شده و به میراث مشترک بشریت تبدیل گردیده است.

● خوب است معلمان تاریخ بدانند که برای تدریس تاریخ روش و برنامه واحد و یکسانی نمی توان به وجود آورد. زیرا کیفیت علم تاریخ و آزادی و عدم تکلفی که لازمه تحصیل و مطالعه این علم است مطلقاً اجازه نمی دهد در همه جا تاریخ را در یک قالب خاصی آموزش داد. علاوه بر این که تفاوت های ملی و محلی نیز مانع از اتخاذ

چنین روشی خواهد بود.

● برای تربیت معلم تاریخ هم نه ممکن است و نه لازم که یک روش واحد و یکدست در نظر گرفته شود. اگر چه شک نیست که همه معلمان تاریخ باید دارای ویژگی های مشترکی باشند تا بتوان در تربیت افراد برای زندگی در جهان امروز، به نوعی هماهنگی دست یافت. یکی از این ویژگی ها داشتن تحصیلات منظم مدرسه ای (آکادمیک) و تخصصی تاریخی است. هر چه معلمان آگاهی های تاریخی بیشتری داشته و بیشتر در این زمینه مطالعه مدون نموده باشند در کار خود موفق تر خواهند بود.

● دانشجویان رشته تاریخ [رشته مطالعات اجتماعی در مراکز تربیت معلم] باید درسی درباره تاریخ فرهنگ و تمدن بشری که در آن مطالبی وجود داشته باشد که هر کسی تصور کند مربوط به کشور خودش است، بخوانند تا کوشش مشترک مردان و زنان مسالک مختلف را در راه ساختن تمدن بشری درک کنند.

● بسیاری از معلمان تاریخ ناچارند علاوه بر تاریخ درس های دیگری چون جغرافیا و علوم اجتماعی و چه بسا زبان و ادبیات هم تدریس کنند و این بسیار خوب است. زیرا اصولاً تدریس حداقل دو درس، به هر دو ماده درسی کمک می کند. این امر موجب می شود که معلم نیز در ارتقای معلومات گوناگون خود بکوشد و در نتیجه کیفیت تدریس او از نظر محتوایی بالا برود. در غیر این صورت قادر نخواهد بود از خود حس ابتکار داشته باشد و در امور قضاوت کند بلکه کلاس او جز بیان یک رشته مکررات و محفوظات چیز دیگری نخواهد داشت و در واقع آموزش در آن صورت نخواهد گرفت.

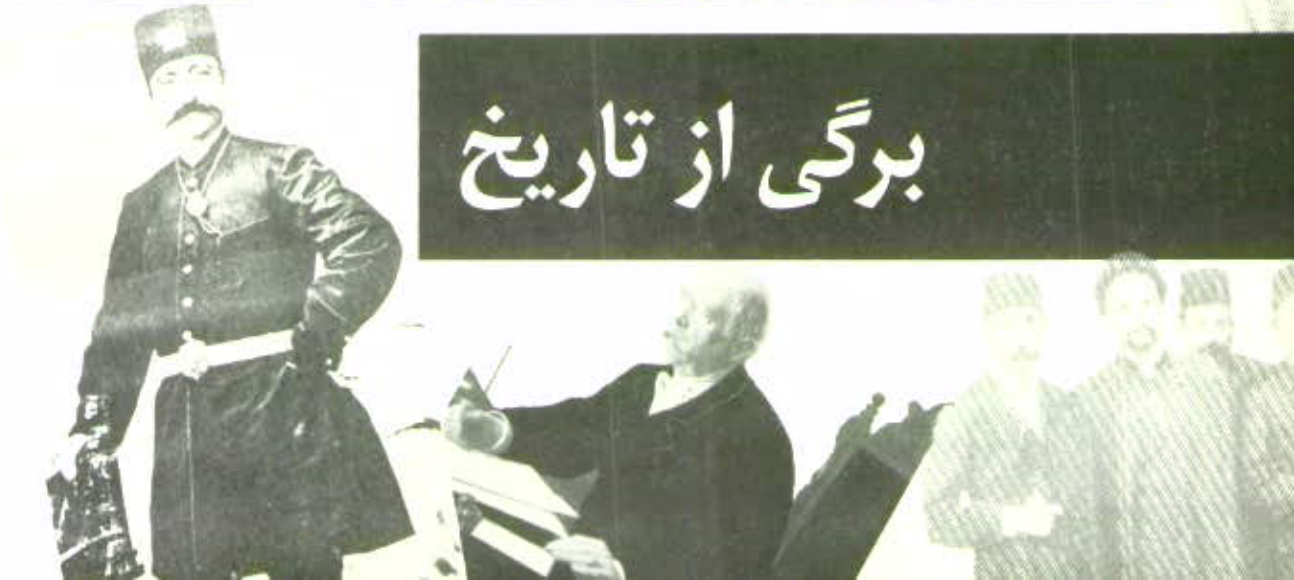
پیش از صد سال است که در کشور ما مباحثی چون علم، پیشرفت، توسعه، دولت، آزادی، تکنولوژی و... مطرح شده است. مباحثی که پایه‌های تشکیر آن از آن نه‌اندیشه ترقی، تعسیر می‌کند. اندیشه ترقی در واقع پس از جنگ‌های ایران و روس که شکست سنگین ایران انجامید، در ایران مطرح شد. همین اندیشه بود که انقلاب مشروطه را پدید آورد و بناهای گسترده‌تر و

تشیب‌های بسیار تا امروز ادامه یافته است. بروری بر آنچه در این پیش از صد سال بر ما گذشته است می‌تواند درس‌های بسیاری را به ما بیاموزد و ما را در اندیشه ترقی برود. اما به جز مرور کردن، گاهی حتی نگاهی به یک‌تیرگی از تاریخ مکتوب این دوران نیز عبرت آموز است و می‌تواند به بسیاری از سؤال‌های ما پاسخ دهد و در ضمن بات مباحث تازه‌ای را به رویمان بگشاید. یکی از این برگ‌ها

که ما آن را برای شما انتخاب کرده‌ایم، نامه‌ای است از بیسمارک به ناصرالدین شاه بیسمارک صدراعظم آلمان بود که به اولت‌های چون «مرد آهنین» و «مرد آهن» و چون «دانه‌اند» و کسی است که رشد و پیشرفت آلمان مانند بون تا سیر و درایت او است. این نامه در سال ۱۲۹۵ قمری (۱۲۷۱ میلادی) نوشته شده است و ما آن را بدون هر گونه شرح و تفسیر برای شما نقل می‌کنیم. **رشد**

«علیحضرت از دوستی آلمان مطمئن باشید که در مقام ضرورت از مداخله و اقدامات دوستانه متصدد نخواهد کرد. ولی در مقام حیرت‌انگیزی به شما می‌گویم که به حمایت و معیون دیگران مانند خاطر جمع آسوده نشست. زیرا پولیتیکا سیاست دول مستقیمه و لا تعیر نیست و به جز بی چیزی تعیر می‌کند باید هر دولتی در فکر استقلال خود باشد و استقلال خود را از دیگران بخواهد. محرک جرج پولیتیک دول، امروز افکار عمومی است. هیچ دولتی برخلاف مصلحت و افکار ملت خود به کاری اقدام نمی‌تواند بکند. پس باید کاری کرد که افکار عامه را بیاورد و مساعد به خود کرد. و آن هم نمی‌شود مگر به اقدامات جمعی و غیرت و همت در اصلاحات داخلی و داخل شدن به طریق تمدنی که امروز آریه مله‌ها به، و استقلال دول و مصلحت است. باید افکار عامه را به خود اندرسد جلب کرد و اعتماد بناد نمود مگر به خود. حمایت و اعانت بر بندگان می‌شود به بر مردگان چیزی که افکار عامه را در اروپا و در این سال منوجه دولت عثمانی کرده است. غیرتی است که عثمانی‌ها با وجود غولان کثرت و مواج متعدد در آریه و تکمیل مایه و جریه خود به کار می‌زنند. به طوری که امروز استعداد جریه ترک‌ها در پولیتیک عمومی و مسئله شرقی رودر روی اروپاییان - عثمانی‌ها که آن مسئله شرقی می‌گویند. آوزن عظیم دارد. این است که همه با ایشان راه مدارا پیش گرفته، و حرکت از دول رفیق در حین ایشان به طرف خود اهتمام و به دیگری سخت می‌کند.

فوه مایه و نوسانات اداره عسکره با ارتش ایران به درجه مطلوبه نیست نواقص زیاد دارد. ولی استعداد هر نوع اصلاح و ادوات آن در ایران موجود است. علیحضرت باید به اصلاح این دو اداره و اصلاح راه‌های مملکت و رفع مواج تجارت بدون قوت فرصت همت فرمائید. حرکت امروز تا برف و بخار است و این حکم پس عیب وضع ما را می‌بینید که به وجود اطمینان از صلح اوجده جریه‌ها مثل آینه جنگ است. بهترین وسیله حفظ مصالحه و دوام صلح، جاکس به جنگ بودن است. مایه بزرگ قوت و مکتب یک دولت در محفوظ بودن اداره مایه آن از حیف و میل و افزاین و بقریه است. به هر وسیله است راه این خطر را باید بست. اگر مردمان کارگاه در عهد اداره عالم میر در ایران فرسوده و کمند است باید از خارج جلب کنند. و اگر از ما هم بخواهند. اگرچه اشخاص گاردانی را که در سیر کاربرد از خود دور نمی‌توانیم کرد. ولی چنان که محض دوستی در حق دولت عثمانی کرده‌ایم در حق دولت ایران هم مصایفه نگردد و مردمان کاردان و کومپتان آورد عمل انتخاب کرده می‌فرستیم. آنها را محض حیرت‌های می‌دوستی می‌گویم. مجدداً سرمشق نمودن دولت بروسانا آنرا پیش از آن به شما توصیه می‌کنم که در بدترین احوال فقر و فاقه بود. به همت غیرت و سیر و قناعت بدین قوت و سعادت رسید.





مورخان از دیدگاه ابوریحان بیرونی

در میان دانشمندان بزرگی که در دامان تمدن اسلامی، در قرون اولیه این تمدن، بالیده و برخاسته‌اند، ابوریحان بیرونی، به لحاظی، ممتازترین است. این امتیاز به خاطر دقت علمی و بینش عمیقی است که وی نسبت به حوادث و وقایع جهان، چه طبیعی و چه انسانی، دارد، و همین ویژگی است که باعث شده ابوریحان را در طرز دانشمندان بزرگ عصر جدید اروپا قرار دهند. ابوریحان انسان را به صورتی بسیار عینی مورد مطالعه قرار می‌داد. او در واقع موادی را فراهم آورد که این خلدون بعدها توانست ملاحظات کلی خود را درباره تاریخ بشری بر آنها بنا کند. تحقیق ماللهند ابوریحان را بی تردید یکی از عالمانه‌ترین و غنی‌ترین تحقیقات انسانی و اجتماعی که در دوران قدیم نوشته شده است، می‌داند؛ یعنی در زمانی که چنین مطالعات در مغرب زمین از حد و قیام نگاری فراتر نمی‌رفته است. ابوریحان مقدمه کتاب ماللهند خویش را با ارزشیابی انواع مختلف مدارکی آغاز کرده است که تحقیقات درباره انسان و اجتماع انسانی می‌بایستی بر آنها بنا شود. ترجمه بخشی از این مقدمه که با گذشت هزار سال از آن، هنوز زنده و حاکی از اوج حیات علمی این دانشمند بزرگ است، چنین است:

صحت و سقم روایات مربوط به یک پیشامد، در صورتی که با قوانین منطقی یا فیزیکی تناقض نداشته باشد، پیوسته به حاصلت روایان آن بستگی دارد که در تحت تأثیر اختلاف منافع و انواع گوناگون دشمنی‌ها و بی‌مهری‌هایی واقع‌اند که در میان اقوام مختلف وجود داشته است.

راوی دیگر، از آن جهت درباره طبقه‌ای از مردم به دروغ روایت می‌کند که با آنان را

به علت دینی که به ایشان دارد دوست می‌دارد، یا به علت اتفاق نامطوبی که میان او و ایشان افتاده دشمن می‌دارد. این چنین راوی بسیار شکیبه راوی اول است، از آن جهت که وی نیز تحت تأثیر انگیزه‌های شخصی محبت یا دشمنی قرار دارد.

راوی دیگر از آن جهت دروغ روایت می‌کند که طبع بست دارد و می‌خواهد از این راه سودی به چنگ آرد، یا چندان بزدل است که از گفتن حقیقت بیم دارد.

دیگری از آن جهت دروغ می‌گوید که طبعش دروغ‌گو است و نمی‌تواند به صورت دیگری عمل کند؛ این دروغ‌گویی از پستی جبلی حاصلت او و از شرارت گوهر وجود او سرچشمه می‌گیرد.

بالاخره ممکن است کسی از روی نادانی و تبعیت کورکورانه از دیگران، که دروغی را به او گفته‌اند، دروغ بگوید. حال اگر، راویان از این قبیل چندان متعدد شوند که از گفته‌های ایشان روایت خاصی فراهم شود یا اگر با گذشت زمان سلسله پیوسته‌ای از جوامع یا اقوام را تشکیل دهند، هم نخستین راوی و هم پیروان او عنوان حلقه‌های اتصالی را پیدا می‌کنند که شونده را با سازنده دروغ به یکدیگر متصل می‌سازند؛ و اگر حلقه‌های اتصال حذف شود، تنها سازنده داستان باقی می‌ماند و ما فقط نااوسر و کار داریم.

آن کس قابل ستایش است که از شنیدن دروغ روی در هم کشد و تنها از حقیقت پیروی کند؛ چنین شخصی، از همه گذشته، در میان دروغ‌گویان نیز حیثیت و اعتبار پیدا می‌کنند.

در قرآن آمده است که: «شهداء الله وآلوه علیٰ أنفسکم». گواه خدایی باشید اگر چه

به زیانتان باشد» [قرآن، نساء، ۱۳۴]. و حضرت مسیح در انجیل در این باره چنین گفته است: «از خشم شاهان در این که حقیقت را در برابر ایشان بگویید، اندیشه مکنید، آنان تنها بر جسم شما تسلط دارند، ولی بر روح شما تسلطی ندارند.» مسیح با این کلمات به ما فرمان می‌دهد که شجاعت اخلاقی را به کار بندیم؛ چه، آنچه را که نوده مردم شجاعت می‌نامند. همچون به جنگ رفتن و خود را در غرقاب مهلکی انداختن. تنها یک نوع از شجاعت است. در صورتی که جنس، که بسیار برتر از این نوع است عبارت است از خوار شمردن مرگ، خواه با قول باشد خواه با عمل.

اکنون گوییم که همان گونه که عدالت به خاطر خود آن و به خاطر زیستی ذاتی آن محبوب و مطلوب است، حقیقت جویی و راست‌گویی نیز چنین است؛ جز برای کسانی که هرگز طعم شیرین آن را نچشیده‌اند یا کسانی که حقیقت را می‌دانند ولی به عمد از آن دوری می‌جویند، و مثل ایشان همچون آن دروغ‌گوست که از او پرسیدند که آیا هیچ وقت شده است که راست بگوید، و او در جواب گفت: «اگر نرسم آن نداشتم که راست گفته باشم، می‌گفتم نه.» دروغ‌گو از سپردن راه عدالت اجتناب می‌ورزد، چنان ترجیح می‌دهد که از ستم و شهادت دروغ و نقض عهد و غضب مایملک دیگران و دزدی و انواع رذایلی که مایه ویرانی جهان و نوع بشر است جانبداری می‌کند.

منع:

علم و تمدن در اسلام، نوشته سید حسین نصر، ترجمه احمد آرام، ص ۲۲۳



مشاهیر تاریخ بشر

ترجمه و تألیف: سیروس غفاریان

پاره‌ای از مورخان و جامعه‌شناسان، شخصیت‌های بزرگ را، به محصول تلاش و همت خود بلکه برآمده از شرایط اجتماعی و تاریخی زمان خود می‌دانند. مثلاً لئو تولستوی، رمان نویس متفکر روس، شخصیت‌ها را برجسته‌هایی برای نامگذاری حوادث تاریخی می‌داند. پاره‌ای از صاحب‌نظران نیز، بر عکس، تاریخ را محصول تلاش و کوشش شخصیت‌هایی می‌دانند که اگر نبودند تاریخ بشر ساخته نمی‌شد. فی‌المثل توماس کارایل، مورخ صاحب‌نام انگلیسی، معتقد است که تاریخ زندگی نامه مردان بزرگ است. فراتر از این دو نظر که همواره موافقان و مخالفان خود را دارد و باید بحث دراز همواره کشوده است، باید پذیرفت که تاریخ هیچ سرزمینی را فارغ از شدت چهره‌ها و شخصیت‌های آن نمی‌توان مطالعه کرد. خواه آنها را برجسته بدانیم و خواه تاریخ‌ساز. در واقع جدا کردن شخصیت تاریخی و شرایط تاریخی از یکدیگر عملاً امکان‌پذیر نیست.

به هر روی آنچه در اینجا مطالعه می‌کنند معرفی بسیار اجمالی پاره‌ای از بزرگان تاریخ است از هر صحنی. از آنجا که منبع اقتباس و ترجمه نویسنده دو کتاب Encyclopedia for young children و **بزرگان فلسفه** اثر هابری توماس ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات کیهان، بوده است ضعیفی است که بیشتر این چهره‌ها متعلق به جهان غرب باشند که در هر صورت متعلق به تاریخ بشریت‌اند.

آبراهام لینکلن (Abraham Lincoln)، ۱۸۶۵-۱۸۰۹ میلادی، سیاستمدار آمریکایی و شانزدهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا. برنده داری را لغو نمود که بر اثر آن آمریکا دچار جنگ داخلی بین شمال (فدایان داری) و جنوب (طرفداران برده داری) شد. وی بعد از پیروزی شمالی‌ها به دست یکی از طرفداران برده داری ترور شد.

آلبرت اینشتین (Albert Einstein)، ۱۹۵۵-۱۸۷۹، ریاضی‌دان و فیزیک‌دان آلمانی و یکی از توابع بزرگ تاریخ علم در جهان که به سبب نظریه نسبیت معروف شد. در مورد انرژی بقریه ای داد که انقلاب بزرگی در فیزیک ایجاد کرد و باعث ایجاد بمب اتمی گردید. E=mc²

آلفرد کبیر (Alfred the Great)، ۹۰۱-۸۴۹، پادشاه مکتومی پاد (انگلتان) که ابتدا در Wessex) در جنوب فرانسه سلطنت

می‌کرد. او بعد از بیرون راندن دانمیرکی‌ها وارد انگلستان شد. آلفرد پایه‌گذار دانشگاه اکسفورد و بیرونی دریمی مقنن انگلستان محسوب می‌شود.

آنتون چخوف (Anton Chekhov)، ۱۹۰۴-۱۸۶۰، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس معروف روس. نمایشنامه‌های او اکثریت کمندی است و در عین حال چون آفتاب‌های زندگی مردم را نشان می‌دهد خستاک است.

چخوف نزد مردم مغرب زمین بسیار محبوب و مردمی است.

ابن خلدون (Ibn Khaldun)، ۸۰۸-۷۳۲ هجری قمری) فیلسوف و مورخ بزرگ مسلمان. متولد تونس. پیشگام علم جامعه‌شناسی و نویسنده کتاب العبر... که مقدمه آن، معروف به مقدمه ابن خلدون، یکی از شاهکارهای فلسفی و تاریخی عالم اسلام است و همین مقدمه او را در ردیف

یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان سرسبز قرار می‌دهد. ابن خلدون کسی است که چهار قرن پیش از او یکوی دانشمند ایتالیایی تاریخ را علم نامید و آن را از علوم اجتماعی محسوب کرد.

ابن سینا (Avicenna)، ۴۲۸-۳۷۰ هجری قمری) پزشک، ریاضیدان، فیلسوف و محقق ایرانی، متولد بخارا. در فلسفه بزرگترین مفسر فلسفه به‌آن در مشرق زمین و در طب یکی از حسیان بزرگ تاریخ به‌شمار می‌رود. دو کتاب مشهور او یکی اشعار در فلسفه و دیگری افقون در طب است.

ابوریحان بیرونی (Albiruni)، ۴۴۰-۳۶۲ هجری قمری) دانشمند، فیلسوف، مورخ، محقق و طبعی‌شناس ایرانی متولد خوارزم. کتاب تحقیق‌المشاهیر او شناسی است می‌هستد و شدت حدت‌هاست قدیمه و آثارش به‌شماره ۱۰۰۰ که در کتب علمی بی‌خط

است. تیسر کتاب «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» وی در مبنای ریاضیات و نجوم تا زمان ما از کتب معتبر کلاسیک این فنون به شمار می‌رفت.

ارسطو (Aristotle، ۳۲۲ - ۳۸۴ ق م) فیلسوف و دانشمند یونانی که شاگرد افلاطون در «آکادمی» بود. مدرسه‌ای نیز ایجاد کرد که لیسه یا لیسیوم (Lyceum) نام داشت. اگر عقاید عرفانی و فلسفه ایدئالیسم (آرمان گرایی) را به افلاطون نسبت دهیم، ارسطو پایه‌گذار مسائل علمی و فلسفه رئالیسم (واقع‌گرا) است. او معلم اسکندر مقدونی بود.

اسحق نیوتون (Issac Newton، ۱۷۲۷ - ۱۶۴۲) ریاضی‌دان و دانشمند انگلیسی. شهرت او به واسطه کشف قوانین جاذبه عمومی است. او در زمینه نجوم بسیار کوشش نمود. ضمناً در مورد ماهیت نور نیز مطالعاتی کرد. نیوتون پایان عمر خود را با سر بلندی سپری کرد زیرا علاوه بر استادی در کمبریج به عضویت فرهنگستان فرانسه نیز پذیرفته شد.

اسکندر کبیر (Aledxander the Great، ۳۲۳

- ۳۵۶ ق م) پادشاه مقدونیه و از بزرگ‌ترین سرداران تاریخ که توانست به یونان وحدت بخشد و سپس ایران، حوزه مدیترانه و هند را تسخیر کند. او یک فاتح مشهور اما یک جوان از خود راضی بود.

افلاطون (plato، ۳۴۷ - ۴۲۷ ق م) فیلسوف یونانی و شاگرد سقراط. بزرگ‌ترین کتاب او «جمهوریت» است که دربردارنده ایجاد یک حکومت آرمانی است که اگر اجرا شود مدینه فاضله تحقق خواهد یافت. در جمهوری افلاطون مشاغل و مراتب وابسته به اصل و نسب یا موروثی نیست، بلکه بر پایه استعداد و ارزش‌های شخصی افراد است. به عقیده او اگر حکیمان حاکم شوند یا حاکمان روح و نیروی حکیمان را داشته باشند، تنها در آن هنگام، نسل بشر از مضائق و بدبختی‌ها نجات می‌یابد.

امرسون می‌گوید: «کتابخانه‌ها را بسوزانید و تنها کتاب، جمهور را باقی بگذارید، زیرا چکیده همه آنها در این کتاب جمع است.»
امانوئل کانت (Immanuel Kant، ۱۸۰۴ - ۱۷۲۴) فیلسوف آلمانی که سراسر زندگی خود را در زادگاهش «کونیگ نیگسبرگ»

گذرانید. نوشته‌های فلسفی او عصر جدیدی را در تاریخ فلسفه گشود. کتاب‌های زیادی نوشته است. بزرگ‌ترین حرف او این است که «اصول اخلاقی هم چون اصول ریاضی ذاتی است. اصول اخلاقی مبنای دین، مورد نیاز وجدان و مرکز ثقل وجود ماست. آسمان پرستاره در بالای سر ما و قانون اخلاقی نهفته در وجود آدمی، هر دو مبین یک قانون آسمانی و ربانی است.» عادات کانت چنان منظم بود که مردم کونیگسبرگ او را بهترین وسیله برای میزان کردن ساعت‌های خود می‌شناختند.

الیزابت اول (Elizabeth I، ۱۶۰۳ - ۱۵۳۳) ملکه انگلیسی و دختر هنری هشتم و ملکه آن بولین. او یکی از نیرومندترین شاهان در تاریخ انگلیس بود و اسپانیا را شکست داد. عصر الیزابت دوره افتخارآمیز تاریخ انگلستان است.

اولیور کرامول (oliver Cromwell، ۱۶۵۸ - ۱۵۹۹) عضو پارلمان انگلستان که علیه حکومت استبدادی چارلز اول قیام کرد و بر او غلبه نمود و شاه را گردن زد. او لقب لرد حامی جمهوری و انگلستان گرفت ولی



فرانکلین

کانت

گاندی

کوتنه



مسیح



ژاندارک



مارکس



بودا

گرفتند. مانند از منظر عقیده داشت که در درون هر کس نیرویی وجود دارد که قادر است او را به فرشته‌ای تبدیل کند.

توماس آلو ادیسون (Thomas Alva Edison, ۱۸۴۷-۱۹۳۱) مخترع سابعه آمریکایی او بیش از یک هزار اختراع را به ثبت رسانید. فتوگراف (گرافون) و لامپ الکتریکی از اختراعات اوست. ادیسون نوآوری خود را با روزنامه‌فروشی آغاز کرد.

جولیوس گایوس سزار (Julius Gaius Caesar, ۱۰۰ ق.م - ۴۴ ق.م) سیاستمدار رومی. وقتی که خیلی جوان بود می‌گریست که اسکندر در سن او بخش عظیمی از جهان را فتح کرده و می‌خواهد از اسکندر عقب‌تر است. سرعنت عمل او در جنگ‌ها به‌قدری بود که وقتی شهر آسیای صغیر را تصرف کرد به میای روم نوشت: «ویسی، ویسی».

پتر ایلیچ چایکوفسکی (۱۸۳۶-۱۸۹۳) آهنگساز بزرگ روسی. مصنف اپراها و سمفونی‌ها بود و از او به عنوان یک آهنگ‌ساز محبوب مردم برای همه زمان‌ها نام می‌برند.

توماس آکویناس قدیس (Thomas Aquinas, ۱۲۲۴-۱۲۷۴) نجیب‌زاده‌ی تباری که راهب کلیسا شد. افکار و فلسفه او پایه و اساس فلسفه قرون وسطی و مذهب کاتولیک رومی بود. او در اثر ریاضت و مبارزه با نفس صمیرش روشن شد. او داده معنی روشن شده است. او داده مردم معجزه می‌کرد و توصیه می‌نمود که باید جشن بگیرند، حرض و بداندیشی خودمان را بکشیم و به دیگران محبت کنیم. مردم آسیای شرقی (چین، تبت، ویتنام، ژاپن) اکثر اطرفدار مکتب او هستند.

عاقبت خود به یک دیکتاتور تبدیل شد و پارلمان را تعطیل کرد و اظهار داشت که «دهان پر گوین را بستم» و بر سر در آن این جمله را نوشت: «این خانه بدون آتشیه و آنگاز می‌شود» او در واقع شاهی بود که تاج بر سر نگذاشت.

پتر کبیر (Peter The Great, ۱۷۲۵-۱۷۲۵) امپراتور روسیه. او قهرمانان قوی و نیرومندی بود که تخصصاً روش‌های مختلف زندگی و هم‌چنین صنعت اروپایی را در کشورش رواج داد. شهر سن‌پترزبورگ را در کنار رود‌ها بنا کرد. او در سن ۲۸ سالگی خود را به خدمت محافلش با او، پنج روز شکنجه کرد تا مرد.

بیلز پاسکال (Blaise Pascal, ۱۶۴۲-۱۶۴۲) ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و عالم الهیات. اهل فرانسه بود و از انواع به‌شمار می‌رود. با عمر کوتاهش دارای تألیفات و اختراعات زیادی است. مردی دیندار بود و کتابی شامل مجموعه عقاید و گفتارهای مسیحی نوشت.

بودا (Buddha, قرن ۶ ق.م) مسرد روشن ضمیر، شاهزاده‌ای که از قصر مجلل شاهی روی برناقت نامعلم عشق و محبت باشد. نام اصلی او «سیدارتا گوتاما» از خاندان مناطقی ساکیامونی در شمال هند

بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin, ۱۷۹۰-۱۷۹۶) سیاستمدار و نقاش و روزنامه‌نگار آمریکایی. او هم‌چنین به مسائل علمی علاقه‌مند بود و ماهیت نیروی الکتریسیته ساکن را کشف نمود. فرانکلین در طرح بیانیه استقلال آمریکا نیز شرکت داشت.

بودا (Buddha, قرن ۶ ق.م) مسرد روشن ضمیر، شاهزاده‌ای که از قصر مجلل شاهی روی برناقت نامعلم عشق و محبت باشد. نام اصلی او «سیدارتا گوتاما» از خاندان مناطقی ساکیامونی در شمال هند

کامپیوس و برتوس با خنجر کشته شد -
جورج واشنگتن (George Washington)،
 ۱۷۹۹ - ۱۷۳۲) سیاستمدار آمریکایی و
 اولین رئیس جمهور ایالات متحده. او ابتدا
 با عنوان ژنرالی در جنگ های استقلال و
 رهایی از سلطه انگلستان انجام وظیفه
 می کرد.
چارلز داروین (Charles Darwin)، ۱۸۸۲ -
 ۱۸۰۹) طبیعی دان و دانشمند انگلیسی،
 کتاب «اصل انواع» (Origin of species)
 مشهورترین اثر اوست، نظریه تکامل را او
 عرضه کرد و آنچه مورد انتقاد و عدم قبول
 وی بود، اعتقاد جزمی مذاهب به داستان
 غیر علمی آفرینش بود. در عین حال به عقیده
 بنفای روح، که اعتقاد همگانی است، احترام
 می گذاشت و مخالف تعالیم اخلاقی دین
 نبود.

چنگیزخان (Genghis Khan)، ۱۲۲۷ -
 ۱۱۶۲) فاتح مغولی. او از سیزده سالگی
 قبایل مغول را برای جنگ رهبری کرد. او یک
 جنگاور و فرمانده بزرگ بود که امپراتوری
 از ولگاتا مغولستان وسعت داشت.
حضرت محمد (ص) (Mohammad)، ۶۳۴ -
 ۵۷۱) پیامبر بزرگوار اسلام. آن حضرت
 پنج سال بعد از مرگ ژوستینیان امپراتور
 بیزانس و هم زمان با سلطنت اتوشیروان در
 شهر مکه به دنیا آمد. آئین او اسلام بود.
 مقررات اسلام در قرآن است. آیات آن به

وسيله جبرئیل به آن حضرت نازل شد. او
 رسالتی را از جانب خداوند بر عهده گرفت
 که در سایه آن بربریت به مدنیت تبدیل شد.
 به زودی امپراتوری ایران توسط لشکریان
 اسلام که قصدشان فقط جهاد در راه خدا بود
 فتح شد و اسلام از شرق تا آسیای مرکزی و
 از غرب تا آندلس در اسپانیا گسترش یافت.
خواجه نصیرالدین طوسی (Tousi)، ۶۷۲ -
 ۵۹۷) دانشمند بزرگ ایران و اسلام،
 معروف به استادالبر. حکیم، متکلم،
 ریاضیدان، فقیه و پزشک ایرانی و یکی از
 نامبردارترین دانشمندان اسلام و جهان.
 متولد طوس. هم در دستگاه اسماعیلیان و
 هم در دستگاه مغولان مقام یافت و رصدخانه
 مراغه را احداث کرد.

دانته آلیگیری (Dante Alighieri)، ۱۳۲۱ -
 ۱۲۴۵) شاعر ایتالیایی. اولین نویسنده ای که
 زبان ایتالیایی را در نوشته هایش به کار برد
 (قبلاً همه به لاتین که زبان ایتالیایی قدیم بود
 می نوشتند). بزرگ ترین اثر او کمدی الهی
 بود. می توان معترف بود که او اولین شاعر
 کلاسیک برای جهان عصر جدید بود. دانته
 می گویند: «فضیلت پاداش و
 ردیلت پادافراه دارد اما نه در این جهان بلکه
 در جهان دیگر». وی در کمدی الهی با تخیل
 شاعرانه و مغز فلسفی اش جزای دقیق و
 اقامتگاه هر گناه و جنایتی را تعیین کرده
 است. او در میان سه گناه شهوت، خیانت

و سبیت، سومی را بدترین گناهان می داند.
دیزدر اراسموس (Desiderius Erasmus)،
 ۱۵۳۶ - ۱۴۶۶) دانشمند هلندی که عمر
 خود را در انگلستان صرف تعلیم علم کرد و
 بر مردم انگلستان تأثیر بسیار گذاشت. او
 بزرگ ترین اومانیت (انسان گرا) بود و
 کلیسا را به دامان اصلاحات انداخت.

رامبراند (Rembrandt)، ۱۶۶۹ - ۱۶۰۶)
 نقاش هلندی و یکی از بزرگ ترین نقاشان
 اروپا. نابغه ای بود که نقاشی را تدریجاً کس
 نیاموخت و خود استاد شد. وی در زمان
 خودش شهرتی نیافت. زیرا مردمان
 نقاشی های او را که از صداقت خاصی
 برخوردار بود درک نمی کردند.

زردشت (Zora) تاریخ و محل تولد وی
 معلوم نیست ولی بین قرن ششم تا دهم قبل
 از میلاد می زیسته است. کتاب مقدس
 زردشت، که انجیل دانش و حکمت ایرانیان
 قدیم و زردشتیان امروز محسوب می شود،
 اوستا نام دارد. پیام او آوردن روشنایی به
 دنیای فرزندان ظلمت بود و سه شعار مشهور
 او پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است.
ژاندارک (Joan of Arc)، ۱۴۳۱ - ۱۴۱۲)
 دختر وطن پرست فرانسه. به او الهام شده بود
 که باید فرانسه را در مقابل هجوم انگلستان
 نجات دهد. او به شارل هفتم کمک کرد و
 قوای انگلیسی را شکست داد. عاقبت در
 ۱۴۳۱ به وسیله خائنین فرانسوی به





شارلمان

صلح‌الدین

کارناز در افریقای روم. کتاب اعترافات او از جگر سوزترین کتاب‌های جهان است. شهر خدا، شهر آرمانی و مدینه فاضله اوست که جلال و شکوه آن در برابر پوچی و بی‌ارزشی شهرهای آدمیان به خوبی خود را نشان می‌دهد.

شارلمان (Charlemagne, ۷۶۸-۸۱۴) امپراتور فرانک و زمرین که به شارل کبیر معروف است. پادشاه سوم در ۸۰۰ میلادی تاج امپراتوری را بر لارک او نهاد و لقب امپراتوری مقدس روم را به او داد. شارلمان قهرمان اعتقاد به آئین مسیح بود. هارون الرشید، کلید دربار نگاه تولد عیسی (ع) را به عنوان هدیه برای او فرستاد. بعد از مرگش با تقسیم امپراتوری او توسط فرزندانش سه کشور آلمان، ایتالیا و فرانسه به وجود آمد.

صلاح‌الدین ایوبی (Saladin, ۱۱۹۳-۱۱۳۷) از کردان ایوبی بود که به سلطنت مصر و شام رسید. در جنگ چهارم صلیبی فردریک بارباروس (فردریک ریش قرمز) پادشاه آلمان، فیلیپ اگوست پادشاه فرانسه و ریچارد شیردل پادشاه انگلیس که برای تسخیر بیت المقدس آمده بودند، از او شکست خوردند و قدمش به دست او آزاد شدند. شاهان اروپا از بیت المقدس فرار کردند و فردریک بارباروس در بازگشت در رودخانه فرات ایرواق عرفی شد. صلاح‌الدین با استرایی مسیحی با جوانمردی رفتار می‌کرد. از صلاح‌الدین مساجد و جاده‌ها و عمارات زیادی به یادگار مانده است.

عیسی مسیح (Jesus Christ) پیامبر خدا و آورنده دین مسیح. حدود ۴ سال قبل از آغاز تاریخ میلادی، در شهر ناصره از شهرهای فلسطین متولد شد. پاره‌ای از مردم یهود او را همان منجی موعود خود دانستند و سه او ایمان آوردند. اما سرانجام به موطنه و نجریک

انگلیسی‌ها فروخته شد و آن‌ها او را به اتهام جادوگری سوزاندند. بعدها پاپ به او لقب قدیس داد.

ژوزف استالین (Joseph Stalin, ۱۹۵۳-۱۸۷۹) سیاستمدار و حاکم مستد شوروی بعد از لنین. در جوانی به سبیری تبعید شد. پس از مرگ لنین به رهبری شوروی رسید. او هزاران انسان را به دیار غلام فرستاد. بعد از ترار ایوان مخوف، سیستم حکومتی خوفناکی را با کمک سازمان امنیت خود (K-G-B) ایجاد کرد، همه هنکاران لنین را کشت و موقعی که در سال ۱۹۵۳ مرد گویی که مردم روسیه از کابوس وحشتناکی بیدار شدند. با این حال وی در او قدرت شدن اتحاد جماهیر شوروی نقش اساسی داشت.

سقراط (Socrates, ۳۹۹-۴۶۹ ق.م) فیلسوف یونانی که در تمام عمرش در جست‌وجوی حقیقت بود و از این جهت عده‌ای دشمن او شدند، از جمله حکام آن. روش او با پرسش و پاسخ آغاز می‌شد. او همواره می‌گفت: مادم قابله بود و مردم را در زاده شدن کمک می‌کرد و من هم قابله یا مامای فکرم و به دیگران کمک می‌کنم تا نفوسشان متولد شود یا اندیشه‌هایشان به دنیا آید. روش سقراط را دیالکتیک نام نهادند. افلاطون و بسیاری از فلاسفه یونان شاگرد او بودند. عقابت وی را به جرم فاسد کردن فکر جوانان محکوم به نوشیدن جام شوکران نمودند و او نیز با کمال جرأت جام رهبر را نوشید.

سن پل (St-Paul, قرن اول میلادی) از خواریون مسیح بود که به دست نرون کشته شد. سن پل قبلاً شاتول نام داشت و از مخالفان شدید مسیح بود اما در اثر تحول روحی به یکی از یاران مسیح تبدیل گردید. **سنت آگوستین (St. Augustine, ۴۳۰-۳۵۴)** فیلسوف الهی از اهالی هیپو سزیدیک

صدوقیان که جمعی از دشمن یهودی بودند به دست سربازان رومی قتل داده گشته مسیحیان به صلیب کشیده شد. ما پس از چند روز زنده شد و به آسمان عروج کرد.

غزالی، ابو حامد محمد (Ghazali, ۵۰۵-۴۵۰ هجری) متفکر بزرگ ایران و اسلام اولین کسی که در تاریخ اسلام به او احیای اسلام گفته‌اند. در اطمینان متولد شد و بر علیه افکار فلسفی معتقدان برکناری چون قرانی و ابن سینا شورید و کشتن احیاءالعلوم و اکیسیتی سعادت را نوشت. نفوذ وی در جهان اسلامی هنوز پایدار است.

فرانکلین روزولت (Franklin Roosevelt, ۱۹۴۵-۱۸۸۲) سیاستمدار و رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا که چهار دوره متوالی به این مقام برکنی شده است. او در جنگ جهانی دوم به کمک متفقین شتافت.

کارل مارکس (Karl Marx، ۱۸۶۳ - ۱۸۱۸) فیلسوف آلمانی یهودی که دین را ایون جامعه می دانست و با نوشتن کتاب «سرمایه» ایدئولوژی کمونیسم را پایه ریزی کرد. پیش بینی های او درباره آینده جامعه اروپا و جهان همه بر اساس اعتقاد به مادیگری (ماتریالیست) بود. بعد از ۱۲۸ سال با فروپاشی شوروی مرام کمونیسم در فاره اروپا از میان رفت.

کنستانتین (Constantine، ۳۲۷ - ۲۷۴) اولین امپراتور مسیحی روم. در ۳۱۳ م با فرمان میلان (Edict of Milan) دین مسیح را در سراسر امپراتوری آزاد و رسمی کرد. در ۳۳۰ م نیز شهر «کنستانتینوپولیس» (Constantinopolis) را در محل «ایرانیوم» «Byzantium» بنا کرد و پایتخت امپراتوری

را از روم به این شهر منتقل نمود زیرا این شهر از دسترس اقوام وحشی (بربر) دور بود. استانبول امروز در ترکیه همان قسطنطنیه سابق است.

کنفیوس (Confucius، ۵۷۹ - ۵۵۱ ق م) فیلسوف چینی که نام واقعی اش «کونگ-فو» - تزه «Kung-Fu-Tsze» است. او سال ها معلم علم سیاست بود. کتاب های زیادی درباره تاریخ و مذهب نوشته است. او در هر صفحه تاریخ انسان به «انسان‌ها» برخورد. زمانی که حاکم ایالت لو "Lu" بود به شاگردانش با این هدف درس می داد که در آینده فرمانروایان عادل باشنند. او شاگرد «لائوتسه» (Lao-Tze) بود که به او گفته بود: «از جنگیدن پرهیز کن، آن گاه در روی زمین هیچ کس با تو نخواهد جنگید. آزار دیگران را با مهربانی تلافی کن» اما چون از این طریق در دوره حکم رانی خود در ایالت لو به نتیجه مطلوب نرسید، این نظریه را ابراز کرد که: «با هر کس باید آن گونه رفتار کرد که استحقاق دارد» چینی ها پیرو فلسفه اخلاقی او هستند.

کورس کبیر (Cyrus the Great، قرن ۶ ق) پایه گذار امپراتوری ایران، امپراتوری ایران که او ایجاد کرد از ساحل مدیترانه تا هند امتداد داشت. کورس رهبری دانا و فرماندهی بزرگ بود.

گالیله گالیله (Galilei Galileo، ۱۶۴۲ - ۱۵۶۴) ستاره شناس ایتالیایی، کتابی در رد عقاید بطلمیوس نوشت. با دیدن نوسان چلچراغ کلیسا، قوانین مربوط به سقوط اجسام و پاندول را کشف نمود. تئوری های علمی گالیله با عقاید کلیسا برخورد نمود به ویژه در رد عقاید بطلمیوس، پاپ او را تکفیر و مجبور به توبه نمود. اولین تلسکوپ آسمانی که به وسیله شکست نور در منشور ایجاد شده بود به وسیله او ساخته شد.

لئو تولستوی (Leo Tolstoy، ۱۹۱۰ -

۱۸۲۸) داستان نویس بزرگ روسیه. در خانواده ای اشرافی به دنیا آمد. با این که فلسفه کار او نبود ولی اندیشه هایش بر افکار فلسفی قرن نوزدهم تأثیر فراوان داشت. او با رویارویی مذاهب مخالف بود. بلکه خواهان خدمت متقابل، مساوات اجتماعی و کوشش مشترک برای از بین بردن ولخرجی ها و زیاده روی های توانگران و مسکنت و رنج بی نوایان بود. نولستوی اعتقاد داشت که مذهب واقعی همین است. اثر بزرگ او جنگ و صلح است که درباره حمله ناپلئون به روسیه و تأثیر آن بر زندگی مردم روس نوشته شده است.

لودویگ وان بتهوون (Ludwig van Beethoven، ۱۸۲۷ - ۱۷۷۰) آهنگساز آلمانی. از چهار سالگی تحت آموزش موسیقی قرار گرفت. هنوز جوان بود که گوش هایش کمرشد. او بسیاری از بزرگ ترین آهنگ های خود را در زمانی ساخت که شنوایی خود را کاملاً از دست داده بود.

لویی چهاردهم (Louis XIV، ۱۷۱۵ - ۱۶۳۹) پادشاه فرانسه که به مدت ۷۲ سال سلطنت کرد و پادشاهی مطلقه را در فرانسه برقرار نمود. می گفت «مملکت یعنی من». او را به سبب شکوه دربارش پادشاه آفتاب لقب دادند. اراده او حکم قانون داشت و ادعا می کرد که سلطنت موهبت الهی است؛ بنابراین خود را در مقابل مردم مسئول نمی دانست. قصر ورسای از آثار دوره اوست. با وجود حکومت مطلقه دوره او از نظر ترقی علم و فلسفه به جایی رسید که زمان او را عصر لویی چهاردهم و یا دوره استبداد منور (استبداد اشرافی) گویند.

لئوناردو داوینچی (Leonardo da Vinci، ۱۵۱۹ - ۱۴۵۲) نقاش، مجسمه ساز، موسیقی دان، معمار و مهندس ایتالیایی. او



روزولت



صلاح الدین ایوبی

به عنوان مرد جهانبخش عصر رنسانس خوانده شده است زیرا اسبوح و فیه او مورد آید یک انسان خدای همه عصر خودش بود. نامشوی موبتلیر معروف به لحن زو کوبه بزرگترین اثر نقاشی جهانی است.

لنین (Lenin, ۱۹۲۹-۱۸۸۷) انقلابی روسی از خدای اولیاف، عضو حزب کمونیست او که گران روسیه را به سوی انقلاب رهبری کرده خود لنین رهبر کمونیست روسیه و کشور کمونیستی جهان شد.

مارتین لوتر (Martin Luther, ۱۵۳۶-۱۵۸۳) کشیش آلمانی در جوانی در صومعه‌ای بود که اعلامیه باب را نوشت که در آن گفته بود در عوالم کمک مرده برای معیبه کلیسا، گناهان آن‌ها را بخشوده و بر نفس هفت پایه آن‌ها خواهد داد. او به عنوان اعتراض به این عمل باب اعلامیه را پاره کرد و از آن پس خود را ایجاد اصلاحاتی در کلیسا شد و مذهب جدیدی آورد که به پروتستان (اعتزاضیون) که عذری از بدعت‌های باب‌ها بود.

مارکو پولو (Marco polo, ۱۳۲۴-۱۲۵۴) سیاح ویزی، او به پدرش و همپوش به دربار قویلای قان رفت و عجایب کشور چین را دید. ۲۰ سال سفر نامر آسار به سیاحت گذراند و انتشار سفرنامه او در اروپا باعث رونق داد اروپا به آسیا شد.

ماکسیمیلیان روبسپیر (Maximilien Robespierre, ۱۷۵۸-۹۴) مرد انقلابی فرانسه که بسیاری از انقلابیون دیگر را تسلیم گوتنسن نامزد دوره او را دوره تروریست و جنت نامیده‌اند. عاقبت خود را حکم محاکماتش تسلیم گویند.

محمدزکریای رازی (Razi, ۳۱۳-۲۵۱) فیلسوف، عالم طبیعی، شیمی‌دان، طبیب و فیلسوف بزرگ ایرانی. یکی از مشاهیر

دانشمندان و معرور کورنده متولدتری در همه دانش‌های زمان خود سرمایه بود. کتاب *الحدوی فی الطب* او بدون تردیدی از بزرگ‌ترین اثر پزشکی دنیای قدیم است. **ملاصدرا** (Sadra, ۱۰۲۵-۹۸۰ هجری) فیلسوف ایرانی و بن‌گسترین حکم عصر

صحنی در حکمت اسلامی به ابداع دست رد و احکمت معالیه را عرضه کرد. دانشمندان عربی او را *القدس تومس* نویس ایران شمرده‌اند. کتاب مشهور او *الفرا* است.

ماهاتما گاندی (Mahatma Gandhi, ۱۹۲۸-۱۸۶۹) استعمار و وطن پرست هندی که با مقاومت منفی به جنگ استعمار انگلیس رفت و عاقبت به پیروزی رسید. در ۱۹۴۸ به دست یک هندوی متعصب کشته شد. دانشمندگی او حومه ریاست بشر از شهر جدانت او نخستین مبارز تاریخ است که به مهاجمان وطن خویش به صلاح روح به جنگ پرداخت و موفق شد. علقه دوی به بیرونی بیرونی بخش اخلاقی بومیل با روبرو فیلسوف داد عیبی (ع) سر چشمه می‌گرفت. توفیق گاندی در این بود که توانست این تقربه فلسفی را به صورت عملی در آورد.

میکل آنژ (Michelangelo, ۱۵۶۴-۱۴۷۵) هنرمند ایتالیایی، در رگتین پیکر انوش دوره رنسانس ایتالیاست. عده‌ای اعتقاد دارند که او بزرگ‌ترین هنرمند همه دوران‌هاست. بهترین اثر او برین معقه فلکسای مسیون در رم است. مجسمه موسی و مجسمه داوود اثر دیگر او است. میکل آنژ هم چنان شاعر و مهندس نظمی بود.

ناپلئون بناپارت (Napoleon Bonaparte, ۱۸۲۷-۱۷۶۹) از اول انقلابی که جمهوری بعد از انقلاب شیر را به شکست داد و خود امپراتور شد. می‌خواست آفریقا را بدست آورد و روسیه را غارت کند. توتورف شکست خورد. می‌خواست انگلستان را بگیرد ولی فراتر افکار بیرونی در پی او بود. کمون فرانسه را از انگلیسی در هم شکسته شد. دست اکثر فریب‌داری توسط وینکن و بناچار در وانام شکست



استالین

وین

تولسنوی

خورد و در جزیره سنت هلن به حالت تبعید جان به جان آفرین تسلیم کرد.

نیکلا کوپرنیک (Nicolas Copernicus، ۱۴۷۳ - ۱۵۴۳) ستاره‌شناس لهستانی که نجوم جدید را پایه‌ریزی کرد. در نجوم نظریه جدیدی داد که بر اساس آن، زمین دور خورشید می‌چرخد و بدین ترتیب تنوری بظلمبوس را که می‌گفت خورشید به دور زمین می‌گردد مرود اعلام کرد و خورشید را در مرکز منظومه شمسی دانست. این نظریه را انقلاب کوپرنیکی در نجوم می‌گویند. او در ۷۰ سالگی کتابی دربارهٔ «دوران گردش اجرام آسمانی» نوشت.

ولتر (Voltaire، ۱۷۷۸ - ۱۶۹۴) بزرگ‌ترین نویسنده و مورخ و فیلسوف فرانسه، معاصر لویی چهاردهم. او با کلیسای زمان خود در افتاد. عقایدش در رخ نمودن انقلاب کبیر فرانسه مؤثر بود. ولتر دربارهٔ تمدن چین می‌گوید: اهرام مصر پیش دیوار عظیم چین تل خاکی بی‌بیشتر نیست.

ولفگانگ موزارت (Wolfgang Mozart، ۱۷۹۱ - ۱۷۵۶) موسیقی‌دان اتریشی که از ۶ سالگی نوازنده قابل بود. او یکی از بزرگ‌ترین پیانیست‌های عصر خود بود. با تمام محبوبیت و شهرتی که در اروپا پیدا کرد، سختی‌های زیادی را تحمل کرد و در فقر و تنگدستی در ۳۵ سالگی دار فانی را وداع گفت.

ویرژیل (Virgil، ۱۹ - ۷۰ ق م) شاعر حماسه‌سرای معاصر اکتا و گوست بود. منظومه حماسی‌اش تید Eneide از معروف‌ترین آثار اوست که دربارهٔ زندگی مردم روم است.

ویلیام شکسپیر (William Shakespear، ۱۶۱۶ - ۱۵۶۴) از نماینده‌نویسان و درام‌نویسان و شاعران بزرگ عصر ملکه

الیزابت اول بود. در تاریخ ادبیات جهان از نام‌های شاخص است. در ضمن هنرپیشه و کارگردان هم بود. ۳۸ نمایشنامه به او نسبت می‌دهند که چندتا از مشهورترین آنها عبارت است از اتلو، هاملت، تاجر ونیزی. **ویلیام اول [فاتح]** (William I، ۱۰۸۷ -

۱۰۲۷) پادشاه انگلستان. ابتدا دوک نورماندی بود و سپس پادشاه انگلستان شد. او در جنگ هاستینگ Hastings در ۱۰۶۶ هارولد رهبر ساکسون‌ها را کشت و به فاتح معروف شد. لقب اول او ویلیام حرامزاده بود.

وینستون چرچیل (Winston Churchill، ۱۸۷۴ - ۱۹۶۵) سیاستمدار و متخصص امور مختلف نظامی. در ۱۹۰۰ عضو پارلمان و در ۱۹۴۰ در جریان جنگ جهانی دوم نخست‌وزیر شد و متفقین را در پیروزی بر آلمان رهبری کرد. اصطلاح کشور پشت پرده آهنین که دربارهٔ شوروی به کار می‌رفت از ساخته‌های اوست.

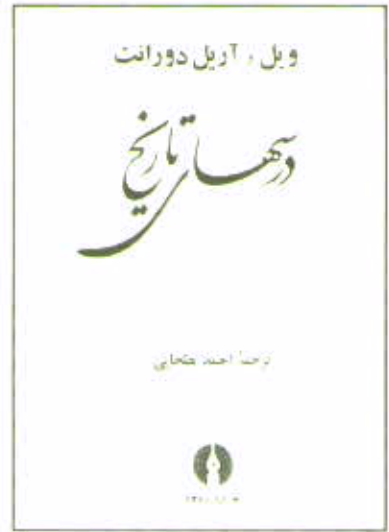
هادریان (Hadrian، ۱۳۸ - ۷۶) امپراتور روم. بعد از مرگ تراژان به امپراتوری رسید. او مرد صلح و عاشق ادبیات و هنر بود. هادریان طی سفری که از اروپا به آسیا کرد. با امپراتوری ایران صلح نمود و از ارمنستان به نفع ایران صرف نظر کرد.

هرودت (Herodotus، ۴۲۵ - ۴۸۵ ق م) مورخ بزرگ یونان که سیسرو او را پدر تاریخ لقب داد. او تاریخ بزرگی دربارهٔ جنگ‌های ایران و یونان نوشت و هم چنین به کشورهای حوزهٔ مدیترانه سفر کرد.

هومر (Homer، قرن نهم ق م) شاعر حماسه‌سرای یونان باستان. اطلاعات کمی دربارهٔ زندگی او در دست است. او به واسطهٔ داستان‌های حماسی ایلیاد و اودیسه مشهور است.

یوهان ولفگانگ فون گوته (Johann Wolfgang von Goethe، ۱۸۳۲ - ۱۷۴۹) شاعر و درام‌نویس آلمانی. گوته بر بسیاری از علوم و فنون آگاهی داشت ولی شهرت او به سبب نوشتن داستان، شعر و نمایشنامه‌های اوست. دیوان شرقی از معروف‌ترین آثار اوست. گوته از شیفتگان حافظ شاعر ایرانی بود.





معرفی کتاب

کتاب «درس‌های تاریخ» در سیزده فصل تنظیم شده است از آن برای «تعمیرات» تاریخ و تکرارها، ریشه‌شناسی و تاریخ، باغ و تاریخ، حیوان و حوری و تاریخ، زمین و تاریخ، سوسیالسم و تاریخ، حکومت و تاریخ، تاریخ و جنگ، و شده و روانه ویرانه و پیکر و لغت دارد.

ویژگی مهم کتاب «درس‌های تاریخ» ترجمه مجلس و روان است که به سبب شادروان احمد بطحایی انجام گرفته است.

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این نشریه که همه به‌عنوان مسوول وزارت ارشاد اسلامی انتشار می‌دهد، دارای مطالب علمی و تحقیقی ارزشمند و قابل استفاده در این عرصه است. به این کتاب به مساحت است. شماره‌های ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ (ده مجله‌ای) به شرحه شرحه و مطالب و نوشته‌های علمی در این تاریخ‌های محلی آن است و نیز به سبب آن که این نوع نوشته‌ها همواره در دسترس می‌باشد.

آن نشان دهد کتاب «درس‌های تاریخ» چه چیز است.

هنرمندی که تاریخ به بیان مطالب علمی می‌رسد از خود چیزی نمی‌پسندد. مصالحت‌ها، نوچه‌فروشی در پدیده‌ها؟ آن در این کتاب فقط به این دل‌خوش بودی که از رشد و احاطه به متن و عمیق سخن‌گویی و قصه‌های غم‌انگیز، مرگ پادشاهان، افراسیاب و پارس، پیرگوئی؟ یا کیون از سرشت انسان پیش از آن فرگفته‌ای که به‌هنگامی می‌تواند فرآیندی آن‌که به‌گشودن کیمیای تاریخ باشد؟ آیا چیزی از تاریخ به‌فقد آورده‌ای که بتواند روشنگر و ضیاع فعلی ما را روشن‌تر نماید؟ آیا چیزی از تاریخ به‌فقد آورده‌ای که بتواند روشنگر و ضیاع فعلی ما را روشن‌تر نماید؟ آیا چیزی از تاریخ به‌فقد آورده‌ای که بتواند روشنگر و ضیاع فعلی ما را روشن‌تر نماید؟ آیا چیزی از تاریخ به‌فقد آورده‌ای که بتواند روشنگر و ضیاع فعلی ما را روشن‌تر نماید؟

نام کتاب: درس‌های تاریخ
نویسندگان: ویل و آریل دورانت
مترجم: احمد بطحایی
ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی

ویل دورانت و همسرش آریل آریل دورانت مورخان و دانشمندان عصر حاضر به‌شمار می‌روند. کتاب عظیمی که تألیف آن در ده جلد (به فارسی ۱۱ جلد) فقهی قرار از زندگی آن دوران گرفت تاریخ تمدن نام دارد. این کتاب به‌وسیله چندین مترجم توانا به فارسی ترجمه شده، انتشار یافته است. نویسندگان «تاریخ تمدن» وقتی که کتاب عظیم خود را در مورد تاریخ تمدن جهان به پایان برده، از بررسی عمیق خود در سده‌ها عصر تمدن‌های کهن تا امروز ملت‌های جهان کنایه‌گویی و توانست بر مبنای این تاریخ در ساره انسان و تمدن و تاریخش به قصه‌ها و بردارند و از آینده سخن بگویند. در این هنگام بود که به تألیف کتاب کوچک «درس‌های تاریخ» به‌عنوان مؤخره ده جلد تاریخ تمدن پرداختند. گفتار آغاز این کتاب به خوبی می‌تواند به‌نویسندگان را از تألیف



مبنای پایه (۲)

میرزا جلیلی*

تبدیل به مبنای اعشاری

این مطلب را قبلاً توضیح دادیم و در این جا فقط یک مثال ذکر می کنیم:

$$(3112)_2 = 3 \times 2^3 + 1 \times 2^2 + 1 \times 2^1 + 2 \times 2^0 + 2 = 32 + 4 + 2 + 2 = 42$$

تبدیل از مبنای اعشاری به مبنای دیگر

در اینجا، دو شیوه عمل که هر دو مبتنی بر «دسته بندی» است، ذکر می شود.

شیوه اول: وقتی می خواهیم مثلاً عدد ۳۷ را در مبنای ۲ بنویسیم، به ترتیب زیر عمل می کنیم: $37 \div 2 = 18$

۱. بزرگ ترین توان مبنای ۲ که در ضریب ضرب شود و از عدد داده شده کوچک تر باشد، پیدا می کنیم. در این جا، بزرگ ترین توان ۲ که از ۳۷ کوچک تر می باشد $2^5 = 32$ است. پس می نویسیم (ضریب 2^5 در مبنای ۲، عدد یک است. در مبنای دیگر، غیر از یک هم هست):

$$37 = 1 \times 2^5 + 5$$

۲. تفاضل بزرگ ترین توان مبنای ۲ از عدد داده شده، حساب می کنیم. در این جا $37 - 32 = 5$ و دوباره برای این تفاضل ۵، مثل بند ۱ عمل می کنیم؛ یعنی بزرگ ترین توان ۲ را که از ۵ کوچک تر است، پیدا می کنیم:

$$5 = 1 \times 2^2 + 1$$

۳. مجدداً، تفاضل را، یعنی $5 - 4 = 1$ حساب می کنیم و عمل بالا را تکرار می کنیم تا وقتی به عددی برسیم که از مبنای کوچک تر باشد و عمل متوقف گردد. چون در این جا تفاضل یک است و از مبنای کوچک تر است، عمل متوقف می شود.

۴. نا توجه به این که در این جا هر توان مبنای ۲، نشان تعداد صفرهای سمت راست ۱ است، لذا از 2^5 نتیجه می شود: $(100101)_2$

۵. حالا بقیه یک ها را جایگزین می کنیم. در بند ۲ داشتیم $2^2 + 2^0$ یعنی باید یکی بنویسیم که جلوی آن دو تا صفر باشد:

$(100100)_2$ و در بند ۳، فقط ۱ بدون توان داریم که رقم یکان است: $(100101)_2$

که اگر عمل برگشت را امتحان کنید:

$$(100101)_{(2)} = 1 \times 2^5 + 1 \times 2^0 + 1 = 32 + 1 + 1 = 34$$

و برای هر مبنایی همین کار را انجام می دهیم؛ با این تفاوت که در مبنای ۲، ضریب توان ها فقط ۱ می باشد، ولی در مبنای دیگر، ضریب های غیر از ۱ نیز وجود دارد.

نکته: تعیین توان های مبنای ۲، معنای دیگری برای دسته بندی است. به عبارت دیگر، 2^5 ، 2^4 ، 2^3 به ما می گوید که ارزش مکانی ۱ ها را معین کنیم و تعیین ارزش مکانی همان دسته بندی است.

شیوه دوم: روش مورد علاقه دانش آموزان با (روش تقسیمات متوالی)

الف) عدد داده شده در این جا، ۳۷ را به طور متوالی به قسمی بر مبنای ۲ (در این جا بر ۲) تقسیم می کنیم که به مانده کوچک تر از مبنای ۲ (در این جا ۱) برسیم. در انجام عمل تقسیم های متوالی نیز تا آن جا پیش می رویم که خارج قسمت کوچک تر از مبنای ۲ (در این جا ۲) شود. ب) حالا از آخرین خارج قسمت (که در این جا ۱ می باشد) شروع می کنیم و آن را آخرین رقم سمت چپ



اولین مانده آخرین مانده

راست ← از چپ

$$100101 \Rightarrow (100101)_2$$



نکته سابقاً در بخش دیگری یک عدد بر ۹ یا برای امتحان تقسیم ما اصطلاح آنه نه طرح می کنیم. یعنی نه نه کم می کنیم از به کنار می بردیم و منظور این بود که وقتی به ۹ یا بیش تر از ۹ رسیدیم. از ۹ یا مضرب ۹ صرف نظر کنیم و این همان حساب مناسبت است.

در جمع و ضرب در میانه ها، هر وقت به عدد مسا یا بیش تر از آن رسیدیم، عدد منباز از آن کم می کنیم و حاصل را در همان دسته می نویسیم و به جای حذف شده، عدد ۱ یا ۲ یا ۳ یا ۴ یا ۵ یا ۶ یا ۷ یا ۸ یا ۹ بعد اضافه می کنیم.

مثال مضروب است محاسبه

$$\begin{array}{r} 2134 \\ \times 4312 \\ \hline \end{array}$$

حل - با توجه به نکته عمل می کنیم

$$\begin{array}{r} 2134 \\ \times 4312 \\ \hline 4268 \\ 6402 \\ 2134 \\ 8536 \\ \hline 9203168 \end{array}$$

و در تقریب عمل برگشت انجام می دهیم

$$\begin{array}{r} 2134 \\ \div 4312 \\ \hline 0.494666 \end{array}$$

در ضرب و تقسیم هم نقش مسا و مفهومان، مثل جمع و تفریق، مهم است و بخودکار شبه جمع و تفریق می باشد.

پاسخ سؤال ۵ - دو جدول زیر و اعداد آن هارا با هم مقایسه کنید

هشتم چهارم دوم یکان دوکان چهارکان

$$\begin{array}{r} \frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4} \\ \frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6} \\ \frac{1}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{9} \end{array}$$

$$\begin{array}{r} \frac{1}{2} \div \frac{1}{2} = 1 \\ \frac{1}{2} \div \frac{1}{3} = \frac{3}{2} \\ \frac{1}{3} \div \frac{1}{3} = 1 \end{array}$$

هزارم صدوم دهه

$$\begin{array}{r} \frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4} \\ \frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6} \\ \frac{1}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{9} \end{array}$$

عدد مورد نظر قرار می دهیم و به تعداد مسا (یعنی ۲) که مقسوم علیه واقع شده است (در این جا ۵ مرتبه با ۵ تا ۲ داریم)، در سمت راست ۱ صفر قرار می دهیم.

ح - اکنون مانده های مخالف صفر (در این جا ۱) و تعداد منباز (در این جا ۲) را که در بالای آن ها، مقسوم علیه واقع شده است، در نظر می گیریم و آن ها را در حالی قرار می دهیم که به همان تعداد صفر سمت راست آن ها قرار گیرد. در این جا سومین و اولین مانده مخالف صفر است. بالای سومین مانده، دو مرتبه ۲ مقسوم علیه واقع شده است و در بالای اولین مانده، هیچ ۲ وجود ندارد. پس یک ها را به ترتیب در حالی قرار می دهیم که دو تا صفر و هیچی صفر سمت راست آن ها واقع شود.

$$(1111)$$

نکته - دقت آن، ساده های ۱ تا ۳ در شیوه اول می باشد ولی احتمالاً می توان گفت که در تقسیمات متوالی، آخرین خارج قسمت، بیش ترین تعدادی (آخرین دسته بندی) را که مسا در عدد داده شده می گنجد، یعنی آخرین رقم سمت چپ عدد در مبنای خوانده شده را، تعیین می کند. در حالی که مانده ها از آخر به اول، سه تا نسبت دسته بندی های کوچک تر و باقیمانده از دسته های بزرگ تر، به رقم بعدی یا کم، کم تر و کم ترین تعدادی که آن عدد در مسا (در این جا ۲) می گنجد را، مشخص می سازد. استفاده از این روش وقتی مفید است که مفهوم دسته بندی، یعنی تعداد مرتبه هایی که مسا در عدد داده شده می گنجد، برای دانش آموز بیان شود، و گرنه او مطلب را قانون وار، و قالبی عمل می کند و تا آخر عمر هم نمی فهمد که چرا آخرین خارج قسمت را آخرین رقم سمت چپ قرار می داده و مانده ها را به ترتیب از آخرین به اولین، سمت راست آن می نوشته است؟

پاسخ سؤال ۲

مثال - هر که داشته باشیم $(110011) = 11$ ، این عدد را در مبنای ۳ بنویسید.

حل: این در حقیقت ترکیب دو مسأله است: الف) عدد طبیعی ۱۱ را تعیین می کنیم؛ ب) این عدد طبیعی را در مبنای ۳ می نویسیم چون با این روش شما مسا را خوب آموزش داده اید، انجام این گونه ۱۱ مانور ها را در کلاس به عهده خود شماست.

پاسخ سؤال ۴

وقتی شما در آموزش مباحث ۱۰ را به عدد دلخواه ۲، ۳، ۵، ... می دهید، باید به او این نکته را بگویید.



$$\begin{aligned}(121)_x &= 1 \times x^2 + 2 \times x + 1 \\ &= x^2 + 2x + 1 \\ &= (x+1)^2\end{aligned}$$

پس در هر مبنایی، عدد ۱۲۱ مجذور کامل است:

$$\begin{aligned}(121)_{11} &= 121 = (11)^2 \\ (121)_4 &= 1 \times 3^2 + 2 \times 3 + 1 = 9 + 6 + 1 = 16 = (4)^2 \\ (121)_5 &= 1 \times 5^2 + 2 \times 5 + 1 = 25 + 10 + 1 = 36 = (6)^2 \\ (121)_6 &= 1 \times 6^2 + 2 \times 6 + 1 = 36 + 12 + 1 = 49 = (7)^2\end{aligned}$$

نکته: گاهی اوقات دانش آموز ارقام داده شده در یک مبنای را عدد طبیعی می‌گیرد و با آن قضاوت می‌کند و می‌گوید: یک طرف تساوی مجذور کامل است، ولی طرف دیگر آن نیست. در مثال زیر، در طرف چپ تساوی عدد ۲۵ مجذور کامل است (آن را عدد طبیعی می‌گیرد و حال آن که رقم دو و پنج است) ولی طرف راست آن عدد ۱۷ و مجذور کامل نیست:

$$(25)_6 = 2 \times 6 + 5 = 17$$

پانوش:

۱. جذر حالت خاصی از تقسیم است که در آن، مقسوم علیه و خارج قسمت مساویند و با داشتن مقسوم، هر دو با هم تعیین می‌شوند.
۱. معروف است که مبنای ۱۰ ناشی از شمارش انسان با انگشتان دست‌های خود بوده است.
۲. دستگاه اخطراب در موزه‌ها موجود است.
۳. در یکی از کلاس‌ها، در محاسبه جذر ۳۲ که توضیح می‌دادم، ۳۲ را ضلع یک مربع می‌گیریم که مساحت آن طبق قانون مجذور یک ضلع می‌شود ۳۲ و این مساحت مطابق شکل به ۴ قسمت تقسیم می‌شود.

$$\begin{aligned}32 &= 5^2 + 5x + 5x + x^2 \\ 32 - 5^2 &= 10x \Rightarrow x = \\ \frac{32 - 5^2}{10} &= \frac{32 - 25}{10}\end{aligned}$$

- یکی از همکاران به من گفت: «فلاسی، ۲۰ سال درس می‌دادم، ولی نمی‌فهمیدم ۳۲ ضلع مربع است». توجه به اساس و پایه در ریاضی حیاتی است.
- کارشناس ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی



$$\begin{aligned}(101/110)_5 &= 1 \times 2^2 + 1 + 1 \times \frac{1}{5} + 1 \times \frac{1}{5} + 0 \times \frac{1}{5} \\ &= 4 + 1 + \frac{1}{5} + \frac{1}{5} \\ &= 5 \frac{2}{5} = 5/75\end{aligned}$$

برگشت عمل: می‌خواهیم ۱۱/۷۵ را در مبنای ۲ بنویسیم.
حل: مطابق شیوه‌اول عمل می‌کنیم:

$$\begin{aligned}11/75 &= 11 + 0/75 = 1 \times 2^3 + 1 \times 2 + 1 + \frac{75^2}{17^4} \\ &= 1 \times 2^3 + 1 \times 2 + 1 + \frac{3}{4} \\ &= 1 \times 2^3 + 1 \times 2 + 1 + \frac{1}{2} + \frac{1}{4} \\ 11/75 &= (1 \cdot 11 / 11)_5\end{aligned}$$

نکته: در این جا مسأله تقریب مطرح است. مثلاً اگر ۵/۸۶ را داشتیم نیز، همین جواب را داشتیم و وقتی اعشار به $\frac{1}{8}$ یا $\frac{1}{16}$ نرسد، جای آن صفر می‌گذارید. در حقیقت باید بنویسیم:

$$5/86 = 1 \times 2^3 + 1 \times 2 + 1 + \frac{1}{2} + \frac{1}{4} + \frac{1}{8} + \frac{1}{16} + \dots$$

و به بنیم تا کجا به اعشار ما نزدیک تر است بنویسیم. باید توجه کرد که در مبنای ۱۱، اعداد $\frac{1}{11}, \frac{1}{11}, \frac{1}{11}, \dots$ مطرح است، مثلاً در مبنای ۵ داریم: $\frac{1}{5}, \frac{1}{5}, \frac{1}{5}, \dots$

پاسخ سؤال ۶: در مثال ۲ صفحه ۵/۲ جواب داده شده است.
پاسخ سؤال ۷: وقتی عددی را در مبنای ۱۱ (مثلاً ۲) می‌نویسیم، طبق قضیه اصلی حساب صفحه ۵/۲، حاصل یک عدد طبیعی است و تعریف بخش پذیری و یا مجذور کامل در آن صادق است:
۹ بر ۳ بخشپذیر و یا مجذور کامل است:

$$(1001)_3 = 2^2 + 1 = 9 = (3)^2$$

که خود $(1001)_3$ نیز برابر $(11)_3 \times (11)_3$ است و اگر توصیف مجذور کامل را (که مثل دهگان و صدگان است) بپذیریم، آن عدد در مبنای ۲ هم بر ۳ بخشپذیر و مجذور کامل است.

مثال: اگر عدد ۱۲۱ را در مبنای ۶ بنویسیم، چون طبق قضیه اصلی حساب صفحه ۵/۲ حاصل یک عدد طبیعی است، لذا در قانون اتحادها صدق می‌کند:



خلاق در دو وجه

شهباز وافعی نژاد
دبیر هنر مدارس تهران

به عنوان چهره شاخص این هنر نام برید. شهباز رخساز تنها به موزیک محدود نشد بلکه او در نقاشی، تک و روغن، کاردستی اثر خدیمی ایران، عکس، شاهنامه، بازیچه، ماکتو، تندیس و سرامیک، مینیاتور، خود به جایبهایی، نقوشی که از زبان جوانان استعدادهای ویژه می‌کنند.

استاد رخساز، این هنرمند کمالی، تا آخرین روزهای خدایه هنر خود، موزیک سازی و نقاشی از شاخه‌های ادبیات می‌دان، همچون با شعر و شوق به آفرینش می‌پرداخته. او چند دهه است که در عرصه هنر از خود خلاقیت نشان داده. آثار وی در سال ۱۳۶۷ در گذشت، در حالی که موزیک می‌سازد و از رشته هنر موزیک، نقاشی، شاهنامه و دیگر شاخه‌های ریختی و سخن از خود به جا گذاشت. به پاس تقدیر از دستاوردهای او، علی رخساز، مجموعه‌ای شامل شرح حال، دستاورد او همواره در تصویر از بیوه‌های هنری او، با سعادت‌ها، استاد میهنی، حسن و سید هادی سیف، توسط مؤسسه فرهنگی گسترش هنر، انتشار داده که خود اثری ماندگار و لایق شأن این هنرمند است. کتابی که یکی از ویژگی‌های این مجموعه، که آن را از آثار مشابه متمایز می‌کند، این است که خود استاد، در زمان خدایه، با دانشی فرسوده هر یک از تابه‌های خود نوشته است و با خطی دست‌نویس آن تا به یادگار آفرینش از راه، درج کرده است. البته و به استناد مرگ به او محتاج نبوده که همین یادداشت‌ها، در دست‌نویس‌های شاهنامه‌ای خود بنویسد. از این جهت تابلوهایی شاهنامه، در واقع، خدایه است. این صدا است. در اینجا چند تابلوی استاد رخساز، در تصویر یادداشت‌هایی که در کنار هر یک نوشته است، و خلاقیت می‌سازد.

علی رخساز، یکی از بزرگ‌ترین و از جمله‌ترین هنرمندان معاصر ایران در رشته هنرهای موسیقی است. وی دقیقاً صد سال پیش، در سال ۱۲۸۱، در خانواده‌ای هنرمند، در تهران، چشم به جهان گشود. پدرش میرزا غلامرضا اصفهانی، معروف به میرزا غلامرضا کاشی‌ساز، یکی از کارآمدترین و باتجربه‌ترین هنرمندان در رشته میناسازی بود. او که در فراز خود استعداد و خلاقیت به هنر را می‌دید، از همان نوجوانی وی را تشویق کرد که به هنر نقاشی و آواز بدین ترتیب، علی رخساز، نقاشی و هنر میناسازی، از چهارده ساله بود که در مدرسه صنایع مستظرفه ثبت نام کرد و تحصیل در رشته هنر را آغاز کرد. چنان که می‌دسیم، این مدرسه راه، که اولین مدرسه هنری ایران و تحت تأثیر هنر اروپایی شکل گرفته بود، کمال‌الملک تأسیس کرده کسی که می‌توان محل او را بیانگذار رشته‌های مختلف هنری، بویژه نقاشی و آواز، در ایران دانست.

علی رخساز، در مدرسه صنایع مستظرفه بسیار زود استعداد خود را نشان داد و در میان دیگر شاگردان درخشید. نه همین جهت به زودی توانست به مرشد معتمدی در همان مدرسه برسد و به آموزش دیگر شاگردان بپردازد. او در این کار نیز از حدود شور و علاقه زاید الوصفی شان داد.

هنر خلاق رخساز در مدرسه صنایع مستظرفه هنر «موزیک» بود. یعنی نوعی نگارگری که مصالح آن شن و سنگ است. وی در این کار بحق سیگ تمام گذاشت و آثار بسیار زیبایی آفرید و از حدود خلاقیت بسیار نشان داد. همین خلاقیت و نوآوری بود که سبب شد در هنر معاصر ایران، نام رخساز یا هنر موزیک پیوند بخورد و از او

باغ سعدی شناسنامه هنری من است. دنیای هنر رخسار را باید با باغ سعدی اش محک بزنند. هر تعبیری که می‌خواهید بکنید. بگویید جاه‌طلب است. بگویید از خودش تعریف می‌کند. بگویید پیر شده و فاطمی کرده است. من می‌گویم باغ سعدی در زدیف آثار هنری جاودانه دنیا جا دارد. شما را به خدا آسمان تابلو را نگاه کنید. سروهای سر به فلک کشیده باغ سعدی را نماشا کنید. چشم بدوزید به معماری بنا. ببینید چند هزار قطعه سنگ به نازکی تاز مو، در بنا کار کرده‌ام. راستی چه کسی می‌تواند تصور کند که می‌توان با مشتکی سنگ و سنگ‌ریزه رنگین چنان سایه روشنی را به وجود آورد. این تابلو در سال ۱۳۰۹ کار شده است و مقبره قدیم سعدی را در شیراز نشان می‌دهد. |



آقا سید علی اکبر صنعتی که تنها اهل فن تابلوهای موزاییک بعد از من است. وقتی این تابلو را در خانه دیدم گفتم: «میرزا علی‌خان! خدا می‌داند اگر از قبل نمی‌دانستم با سنگ این در خانه را ساخته‌ای. هیچ شکی در جوب بودن آن نداشتم.» خدا سایه این بزرگوار را از سر هنرمندان جوان این مملکت کم نکند که چقدر انسان است و صاحب معرفت. من ادامه کارم را در ساختن تابلوهای موزاییک از سنگ مدیون تشویق‌ها و دلسوزی‌های او هستم.



در تابلو، آن که کلاه به سر دارد من هستم. آن یکی اخویم حسن است. آن دخترک را خاطر ندارم. شاید شخصت سالی می‌شود که این تابلو را کشیده‌ام اما بعد آن را کم کردم. یعنی که سراغی از آن نداشتم. سال گذشته آقای سید علی اکبر صنعتی. هنرمند بزرگوار، آن را به من برگرداند. می‌گفت آن را در انبار بنیم خانه کرمان پیدا کرده. حالا چطور تابلو به بنیم خانه رفت؟ من بی اطلاع هستم. از فراری که آقای سید علی اکبر می‌گفت. من تابلو را در همان ایام مدرسه به او هدیه کرده بودم. او هم با خودش به بنیم خانه کرمان برده و جا گذاشته بوده است. نمی‌دانم. به درستی که نمی‌دانم!



ترجمه و اقتباس: محمود معافی

دانشی های علمی



جغد در شب چگونه می بیند؟

پرندگان بسیاری در دنیا وجود دارند که جغد یکی از آنهاست. همه نوین ویژگی جغد این است که می تواند چیزها را در شب به شکلی واضح و بهتر از روز ببیند. همچنین گوش های این پرنده خیلی تیز است به طوری که در شب اگر یک حرکت جزئی از شکارش ببیند خیلی سریع آن را پیدا می کند و می گیرد؛ و چه بهتر که این شکار موش باشد که غذای مصروع جغد است.

جغدها تقریباً در همه جای دنیا پیدا می شوند. در بعضی از کشورها جغد را از پرندگان شوم به حساب می آورند. در حالی که در بعضی از کشورها دیگر آن را اسمبل یا مظهر ثروت و خرد تلقی می کنند. جغد پرنده ای است که به طور جدی فعالیت هایش را در شب انجام می دهد و شگفت این که همدی مدتش به طوری استثنای برای فعالیت در شب ساخته شده است. به جغد و دیگر پرندگانی که در شب دید و صحنی دارند، پرندگان شب زی می گویند؛ برعکس، به پرندگانی که می توانند در روشنی روز ببینند و در روز زندگی می کنند، پرندگی روز می گویند.

احتمالاً شما خیلی علاقه دارید بدانید که پرنده ای مثل جغد چگونه می تواند در تاریکی شب چیزها را به خوبی ببیند. برای درک این مطلب، نخست لازم است بدانید که ما انسان ها چیزها را چگونه می بینیم. می دانید که نور معکوس شده از یک شیء، از طریق عدسی داخلی چشم، بر روی پرده ای متحرک می شود که شبکیه نامیده می شود.

بدین ترتیب تصویر شیء روی شبکیه تشکیل می شود. در چشم های جغد نیز همین اتفاق می افتد؛ اما این تفاوت که چشم های این پرنده چهار ویژگی دارد که تحت تأثیر آن جغد می تواند شباهت را در تاریکی به طور خیلی واضح ببیند. اولین ویژگی میوان فاصله بین عدسی و شبکیه در چشم جغد است که بیشتر از فاصله این دو در چشم انسان است. به خاطر این ویژگی تصویر بزرگتری بر روی شبکیه تشکیل می شود. ضمن این که عضو مخصوصی در چشم های جغد به نام پلکین وجود دارد که به متحرک کردن و تنظیم عدسی برای فاصله های مختلف، کمک می کند. دومین ویژگی چشم جغد، تعداد سلول های استوانه ای و مخروطی (سلول های مخصوص) موجود در شبکیه چشم این پرنده است که خیلی بیشتر از تعداد سلول های استوانه ای و مخروطی در چشم انسان است؛ تقریباً ۱۰ سلول در هر میلی متر مربع (مقایسه شود با ۲ سلول در هر میلی متر مربع در چشم های انسان). به همین دلیل جغد در بیشتر از ما می تواند ببیند. سومین ویژگی این است که، در چشم های جغد یک ماده قرمز رنگ و ایک پروتئین شیمیایی وجود دارد که چشم های پرنده را نسبت به نور حساس تر می کند. و بالاخره چهارمین ویژگی، ساختار عدسی در چشم های جغد است که می تواند بیشتر از چشم انسان گشاده شود. بنابراین راه را برای ورود مقدار بسیار ناچیز نور باز می کند. تحت تأثیر این چهار عامل است که جغد می تواند در تاریکی خیلی به وضوح بیشتری همه چیزها را در شب ببیند.

جراحی پلاستیک چیست؟

وجود داشتند که می توانستند به وسیله پیوند پوست از گونه، بینی بریده را ترمیم کنند. البته در عصر حاضر جراحی پلاستیک نخستین بار در آمریکا و در قرن نوزدهم مورد مطالعه قرار گرفت.

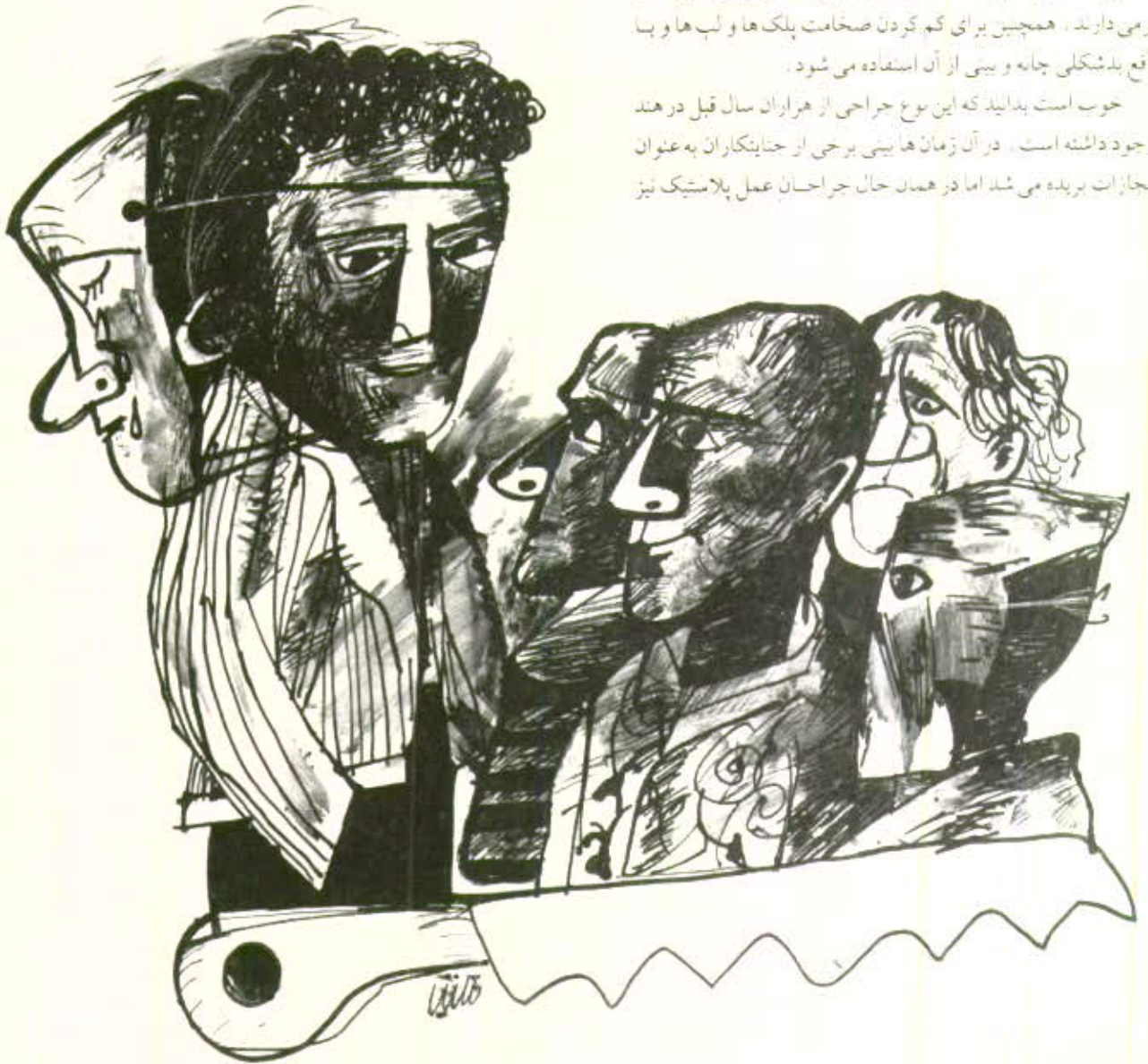
شاید شما بخواهید بدانید که جراحی پلاستیک چگونه انجام می شود؟ جواب این است که در جراحی پلاستیک مقدار پوستی را که مورد نیاز است از قسمت سالم بدن برمی دارند و به قسمت آسیب دیده پیوند می زنند. در این عمل فقط ۲ لایه از پوست برداشته می شود، زیرا فقط این لایه ها هستند که بیشتر امکان «تقسیم سلولی» در محل جدید را دارند.

امروزه جراحی پلاستیک در بیمارستان های دولتی و خصوصی در همه کشورها رواج دارد و هر روزه صدها عمل جراحی، تنها برای افزایش زیبایی، انجام می گیرد.

جراحی پلاستیک یکی از انواع عمل جراحی است که در آن بدشکلی های فیزیکی عضو را، خواه مادرزادی و خواه ناشی از حوادث باشد، ترمیم می کنند. به عبارت دیگر در این عمل نقاط زشت از روی صورت برداشته می شود؛ زشتی هایی که معمولاً در اثر سوختگی، بریدگی، آبله و یا حتی به طور مادرزادی به وجود آمده است. مثلاً گاهی اوقات یک نوزاد درحالی متولد می شود که یک شکاف بالای لب او دیده می شود. با کمک جراحی پلاستیک می توان چنین شکافی را به خوبی ترمیم کرد و بدشکلی ایجاد شده را به کلی از بین برد. چنان که می دانید به کودکانی که با این وضع به دنیا می آیند «لب شکری» می گویند.

امروزه جراحی پلاستیک بیشتر برای زیبایی انجام می شود، به همین علت به آن «جراحی زیبایی» نیز می گویند. به کمک جراحی پلاستیک جای زخم بر جا مانده از آبله یا چروک های روی صورت را برمی دارند. همچنین برای کم کردن ضخامت پلک ها و لب ها و بنا رف بدشکلی چانه و بینی از آن استفاده می شود.

حوب است بدانید که این نوع جراحی از هزاران سال قبل در هند وجود داشته است. در آن زمان ها بینی برچی از جتاینکاران به عنوان مجازات بریده می شد اما در همان حال جراحان عمل پلاستیک نیز



یک ارزشیابی از درس هنر (۱)

حسن شرفی



این نوشته، نتایج ارزشیابی تکوینی و نهایی درس هنر با توجه به نگرش مدیران مدارس و آموزش و پرورش منطقه یک تهران است که به منظور اتخاذ راهکارهای اساسی در جهت بهبود کیفیت برنامه‌های درس هنر تهیه شده است. از آقای حسن شرفی، کارشناس هنر منطقه یک تهران که آن را در اختیار مجله قرار دادند سپاسگزاریم.

مقدمه

تعلیم و تربیت محکم عهده منظمی از اعمال و رفتار است که معلم آنها را دانسته و از روی عمد برای رسیدن به هدف ناآزوشی که بر آن اثری مترتب است برمی‌گزیند. یکی از کوشش‌های هدفدار در تعبیه و تربیت که می‌تواند وسیله‌ای برای بهتر تعلیم یافتن و تربیتی و آنگاه باشد، هنر است. تعلیم هنر در مدرسه که بیشتر جنبه شناختی، عاطفی، اجتماعی، روانی-حرکتی و زیبایی‌شناختی دارد و به یادگیری در زمینه‌های متعدد می‌انجامد یکی از ابزار و روش‌های تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود. معلم نمی‌تواند و فعلاً شاگردان خود را تربیت کند مگر آن‌که از ساختار روان‌شناختی و منطقی آنان آگاهی بسی داشته باشد. به عبارتی دیگر هر چقدر یک معلم در فعالیت‌های خود و نیز تهیه و محتوای برنامه‌های درس هنر، دانش‌آموزان را به این درس بیشتر علاقه‌مند کند، احساس نشاط را در آنان برانگیزاند، هنر را با توجه به ساختارهای مفهومی او ساده‌تر و مشکل‌ترس کند، ترس و نگرانی را از برای انجام کارهای هنری، از شاگردان دور سازد، تعاون و با هم‌کاری کردن را در آنان تقویت نماید، ارتباط صمیمانه با شاگردان داشته باشد، امکان فعالیت و احساس توانایی و موفقیت در انجام دادن فعالیت‌های هنری را در دانش‌آموزان ایجاد کند، به بررسی برنامه‌های مدون درس هنر بپردازد، موجدیات فکر کردن و خلاقیت را در آنان فراهم نماید، امکانات و شرایط لازم را در کلاس به وجود آورد، نگاه و دقت شاگردان را به فعالیت‌های هنری متوجه نماید، زمینه ایجاد خلق آثار هنری را به وسیله آنان مهیا سازد و بالاخره برای دانش‌آموزان امکان به نمایش گذاشتن دست‌ساخته‌های خویش را فراهم سازد، گام‌هایی اساسی در جهت رسیدن به اهداف این درس برداشته است.

- ۱- در ارزشیابی انجام گرفته، راهکارهای اساسی در این زمینه از دیدگاه مدیران مدارس منطقه یک تهران به شرح زیر جمع‌بندی شده است: به عبارت دیگر، فعالیت‌هایی را که آنان انجام داده‌اند و می‌تواند در مجموع به عنوان راهکار تلقی شود به این شرح بیان کرده‌اند:
 - ۱- حاصل فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی هنر در دهه تجربه به نمایش گذاشته شد.
 - ۲- دیوارهای راه‌پهله‌ها و فضاهای حیاتی بین کلاس‌ها قرار آید پس ریل و زنجیر، به یکدیگر برای نمایشگاه دائمی تبدیل کردیم. (احتمالاً فضاهای غیرقابل استفاده برای به نمایش گذاشتن آثار هنرمندی دانش‌آموزان)
 - ۳- هر چند وقت، اثر بچه‌ها را که به نمایش درمی‌آوردیم مختلف تهیه شده است روی دیوارها نصب می‌کنیم و به نمایش می‌گذاریم.
 - ۴- در مدرسه کلاس مخصوصی تحت عنوان نمایشگاه دائمی هنر داریم.
 - ۵- بازدیدی که مسئولان آموزش و پرورش و همکاران دیگر نمایشگاه به عمل آورده موجب جرم‌سنجی و نگرانی مدرسه شد.
 - ۶- از شروع سال تحصیلی کلاسی را به عنوان نمایشگاه دائمی هنری دانش‌آموزان در اختیار معلم هنر و دانش‌آموزان قرار داده‌ایم.
 - ۷- دانش‌آموزان هنر مند را شویز می‌کنیم.
 - ۸- دانش‌آموزان مدرسه ما را در نمایشگاه‌های هنری مدارس دیگر بازدید می‌کنند.
 - ۹- از زین هنر می‌خواهیم که تم‌ها به نمایش درآید و دانش‌آموزان آنرا داشته باشند.

۱۰ - قسمتی از فضای غیر قابل استفاده مدرسه به عنوان محلی برای برگزاری نمایشگاه انتخاب شد.

۱۱ - اتاق کوچکی که در قطعه دوم مدرسه بود احیا شد و آثار هنری بچه ها در آن به نمایش گذاشته شد.

۱۲ - نمایشگاهی از آثار هنری بچه ها که به صورت کولاژ تهیه شده بود برگزار گردید.

۱۳ - با توجه به اهمیت درس هنر از معلم تخصصی هنر استفاده می کنیم.

۱۴ - برای بهبود کیفی درس هنر دبیر هنر نقاشی و خوش نویسی جدا داریم و کلاس های فوق برنامه هم گذاشته ایم.

۱۵ - حداکثر استفاده از فضاهای مدرسه برای به نمایش گذاشتن آثار بچه ها به عمل می آوریم.

۱۶ - فرصت های بیشتری برای آموزش خوش نویسی و نقاشی در نظر گرفته ایم.

۱۷ - برای دانش آموزان علاقه مند یک کلاس هنر را ویژه اختصاص داده ایم تا آثار خود را در آن به نمایش بگذارند و ساعات فراغت خود را نیز در آن سپری کنند.

۱۸ - کلاس های فوق برنامه آموزش هنر را زیر نظر انجمن اولیا و مربیان تشکیل داده ایم.

۱۹ - در مدرسه یک کلاس اختصاص به درس هنر دارد.

۲۰ - هر هفته روی تابلوی بزرگ مدرسه کارهای جدید دانش آموزان نصب می شود.

۲۱ - در پارکینگ مدرسه فضاهایی جهت کلاس هنر و نمایشگاه احداث گردیده است.

۲۲ - در مدرسه نمایشگاه دائمی هنر داریم.

۲۳ - از چند سال گذشته استفاده از فضاهای غیر قابل استفاده به اجرا در آمده است. مکان اجرایی این نمایشگاه پیلوت ساختمان (طبقه زیر همکف در ساختمان های چند طبقه) می باشد که آثار هنری دانش آموزان در آن به نمایش در می آید.

۲۴ - در راهروهای مدرسه تابلوهای متعددی برای نصب آثار دانش آموزان تهیه گردیده است.

پیشنهادها

مدیران جهت بهبود کیفیت درس هنر پیشنهادهایی به شرح زیر داده اند:

۱ - استفاده از دبیران مجرب، به نمایش در آوردن آثار هنری دانش آموزان، بیشتر کردن ساعات درس هنر، تشویق دانش آموزان از طرف اداره آموزش و پرورش بصورت کتبی.

۲ - استفاده از آموزگاران که دوره درس هنر را گذرانیده اند.

۳ - دبیران متخصص هنر به مدارس فرستاده شود و دبیران هنر

لااقل ۲ ساعت وقت آزاد در مدرسه داشته باشند.

۴ - بخشنامه های ارسالی با پیگیری بیشتری دنبال شود.

۵ - اگر معلمین هنر کتابی مشخص داشته باشند و تدریس را از روی این کتاب ها انجام دهند برنامه درس هنر مدارس هماهنگ تر و منظم تر خواهد بود. (دوره ابتدایی)

۶ - از معلمان و مربیان هنر که ضمن هنرمند بودن صبور و آرام نیز باشند استفاده شود.

۷ - داشتن معلم هنرمند و توانمند بسیار مفید است.

۸ - ساعات درس هنر در مدارس معادل ۹۰ دقیقه بشود. (در سال های اول و دوم راهنمایی)

۹ - دستورالعمل های اجرایی برای کار هنر به مدارس ارسال شود.

۱۰ - دانش آموزان از طرف اداره به صورت کتبی تشویق شوند.

۱۱ - در دوره ابتدایی معلم هنر مستقل آموزش هنر را به عهده بگیرد.

۱۲ - مطالب کتاب هنر باید دارای هماهنگی باشد و از پراکندگی بپرهیزد.

۱۳ - ساعات کلاس هنر بسیار محدود است.

۱۴ - کلاس های فوق برنامه تشکیل شود.

۱۵ - کتاب هنر دوره ابتدایی در اختیار دانش آموزان قرار گیرد.

۱۶ - کتاب های هنر با صفحات کم ولی قابل استفاده و مفید تنظیم شود.

۱۷ - در کلاس های ضمن خدمت، دوره های آموزش نقاشی، خوش نویسی و کار دستی برای آموزگاران برپا شود.

جمع بندی و نتیجه گیری:

بررسی راهکارها و پیشنهاد های مدارس حکایت از آگاهی اولیای مدرسه به اهمیت و ضرورت بهبود کیفی فعالیت ها و محتوای برنامه های آموزشی و درسی هنر دارد.

مدیران مدارس با توجه به اولویت های آموزش هنر به شرح زیر به مؤلفه های زیر پاسخ مساعد داده اند:

۱ - احیای فضاهای غیر قابل استفاده در مدرسه برای به نمایش گذاشتن آثار هنری دانش آموزان؛

۲ - مشارکت فعال مدارس در ایجاد نمایشگاه آثار هنری دانش آموزان خود، به صورت جمعی و متمرکز؛

۳ - تقویت آموزش های حضوری و غیر حضوری معلمان هنر مدارس بر اساس متن برنامه هنر دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی (کارگاه های آموزشی هنر و دستورالعمل های اجرایی در راستای تقویت متن برنامه هنر)

۴ - تشویق و شکوفایی استعداد های دانش آموزان بخصوص دانش آموزان هنرمند مدرسه

۵ - تقویت آموزش خط تحریری نستعلیق در مدرسه

خط بین المللی زمان چیست؟

اشاره:

ما همواره در پی آنیم که در مباحث علمی مجله، از جمله جغرافیا، مقالاتی به زبان ساده در شرح پاره‌ای از پدیده‌ها یا مفهومی‌های جغرافیایی تهیه و در مجله چاپ کنیم. سال گذشته مقاله خواندنی جریان‌های دریایی، را در همین زمینه خواندند و اکنون مقاله‌ای درباره خط بین المللی زمان، می‌خوانید. از دیدن محترم جغرافیا درخواست می‌کنیم در صورتی که نیاز به دانستن مطالبی درباره پاره‌ای از این‌گونه پدیده‌ها دارند عنوان آن را برای ما بنویسند تا مقاله مورد نظر را در آن زمینه تهیه کنیم. به دبیران محترم جغرافی توصیه می‌شود در صورت تمایل این موضوع را روی یک کره جغرافیا برای دانش‌آموزان خود توضیح دهند.



که ما تصور کنیم خورشید، ماه، سیارات و ستارگان و هر چه در آسمان است در جهت عکس حرکت وضعی زمین، یعنی از مشرق به مغرب، در حرکتند. انسان در آغاز این توهم را حقیقت می‌پنداشت و معتقد بود که زمین مرکز جهان هستی است و همه اجرام آسمانی از مشرق به مغرب دور آن می‌چرخند. ولی امروزه این حقیقت منسوخ شده است که حرکت وضعی زمین هنگام صبح افق مشرق را پایین می‌برد و خورشید را آشکار می‌کند و هنگام عصر افق مغرب را برمی‌آورد و اندک‌اندک خورشید را پنهان می‌کند.

البته در حقیقت امر، خورشید و ستارگان و هر چه در آسمان است در حرکت اند. با این همه بگذارید برای روشن شدن مطلب، این حرکت را موقتاً فراموش کنیم و چنین تصور کنیم که همه چیز، به جز زمین، ثابت و بی‌حرکت است.

بنابر این اگر شما در نقطه‌ای از زمین قرار بگیرید، حرکت وضعی زمین چنین می‌نمایند که خورشید از نصف النهار شما، یعنی همان خط فرضی که از شمال آغاز می‌شود و از بالای سر شما می‌گذرد و به جنوب می‌پیوندد، می‌گذرد. سطحه‌ای را که خورشید از نصف النهار می‌گذرد ظهر، یا دقیق‌تر بگوییم، ظهر شمسی محلی، می‌نامیم.

این سخن بدین معنی است که وقتی که خورشید از بالای سر شما از نصف النهار شما، می‌گذرد، برای شما ظهر است، ولی برای شخص

خطی فرضی می‌توان تصور کرد که از افق شمالی جایی که شما هستید آغاز می‌شود و منحنی وار از پهنه آسمان بالای سر تا می‌گذرد و تا افق جنوبی امتداد می‌یابد. این خط که آن را نصف النهار می‌گویند آسمان را به دو نیمه، یکی در سمت مشرق و دیگری در سمت مغرب شما، تقسیم می‌کند. امتداد همین خط از زیر افق جنوبی می‌گذرد، آن سوی زمین را که زیر پای شماست دور می‌زند و به مبدأ خود می‌پیوندد و به این ترتیب، گرداگرد شما دایره بسیار بزرگی می‌سازد. نقطه‌ای از نصف النهار را که درست بالای سر شماست سمت الرأس (Zenith) نقطه مقابل آن را که درست زیر پای شماست سمت القدام (Nadir) می‌نامند.

اگر دو نفر درست در شمال و جنوب یکدیگر ایستاده باشند، هر دو دارای یک نصف النهارند، ولی هر یک برای خود سمت الرأس و سمت القدام جداگانه‌ای دارند. اگر دو نفر دوش به دوش هم رو به شمال یا رو به جنوب ایستاده باشند، هر کدام از آنها نصف النهار، سمت الرأس و سمت القدامی خاص خود خواهد داشت.

زمین هر بار که از جهت مغرب به مشرق، حول محور خود دوری می‌زند، همه نقاط آن از برابر همه اجرام آسمانی می‌گذرد. مدت زمانی را که طول می‌کشد تا زمین یک دور کامل گردد خود بچرخد، یک شبانه‌روز و به معنای وسیع‌تر یک «روز» می‌گوییم.

این گردش و فقه‌ناپذیر زمین به دور محور خود موجب می‌شود

دیگری که در مشرق با مغرب شما ایستاده است ظهر نیست. زیرا وقتی که خورشید از نصف النهار شما می‌گذرد، از نصف النهار کسی که در مشرق شماست، گذشته و هنوز به نصف النهار کسی که در مغرب شماست نرسیده است. بنابراین ظهر، با هر لحظه دیگر زمان، همراه خورشید دور زمین می‌چرخد. فقط در نقاطی از کره زمین در یک زمان ظهر می‌شود که نصف النهار و طول جغرافیایی یکسانی داشته باشد و یکی در سمت در شمال یا جنوب دیگری باشد.

این امر، چنانکه پیداست، در زندگی مردمی که ناگزیر از زیستن در کنار یکدیگرند، خاصه در زمانی که وسایل ارتباطی این همه پیشرفت کرده است، آشفتگی‌ها و مشکلات بسیار پدید می‌آورد. زیرا از شرق تا غرب جهان، هر شهری برای خود وقتی دارد که با اوقات شهرهای مجاور آن، برحسب مقدار فاصله شرقی و غربی‌شان، از چند دقیقه تا چند ساعت اختلاف پیدا می‌کند.

برای این که این آشفتگی‌ها و مشکلات از میان برداشته شود، در سال ۱۹۱۱ تنظیم زمان را بر اساس قاج‌های ساعتی قرار دادند. همان طور که می‌دانیم محیط کره زمین مثل هر دایره دیگر ۳۶۰ درجه دارد. چون زمین هر شبانه‌روز یک دور کامل دور خود می‌چرخد و چون یک شبانه‌روز را به ۲۴ ساعت تقسیم کرده‌ایم، پس سطح زمین در هر ساعت $\frac{360}{24}$ یعنی ۱۵ درجه دور محور زمین می‌چرخد. از این رو سطح زمین را به ۲۴ قاج ۱۵ درجه‌ای با قاج ساعتی تقسیم کرده‌اند.

برای این که این آشفتگی‌ها و مشکلات از میان برداشته شود، در سال ۱۹۱۱ تنظیم زمان را بر اساس قاج‌های ساعتی قرار دادند. همان طور که می‌دانیم محیط کره زمین مثل هر دایره دیگر ۳۶۰ درجه دارد. چون زمین هر شبانه‌روز یک دور کامل دور خود می‌چرخد و چون یک شبانه‌روز را به ۲۴ ساعت تقسیم کرده‌ایم، پس سطح زمین در هر ساعت $\frac{360}{24}$ یعنی ۱۵ درجه دور محور زمین می‌چرخد. از این رو سطح زمین را به ۲۴ قاج ۱۵ درجه‌ای با قاج ساعتی تقسیم کرده‌اند.



امتداد نصف النهار گرینویچ در آن سوی کره زمین، نصف النهار ۱۸۰ درجه است. روز رسمی از مغرب خط فرضی آغاز می‌شود که کم و بیش در امتداد نصف النهار ۱۸۰ درجه واقع است. این خط را خط بین‌المللی زمان (line International date) یا خط تغییر روز می‌گویند.

پس خط بین‌المللی زمان مرز میان روز گذشته و روز نو است. بلافاصله در سمت مغرب این خط، وقت همیشه ۲۴ ساعت، یا یک شبانه‌روز تمام، از بلافاصله در سمت مشرق آن جلوتر است. مثلاً اگر بلافاصله در سمت مغرب این خط ساعت ۶ بعدازظهر روز جمعه باشد، بلافاصله در سمت مشرق آن ساعت ۶ بعدازظهر روز پنجشنبه است. بگذارید توضیح بیشتری بدهیم:

زمین، چنان که گفتیم، در جهت مغرب به مشرق دور خود می‌چرخد. بنابراین، زمان در هر قاج ۱۵ درجه‌ای یک ساعت جلوتر



ساعت رسمی در هر قاج ساعت نصف النهار وسط آن قاج است. نصف النهار وسط قاج شماره صفر (رجوع شود به نقشه) نصف النهار گرینویچ Greenwich است، یعنی نصف النهاری که از رصدخانه قدیمی گرینویچ واقع در حومه لندن می‌گذرد. بنابراین، این قاج به دو نصف النهار هفت درجه و نیم طول شرقی و هفت درجه و نیم طول

از قاج ساعت غربی و یک ساعت عقب تر از قاج ساعت شرقی است. و من کتب که در نصف النهار گریبج ساعت ۱۲ ظهر ۱۲ جمع شده باشد. اگر به طرف مشرق بروید، در قاج شماره ۱۲ نصف شب جمع شده است و در قاج شماره ۱۳ ساعت ۱ بعد از ظهر است. و شبه خواهد بود. اما اگر به طرف مغرب بروید، در قاج شماره ۲۳ ساعت ۱۱ صبح، در قاج شماره ۲۴ ساعت ۱ صبح و در قاج شماره ۱۳ ساعت ۱ بعد از ظهر است. به عبارت دیگر بلافاصله در مشرق قاج شماره ۱۳ ساعت ۱ بعد از ظهر است. و در غرب جمع و بلافاصله در مشرق همان قاج ساعت ۱ بعد از ظهر است. زیرا چنانکه تقسیم هر شبانه روز بود در طرف غربی خط بین المللی تاریخ اعجاز می شود.

چنان که در نقشه دیده می شود، خط بین المللی زمان به جای آنکه مستقماً از روی نصف النهار ۱۸۰ درجه بگذرد، به صورت خط منکسری درآمده است که جای جای از این نصف النهار به طرف مشرق یا مغرب منحرف شده است.

سبب این انحراف آن است که خواسته اند این خط از میدان خشکی ها بگذرد و در دهکده های شهرهای محدود یکدیگر اختلاف تاریخ پیش نیاید. زیرا اگر خط بین المللی تاریخ درست در امتداد نصف النهار ۱۸۰ درجه می گذشت سبب اختلاف در ایام روزی می شد. هر دو سوی این نصف النهار زندگی می کنند.

در اقیانوس اطلس شمالی خط بین المللی زمان برای آن که از میدان نیبری و آلاسکا بگذرد، از نصف النهار ۱۸۰ درجه منحرف می شود. عدد داده در امتداد نصف النهار قرار می گیرد و چون به جزایر پوشش Meutian می رسد، به مغرب منحرف می شود. در اقیانوس اطلس جنوبی هم وقتی که به جزایر فجی Fiji می رسد منحرف می شود، در جنوب

زیاده حدیده به نصف النهار بازمی گردد.

وقتی که کشتی ها و هواپیماها از خط بین المللی زمان می گذرند، تا گردیدند تاریخ تقویم خود را تغییر دهند، کشتی های که از مشرق به مغرب، مثلاً از روس انگلستان به فرانسه می روند، هنگام عبور از خط بین المللی تاریخ باید تاریخ تقویم خود را یک روز جلو بردارند. یعنی اگر در روز پنجشنبه به طرف مغرب، خط بین المللی زمان بگذرد، به محض عبور از این خط تاریخ عزیزان می شود و روز جمع می شود. ولی کشتی های که از مشرق به مغرب می روند، هنگام عبور از این خط باید تاریخ تقویم خود را یک روز عقب تر بردارند. یعنی اگر در روز جمعه از این خط بگذرد، به محض عبور از این تاریخ تغییر می کند و روز پنجشنبه می شود. به این ترتیب ممکن است ماهی گیری در روز دو شبه از حساب خود به عقب میسرمانی که در سابق بوده، چند ساعتی در روز یکشنبه ماهی گیری شده و در هم حساب شده و شبه به حساب خود یار گردد.

۲۲ قاج ساعتی جهان اغلب تابع مرزهای جغرافیایی و سیاسی است. به صورت کلی هر قاج ساعتی از قاج ساعتی ساعت مشرق خود یک ساعت عقب تر است. مثلاً قاج های ساعتی قاج ساعتی گریبج است. قاج های مغرب آن از ۱۱ تا ۱۱ شماره و گذردی شده و ساعت های آنها از ۱۱ تا ۱۱ ساعت عقب تر از قاج ساعتی گریبج است. قاج های ساعتی ساعت مشرق گریبج از ۱۱ تا ۱۱ شماره و گذردی شده و در وقت های آنها از ۱۱ تا ۱۱ ساعت جلوتر از قاج ساعتی گریبج است. خط بین المللی زمان در فوجی که شماره ۱۱۰ در دو واقع است. مشرقی و مغرب این خط ۲۴ ساعت باهم اختلاف ساعت دارند.

در فهرست زیر قاج های ساعتی بعضی از شهرهای مهم جهان، ساعت آنها نسبت به قاج ساعتی گریبج نشان داده شده است.

شهر	وقت	شهر	وقت	شهر	وقت	شهر	وقت
پاریس	۱ بعد از ظهر	تاشکند	۵ بعد از ظهر	استانبول	۲ بعد از ظهر	نیویورک	۷ صبح
بوداپست	۱ بعد از ظهر	استکهلم	۷ صبح	موسکو	۳ بعد از ظهر	نیویورک	۷ صبح
قاهره	۲ بعد از ظهر	تایپه	۱ بعد از ظهر	پاریس	۲ صبح	نیویورک	۷ صبح
شیکاگو	۶ صبح	وین	۹ صبح	ریو دو ژانایرو	۱ بعد از ظهر	نیویورک	۷ صبح
کیبک	۱ بعد از ظهر	واشنگتن	۱ بعد از ظهر	مدمبره	۳ بعد از ظهر	نیویورک	۷ صبح
هوانا	۷ صبح	تهران	۵ بعد از ظهر	مبیلون	۷ صبح	نیویورک	۷ صبح
استانبول	۲ بعد از ظهر						



منصور ملک عباسی

کارشناس گروه جغرافیا



آموزش نوین جغرافیا

زمینه ساز گفت و گوی

جوهر

مقدمه

بگیرند که فکر کردن اصل و تحمل افکار دیگران یک ارزش است. آنها اگر امروز این ویژگی را آرام آرام یاد بگیرند، در آینده نیز می توانند به آن عامل باشند. آنان همچنین باید به جای نشان دادن بی حوصلگی و کم طاقی، در هر امری، بتوانند به گفت و گو بنشینند و بدور از تصمیم گیری های عجولانه، خودسرانه و بی منطق، بهترین راه را برای حل مسائل و مشکلات پیدا کنند. و این ها همه آموزش دادنی است.

عادت به فکر کردن

آیا ما تاکنون فکر کرده ایم که چرا این قدر نیازمند به دادگاه و قاضی هستیم؟ پاسخ روشن است؛ زیرا اغلب ما نمی توانیم و عادت نداریم که خود فکر کنیم و اصول مشترکی را در اختلاف نظرهایمان پیدا کنیم، لذا نیازمند

موضوعی که این روزها تحت عنوان گفت و گوی تمدن ها، چه در ایران و چه در سایر مسان های مهم بین المللی، بر سر زبان ها است موضوعی نیست که مربوط به نسل امروز بشر باشد و ضرورت طرح آن تنها در جامعه فعلی داخل و یا خارج از مرزها احساس گردد. گفت و گو خود یک فرهنگ است که نسل های آینده بدان نیازمندتر از نسل امروز خواهند بود. ما برای نسل آینده چه طرحی داریم و چه باید بکنیم؟ چگونه می توانیم فرهنگ مقابله و احترام به فکر و اندیشه دیگران را در نسل فراتهادیته کنیم؟ اگر این امر، یک امر فرهنگی است، پس باید برای بلند مدت طرح داشته باشیم و از سنین کودکی برای فرزندانمان زمینه آن را فراهم سازیم. کودکان باید در محیط کوچک خانه یا مدرسه یاد

نه یک فکر ناشی هستیم که نه جای مایندیشد و بین ما اصلاح کند نه عبارت دیگر، ما به فکر کردن عادت نکرده ایم و بیشتر تقلید کرده ایم. جوان های ما در هر امری، تا کمترین اندیشه و تامل و خلاقیتی در مقابله افکار صحیح و ناصحیح که از داخل یا خارج مرزهای مرسد، تسلیم و از، مطیع و تابع بوده و آنها را پیروی می کنند. چرا؟ چرا بسیاری از آنها قدرت تجربه و تحلیل را پیدا نکرده اند؟ چرا هر کالایی به صرف آن که متعلق به دنیای دیگر است برای بسیاری از اینان، چشم بسته، جذاب است؟

بله، سخن ما که در عادت دارد فکر کند، تحلیل نماید و امور را بسنجد و بسنجد کند. لذا در کوران زندگی هم احتمالاً در مقابل کم چنگ ترین مشکل، ساده ترین، بی نظیر و بی محتوا ترین راه را می جوید و همان را برمی گردانی. اکنون باید پرسید ایده گفت گوی تمدن ها در حل این مشکل چه کمکی می تواند بکند؟ به نظر ما گفت و گوی تمدن ها قبل از آن که کاربرد خاصی داشته باشد و تا فهم ملت ها و احترام متقابل آنهاست نه آداب، رسوم، فرهنگ و تمدن بگذرد راهی به سوی صلح و دوستی در دهکده جهانی نباشد، کارایی و مصرف داخلی دارد.

بدین معنی که باید محضی را فراهم آوریم و اجازه دهیم که افراد نظر خود را در موارد مختلف بیان کنند، دیگران سیر آن نظرات را بشنوند و در فصاحت آراء که بر اساس اصول و مبانی عقیدتی و معتقدات اصلی دینی صورت می پذیرد، فکر صحیح و راه حل منطقی، پیدا نمایند. در یک چنین محیطی، ارزش در فکر کردن، بر اصول تکیه کردن و خارج از هوی و هوس سخن گفتن است.

فکر کردن یک ارزش است

خداوند همه انسان ها را بر اساس اصولی چون فطرت و عقلانی آفریده است و همین اصول است که بنیان ها و باورهای اصول دینی و اسلامی ما را به وجود آورده است.

از مول معصوم (ع) در روایات می خوانیم: «خداست برین سنگان، علما و دانشمندان هستند» روشن است چرا، زیرا آن ها به دنبال آن که بر اساس تفکر و عقل و نور از میان نفسی سخن می گویند و عمل می کنند در مقابل حکمت خداوند جامع و خاشع و در بردار و خیر و ثواب پذیرند. بنابراین در معتقدات مذهبی ما بر فکر کردن، شنیدن افکار گوناگون و انتخاب نیکوترین آنها یک ارزش است. حال این سوال مطرح است که چگونه می توان بدون زمینه سازی در این امر امتدوار بود که طرح گفت و گوی تمدن ها در جامعه و بخصوص در لسان آینده نهدیه شود؟ مسلم است که اگر قرار باشد حاصلتی در جامعه به فرهنگ آن جامعه تبدیل شود نیاز به آموزش دارد و آن هم آموزشی از دوران کودکی. حال این سوال مطرح است که آیا نظام آموزشی ما این اجازه را به دانش آموزان ما می دهد که در رفتار هشی چون فکر کردن، نظر دادن، نقد کردن،

شخصه گیری و عمل به بهترین ایده ها را در خود نهادینه کند؟

نقادی و نظام آموزشی

در مقاطع پایین آموزش عمومی (دوره ابتدایی و راهنمایی) مدل هست که یاددهی - یادگیری به حفظ شرکت خاصی و از، جواب دادن و سیر ۲ گرفتن متداول شده است.

بقیاً حجم زیاد درس ها، تنوع و فراوانی عناوین دروس در هر پایه، حفظی بودن دروس بخصوص دروس علوم انسانی، ارزشیابی بر اساس حذف رقیب، و در نهایت یادگیری دانشجو بر اساس تذکر و اجازت فقهی گفتگو را برای دانش آموزان، فراهم می کند.

آموزش ها در نظام معیبه و ثرویت ما عمدتاً در سطح دانش است و کمتر به سطوح بالاتر یادگیری مانند درک، فهم، مهارت و یا تجربه و تحلیل توجه دارد. ارزشیابی از آموزه ها در همین سطح اندکی و به شکل یادآوری محفوظات است و سخن

در یک چنین شرایطی به تنها خلاقیت پرور نمی کند و توسعه نمی یابد بلکه فکر کردن جای خود را به حفظ کردن می دهد.

در نظام آموزش طلبگی، در حوزه های عمیبه، نیز هرگز وضع این گونه بوده و نیست. در این حوزه ها فضای بحث و گفت و گو و جدل های مفهومی کاملاً فراهم و رایج است. اسناد و نسخه ای را فادریه دفع از فکر و ایده اش بر اساس استدلال های منطقی، عقلی یا نقلی نیاید، اجازه ورود به سطح بالاتر را می دهد. ولی در نظام آموزش رسمی ما مانند حوزه های چنین فضایی جانی است. به هر حال باید فکری می شده، متون درسی کتاب یک سری اختصار لایتنر و پذیرفته شده تلقی می شد و جانی هیچگونه بحث و اظهار نظری را جای نمی گذاشت. و چنانچه در آزمون ها شمه ای در یک تعریف جانها می شد اگر چه مفهوم تعبیری نمی کرد دانش آموز، حداقل، نمره و نمره را از دست می داد. به یابنده فکری می شد.

#####

تضمیم در گروه جغرافیا

شورای برنامه ریزی گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تأسیس کتب درسی با توجه به اهمیت گفت و گوی مبتدیان و تفسیر و تفسیر فراهم نمودن زمینه های عملی آن در نظام آموزشی کشور بر آن شده است تا بیشتر مناسب این امر را از طریق آموزش نوین جغرافیا مهیا سازد، و تا یک تعبیر را بگوید در تألیف کتب درسی جغرافیا و تلاش در جهت اشاعه این به نفع در میان دبیران و معلمان این رشته، تا حدود زیادی موفق به پایه ریزی این بنیان شده است.

گاهی داریم که دروس جغرافیا به عنوان یک درس حتمی در ... بر عتق فراموش می شود، کاربردی در آینده ندارد و مهارت ... اصلاحات عمومی - حفظ یک سری اعتقاد، زرقه، ایمانی روزها...

کوه‌ها، مسافت‌ها، نام پایتخت کشورها و تعاریف نقلی می‌شد امروزه به آرامی و با تألیف کتاب‌های نو جغرافیا با نگرشی نو توانسته است زمینه «تدریس فعال» را در صحنه کلاس‌های درس فراهم آورد. تا قبل از این، علاوه بر محفوظاتی بودن و غیر کاربردی بودن درس جغرافیا که سبب دلزدگی دانش‌آموزان می‌شد عامل مهم دیگری که در نامطلوب کردن این گونه دروس بویژه علم جغرافیا، مؤثر افتاده روش تدریس نامطلوب اغلب دبیران جغرافیا بود.

در چنان فضایی، دانش‌آموزان تنها شنونده‌اند نه اظهار نظر کننده. آنها باید مطالب را خوب حفظ کنند و در پایان سال همان محفوظات را خوب امتحان دهند، در این شرایط معلم تنها واسطه‌ای است که اطلاعاتی را از ذهن خود به ذهن دانش‌آموز منتقل می‌کند و دانش‌آموز بدون هیچ تحلیلی و تغییری آن را حفظ نماید. در چنین فضایی امکان نهادینه شدن گفت و گوی تمدن‌ها که بستر آن فکر کردن و تبادل افکار است پدید نمی‌آید. این شیوه آموزش یک طرفه، همواره خسته کننده و بی‌جاذبه نیز بوده است.

خوشبختانه امروزه با تغییر رویکرد در تألیف کتاب درسی جغرافیا و به همراه آن تغییر آرام‌روشن آموزش و تدریس جغرافیا از سوی دبیران، زمینه‌های تفکر، بحث و گفت‌وگو در کلاس فراهم آمده است.

رویکرد جدید

در این زمینه گروه جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی موفق شده است یک کتاب درسی را با دیدگاه جدید تألیف نماید. بدین ترتیب که هر درس با یک سؤال آغاز می‌شود تا انگیزه لازم را برای موضوعیت دادن به مسئله ایجاد نماید.

برخلاف گذشته متون درسی این کتاب تمام اطلاعات را در اختیار نمی‌گذارد بلکه بخشی از اطلاعات را به طور مفهومی مطرح می‌کند، و با طرح سوال و درخواست اظهار نظر از سوی مخاطب (دانش‌آموز) آنها را وادار به فکر کردن می‌نماید. اصولاً هر انسان در مقابل مسئله و سوال مجبور به فکر کردن می‌شود و به دنبال راه حل می‌گردد. متون درسی به گونه‌ای سامان‌دهی شده است که دانش‌آموز هم در یافتن راه حل دخالت داده شده است لذا همه مفاهیم به طور کامل و حلاجی شده طرح نمی‌شود. دانش‌آموز موظف است با هدایت و راهنمایی دبیر با در اختیار داشتن تعدادی اطلاعات، با بحث و گفتگو، خود در تولید مفهوم نقش داشته باشد.

با آموزش‌هایی که برای دبیران طراحی گردید و تشکیل دوره‌های آموزشی، معلمان فرا گرفته‌اند مطابق متون درسی، زمینه بحث کردن، استدلال کردن، رد و نقد کردن موضوع مورد نظر را فراهم نموده و بحث کلاس را هدایت نمایند. مطالب درسی و سوالات مطرح شده در متن کتاب به شکل و اگر طراحی شده بدین معنی که

برای یک سوال تنها یک جواب متصور نیست. بلکه هر کس می‌تواند از دیدگاهی مسئله را مورد بحث قرار دهد و دیگران در کلاس مطالب دانش‌آموز را می‌شنوند و آن را تأیید و یا رد می‌کنند و معلم بعنوان هدایت‌گر، بحث را در نهایت جمع نموده مطابق اهداف کتاب سمت و سوی می‌دهد. این روش که به روش تدریس فعال مشهور است، در قالب‌های گوناگونی قابل پیاده نمودن در کلاس است. به عبارت دیگر معلم، محور نیست بلکه دانش‌آموز و مسایل مورد بحث محور هستند. دانش‌آموزان در این روش ذهن فعال پیدا می‌کنند و احساس می‌نمایند که خود در آموزش مطالب و تولید مفاهیم نقش داشته‌اند و از این رو به یک سطح اعتماد به نفس نسبی می‌رسند.

ارزشیابی

خوشبختانه نظام ارزشیابی هم به کمک آمده و برای بحث‌های کلاسی دانش‌آموزان حسابی باز نموده است و انگیزه‌های لازم را برای شرکت همه دانش‌آموزان در بحث‌های کلاسی فراهم ساخته. چرا که گروه جغرافیا و مؤلفین این کتاب‌ها در زمینه شیوه ارزشیابی طرح خود را ارایه داده بودند تا در کنار آموزش به شکل فعال، ارزشیابی و سیستم نمره‌گذاری هم متناسب با آن در آموزش عمومی به کار گرفته شود. (ارزشیابی مستمر)

در سایر دروس همچون علوم، ادبیات فارسی، تاریخ و ... نیز در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف اقداماتی در جهت تغییر رویکرد کتاب درسی از حالت موضوع محور به دانش‌آموز محور صورت پذیرفته و بنوعی دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری فعال و درگیر نموده‌اند.

نتیجه

جای بسی خوشوقتی است که بگوئیم در میان دروس علوم انسانی، دانش جغرافیا بهترین زمینه را برای تبادل نظر و طرح مسایل گوناگون جغرافیایی از مقیاس محلی تا جهانی در اختیار دارد. موضوعاتی همچون، مسئله آب، مهاجرت، گردشگری، جمعیت، محیط زیست، آلودگی‌های محیطی، مخاطرات طبیعی و ... تماماً زمینه‌های بحث و گفت‌وگو را در دل خود داشته و محیط کلاس که مدل کوچکی از جامعه بزرگ فردا است، در اختیار برنامه‌ریزان و مولفان کتب درسی قرار دارد. اگر امروز در نظام آموزشی ما چگونگی بحث و گفت‌وگو، منطقی‌فکر کردن، شیوه‌های مفاهیم و همدلی در کلاس تمرین شود و از آموزش جغرافیا به عنوان بستر مناسب کمک گرفته شود، می‌توان امیدوار بود که موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها و اهداف آن به واقع نهادینه شده و بخشی از فرهنگ غنی کشور ما شده است.

اشاره: مقاله ای که ملاحظه می فرمایید، چنان که از عنوان آن پیداست، با نگاهی جدید و در ارتباط با بهداشت عمومی و زندگی سالم، به موضوع تربیت بدنی پرداخته است لذا به نظر می رسد می تواند مورد مطالعه مکرر و تجزیه و تحلیل کارشناسان و دبیران محترم قرار گیرد. لذا لازم می دانیم از مجله رشد آموزش تربیت بدنی که این مقاله را در اختیار ما قرار داده اند، تشکر کنیم.

این مقاله تجدیدنظری است درباره چگونگی آموزش تربیت بدنی و تأثیر آن در زندگی دانش آموزان به نحوی که بتوانند زندگی سالمی داشته باشند.

انجام فعالیت های بدنی منظم، می تواند بهداشتی متعددی به دنبال دارد، بر خورداری از مدل های عملیاتی برهه فشار خون پایین، بهبودی سلامت روانی و عملکرد آگاهانه از جمله فواید بهداشتی حاصل از فعالیت بدنی است. با وجود آنکه برای این تحقیق پیشتر

مردم هر سال تست به دنبال قبل جناق سر و کم تحرک تر می شوند. در رابطه با سلامتی و بهداشت، برنامه تربیت بدنی مدارس نیز همه دوره های زندگی تأثیرگذار است و نقش مهمی دارد. زیرا فعالیت بدنی در روح می دهد و می تواند همواره به تغییر رفتار، ایجاد رفتار جدید، مهارت های آموزشی و جسمانی بهبود آندگی عمومی دانش آموزان لازم است که با توجه به تربیت بدنی مدارس را مورد تجدیدنظر قرار دهیم. در سبکی از



مطالعات اخیر، از بزرگ سالان سؤال شد: «آموزش چه چیزهایی به دانش آموزان قبل از پایان تحصیلات لازم است؟ کسانی که به این پرسش پاسخ دادند اظهار کردند: «آگه‌ها بودن از موضوعات بهداشتی بسیار مهم تر

است از یاد گرفتن مفاهیم هنری، تاریخی، علمی و ریاضی». مدارس در برنامه ریزی های آموزشی خود برای آموزش شیوه های که شاگردان را به سوی زندگی سالم تر همون می شوسند، زمان کمی

اختصاص می دهند. برای آموزش شیوه زندگی سالم لازم است که یک برنامه کیفی تربیت بدنی در مرکز برنامه های تفصیلی بهداشتی مدارس^۲ قرار گیرد و به عنوان نیاز اصلی همه مدارس شناخته شود و مدارس با



تربیت بدنی نوین

نویسنده: لسلی تی لامبرت
ترجمه: ماندانا آجودان

داد. در حقیقت یک رابطه مستقیم بین زندگی فعال و پرنحرف و تداوم سلامتی و بهداشت وجود دارد. عدم تحرک بدنی در آمریکا هر سال منجر به وقوع ۲۶۰ هزار مورد مرگ و میر می شود. رفتارهای غیربهداشتی پس از گذشت چند سال اثرات بالینی خود را آشکار می سازند. بنابراین، ضروری است که دانش آموزان اهمیت فعالیت بدنی را در سال های اول زندگی بیاموزند. این فراگیری زیربنای فعالیت بدنی در سال های بعدی عمر آنها خواهد بود. کودکان و نوجوانان هر روز یا چند روز در هفته نیاز به حداقل ۶۰-۳۰ دقیقه فعالیت بدنی شدید دارند، هر چند که انجام فعالیت بدنی به مدت ۶۰ دقیقه و حتی چند ساعت بهتر است. در هر صورت باید اطمینان حاصل کرد که آنها در طول روز به انجام فعالیت های متوسط در دوره های ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ای می پردازند. علسی رعم الگوهای مهمی که در رابطه با فعالیت های بدنی دوران کودکی ارائه شده است نیمی از

تأمل بیشتری طراحی و ارائه برنامه های تربیت بدنی را بررسی کنند و اطمینان داشته باشند که اولاً این برنامه ها قابل اجرا و حساب شده هستند، و ثانیاً امکان پیشرفت و توسعه دارند و از نظر آموزشی نیز به گونه ای طراحی شده اند که به دانش آموزان اهمیت زندگی فعال بدنی را می آموزند.

اهمیت فعالیت بدنی

گزارش های گوناگون مؤسسات ارتقای بهداشت بر لزوم افزایش فعالیت بدنی کودکان و نوجوانان، تأکید فراوانی دارد. بی تحرکی عواقب بهداشتی فراوانی مثل چاقی، فشار خون بالا، افزایش قند خون و افزایش چربی خون را به دنبال خواهد داشت. وجود موارد فوق در بیسن بزرگ سالان کم تحرک شایع تر است و خطر بروز بیماری های مزمنی چون بیماری های قلبی-عروقی، سرطان های مختلف، دیابت نوع دوم و پر فشار خونی را افزایش خواهد



کم‌دکان و بوجوانان از تحرک منظم و با قاعده‌ای برخوردار نیستند.

میران فعالیت از سطح متوسط تا پیشرفته با افزایش سن کاهش خواهد یافت. تعداد افرادی که می‌توانند از آموزش‌های روزانه تربیت‌بدنی استفاده کنند، به تدریج کم شده‌اند به این ترتیب که تعداد آنها از ۲۲ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است. یافته‌های مطالعات اخیر نشان می‌دهد که مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها در سطح ملی، زمان کمی از برنامه‌ریزی آموزشی خود را به تربیت‌بدنی اختصاص می‌دهند.

برنامه روزانه تربیت‌بدنی ویژه کلاس‌های ۶ تا ۱۲ تقریباً وجود ندارد. سالیان «و مک‌کسبی» (۱۹۹۱) از معلمان ورزش دعوت می‌کند که نقش جدیدی را بپذیرند و در جهت دستیابی به یک هدف بهداشتی ملی در تربیت‌بدنی گام بردارند. آنها از برنامه‌های آموزشی جدید و در حال رشد حمایت کرده، دوره‌های درازمدت تربیت‌معلم برگزار می‌کنند و با همکاری سایر متخصصین بهداشتی و از طریق افزایش فعالیت‌بدنی به نتایج مطلوب بهداشتی دست خواهند یافت.

برنامه‌های کیفی تربیت‌بدنی^۱

چه چیزی کیفیت یک برنامه تربیت‌بدنی را تعیین می‌کند؟ چگونه می‌توانیم به دانش‌آموزان کمک کنیم تا دانش و توانایی لازم را برای رسیدن به یک زندگی فعال (در زمان حال و آینده) کسب کنند؟ معلمین نیز چگونه می‌توانند با همکاری یکدیگر و سایر متخصصین بهداشتی، فرصت‌های موجود را در اختیار کم‌دکان و بوجوانان قرار دهند تا چگونگی راه‌یابی به زندگی سالم را بیاموزند و بپذیرند؟

برنامه‌های کیفی تربیت‌بدنی برنامه‌هایی هستند که به منظور کمک به دانش‌آموزان برای کسب مهارت و اعتماد، توسعه نفس در انجام حرکات متنوع مثل ورزش‌ها، حرکات رزیتیک، فعالیت‌های تفریحی و آمادگی جسمانی مطرح می‌شوند. انجمن ملی ورزش و تفریح (NASPE) در سال ۱۹۹۵ استانداردهای تربیت‌بدنی را ارائه کرده و به شرح ویژگی‌های فردی که آموزش‌های تربیت‌بدنی را فرا گرفته است پرداخته. در این استانداردها، مهارت‌های حرکتی-آمادگی، شناختی، رفتاری و روش زندگی فعال محور توجه قرار گرفته است.

انها چارچوب مناسبی برای طرح‌های تربیت‌بدنی تشکیل داده‌اند و معیارهایی را ارائه کرده‌اند که به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند، مهارت‌ها، اطلاعات حرکتی آنها، میزان آمادگی و عادات و ارزش‌هایشان را در رابطه با آمادگی جسمانی آشکار می‌سازد. هر چند که وجود این معیارها (استانداردها) به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده بودن یک برنامه باشد. اکثر برنامه‌هایی که به استفاده از استانداردهای مطرحی می‌شوند، مسجوم و آشکاری هستند و محور اصلی آنها یادگیری تشکیل می‌دهد.

رشته تربیت‌بدنی مثل سایر رشته‌های بیشتر به سنت‌ها و می‌آورده‌ها باوری‌ها، انجام تمرینات فیزیکی و بی‌تأثیر طاقت‌فرساست، (تعمیراتی از قبیل ترمش‌های منظمی، اسکادها، ورزش‌های گروهی بدون در نظر گرفتن توانایی افراد، برنامه‌های ورزشی تیمی که دانش‌آموزان را بیشتر سرگرم می‌کند تا بر فراگیری آنها بفرماید و تمرکز دادن به حضور دانش‌آموزان در فعالیت‌ها به جای این که یافته‌های مهم آموزشی آنها مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد) (الحاج

این گونه تعریفات حس می‌شود که دانش‌آموزان از تربیت‌بدنی و ورزش بیزار شوند. آنها در کلاس تربیت‌بدنی تحرک کمی دارند و وجود تکرار است که می‌تواند این مشکل را ایجاد کند. اکثر برنامه‌های تربیت‌بدنی سنتی منجر به شدن فعالیت و سنجش که دانش‌آموزان می‌شوند (معمولاً مسئولان استانی که صرفاً می‌شوند) باعث به دانش‌آموزان بعدی می‌شود. این که به صورتی چاره‌شناسی سنتی است در فعالیت‌ها شرکت کند.

بسیاری از کلاس‌های تربیت‌بدنی مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها تا کنون یادان بر انجام ورزش‌های تیمی دارند که اگر در گروه‌های به جمعیت اجرا شود، اثرات مثبت دانش‌آموزان را در برخواهد گرفت و همه دانش‌آموزان نمی‌توانند در طول مدت کلاس تربیت‌بدنی به انجام فعالیت جسمانی حتی در سطح متوسط بپردازند.

برنامه‌هایی که چند فعالیت را شامل می‌شود و از روی ۱، ۲ و ۳ هفته‌ای برگزار می‌کنند، زمان کمی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا با شرکت در فعالیت‌های زویتی اعتماد به نفس پیدا کنند. قرار دادن یک برنامه صرفاً غیر تیمی در این برنامه‌های مهم و هدفمند کار دشواری نخواهد بود. دانش‌آموزان در برنامه‌هایی فعالانه شرکت می‌کنند که آموزش مهارت‌ها، مفاهیم قابلیت جسمانی و فعالیت‌های بدنی روزمره را در اولویت قرار دهند. نمونه‌ای از مدرسی که در برنامه‌های خود موارد فوق را در نظر گرفته و به دانش‌آموزان جو انتخاب داده‌اند، گستان و اسکس و روزونه واقع در گرین ریور و او میگل است. در این مدارس با زهری حاتم سالیسی (۱۹۹۰) اکتان دانش‌آموزان فعالیت‌های تیمی و جسمانی خود را افزایش می‌دهند. زمانی که

به فراگیری مفاهیم کلیدی مربوط به فعالیت بدنی مناسب می پردازند. آنها با استفاده از نقشه های ذهنی، فعالیت یادگیری گروهی و دعوت به حل مسئله، همزمان با پیشرفت مهارتی، مفاهیم مربوط به آمادگی هوایی^{۱۱} را می آموزند. بازدید کنندگان این دو دبستان مشاهده کردند که کلاس ژیمناستیک به شکل یک نظام گردشی طراحی شده و ۴ حفره دارد که قلب، درجه ها، شریان ها و وریدها و مویزگ ها را دربر می گیرد. دانش آموزان با گذشتن از مسیرهای جریان خون توپ های آبی و قرمزی را که به ترتیب نشان دهنده سلول های بدون اکسیژن و سلول های اکسیژن دار هستند، دریاب می کنند. آنها فعالیت های خود را تصادفی انجام نمی دهند بلکه می آموزند که بدنشان چگونه کار می کند و تا چه اندازه انجام فعالیت های بدنی برای سلامتی حیاتی است. بنا به یک برنامه زمان بندی مناسب، انتخاب و آموزش محتوای مناسب و حمایت اجرایی، برنامه هایی مثل برنامه آموزشی خانم اکلاندر سطح فعالیت جسمی، بهداشت و قابلیت

جسمانی دانش آموزان را افزایش خواهد داد. معلمین کارآموده می دانند که چگونه برنامه های بویا و مناسب طراحی کنند که بر آموزش مفاهیم قابلیت جسمانی و مهارت فردی تأکید داشته باشد و همزمان با آموزش فعالیت ها حداکثر تحرک دانش آموزان را سبب شود. آنها در کلاس هایشان با انجام بازی های دسته جمعی (مثل راگبی^{۱۲}، وسطی^{۱۳} یا ورزش های تیمی) تنها دانش آموزان را سرگرم نمی کنند بلکه فعالیت های آنها را با فراگیری یافته های مطلوب پیوند می دهند. معلمین با شیوه های اصولی، پشرفته و مناسب دانش آموزان را ارزشیابی می کنند تا معلوم شود که آنها چه می دانند و با آنچه می دانند چه باید بکنند؟ یکی از معلمین کارآموده و مجرب خانم دی و یجیل^{۱۴} است. او که در مدرسه ابتدایی جفرسون^{۱۵} واقع در ساکرامنتو کالیفرنیا^{۱۶} کار می کند با استفاده از حرکات ریتمیک، اعتماد به نفس و توانایی دانش آموزان را در درک مفاهیم قابلیت جسمی و مهارتی بالا برده است. او با انجام حرکات ریتمیک به دانش آموزان کمک می کند تا مهارت های

ریتمیک خود را افزایش دهند و به فواید حاصل از حرکات ریتمیک (مانند فعالیت های روزانه) پی ببرند. خانم و یجیل برای آموزش مهارت های والی (رد و بدل کردن توپ)^{۱۷} و تهاجمی از وسایل متنوعی استفاده کرده و عملیات آموزشی را تغییر داده است (مثل استفاده از توپ های بادی، بالون، راکت به اندازه های مختلف). او به این وسیله دانش آموزان را یاری می کند تا بیاموزند که چگونه مهارت های خود را افزایش دهند و مسئولیت انتخابشان را خود به عهده بگیرند.

در مدارس راهنمایی و دبیرستان ها، دانش آموزان به کسب مهارت و فراگیری مفاهیم تلفیقی بهداشت و قابلیت جسمانی می پردازند. برنامه های آموزشی این امکان را فراهم می کند تا دانش آموزان بتوانند بین انتخاب مفاهیم و فعالیت های زندگی ارتباط برقرار سازند، مثل فعالیت های فردی، دو نفره (تیس و گلف) و فعالیت های خارج از مدرسه و تفریحی (پیاده روی و اسکیت). در این برنامه ها مفاهیم متناسب با پیشرفت دانش آموزان انتخاب می شوند و برنامه بر تشکیل تیم های کم تعداد و فعالیت های گروهی و حضور در مراکز و ایستگاه های یادگیری تأکید دارد. معلمین نیز باید شرایطی را فراهم کنند که همه دانش آموزان از حداکثر زمان فعالیت بهره مند شوند، حتی اگر دانش آموزی به اندازه کافی مهارت نداشته باشد و نتواند در فعالیت های رقابتی سطح بالا شرکت نماید.

برای بهره مند شدن از فواید بهداشتی متعدد حاصل از فعالیت جسمانی، شرکت در فعالیت هایی که نیاز به سطوح بالای انرژی دارد، الزامی نخواهد بود. بنابراین معلمین باید فرصت انتخاب فعالیت متناسب را در اختیار دانش آموز قرار دهند.



برای رسیدن به سطوح مختلف و تنوع مهارتی در مدرسه اجتماعی بیکس واقع در تیرانکنا "بیدی کلان" و تیم فارسی "معین" این مدرسه با همکاری دیگر هنکاران فعالان ورزشی غیرنظامی را در برنامه آموزشی گنجانده اند، مثل برگزاری اردوهای آموزشی که حداقل ۱۵ روز به طول می انجامد و دانش آموزان برای فراگیری یافته های زمان کافی خواهند داشت، همچنین می توانستند به صورت مستقیم حساب شده ای ارزشیابی شوند مثل ارزشیابی فردی، ارزشیابی حسی و ارزشیابی سرمربی. زمانی که معلمین یک برنامه هدفمند را طرح بر می کنند به شیوه های آموزشی ای نیاز دارند که طرح را با موفقیت به اجرا برسانند. شیوه های زیر می تواند برای طرح ریوی تمرینات آموزشی مشارکت و بذات بخش مورد استفاده قرار گیرد:

● هر یک از گروه ها تربیت بدنی باید هدفمند واضح و روشنی داشته باشد در حالی که بخش برنامه های تربیت بدنی فعلی به جای توجه و

تاکید بر تنوع یادگیری انجام یک نوع فعالیت را مدنظر قرار می دهند.

● معلمین در جهت یادگیری دانش آموزان آموزش دهند و تنها به منظور شرکت در یک برنامه ورزشی به برنامه ریزی بکنند. دانش آموزان نیازمند آشنایی اطلاعات مهم، مهارت های زندگی و مهارت های اجرایی هستند.

● افزایش زمان فعالیت و یادگیری و محور اصلی موافق با نهادهای مدیریتی، کویینش معاصرو آموزش قرار گیرد. تشکیل تیم های کم تعداد، تأمین تجهیزات برای همه دانش آموزان، انتخاب فعالیت هایی که از شدت و پیچیدگی متفاوتی برخوردارند و کاهش زمان انتظار دانش آموزان از حمله راه هایی است که برای رسیدن به زمان فعالیت بدنی مورد استفاده قرار می گیرد.

● معلمین در صورت لزوم می توانند مداخله کنند و حرکات دانش آموزان را اصلاح نمایند. زمانی که دانش آموزان موضوعی را یاد نگرفته اند یا هنگام حرکات دشوار با مشکل روبه رو می شوند بسیار به بسیاری

دارند. آنها شرکت کردن دانش آموزان در برنامه ورزشی نباید مانع از آن باشد که آنها آموزش های لازم را فرا گرفته اند.

باز هم متذکر می شود که اگر هدف ما آموزش و فعالیت بدنی برای همه دانش آموزان را در بر می گیرد، نیازمند توجه به پیشرفت و موفقیت های آنها هستیم.

وظایف رهبران اجرایی

رهبران نهادها و مسوولان مدارس لازم است که به پیشرفت ها و کارآموزی معین توجه داشته باشند. کار آنها ارزیابی کنند، تسهیلات آموزشی لازم را از اختیارشان قرار دهند و به طراحی مدل های برنامه ریزی بپردازند. برای طرح ریوی برنامه راهتفا می توان شیوه های زیر مورد استفاده قرار داد.

● تأمین فرصت های مناسب برای پیشرفت کارکنان

اکثر معلمین با سابقه و مجرب آموزش های جدید را از رشته علوم بهداشتی و تربیت بدنی بدیده اند و در برنامه های تربیتی که فعالیت بدنی و آموزشی را آموزش می دهند شرکت کرده اند. بیشتر اطلاعات درباره تربیت بدنی کهنه شده و بسیاری از اطلاعات موجود پیشرفته شده اند. معلمین می توانند با تبادل نظر و شرکت در گفتگو گویهانی تخصصی، مشاهده نزدیک و تجربی گری به نتایج مطلوبی دست یابند. تأمین فرصت های مناسب برای تداوم یادگیری و ایجاد فضایی که معلمین بتوانند با عمق تازنده شوند، نیازآموزی را تسهیل خواهد کرد.

● نظارت، ارزیابی آموزش و شیوه های ارزشیابی

همانند سایر اجزای فعالیت های تربیتی باید در جهت افزایش زمان فعالیت بدنی برای همه دانش آموزان توجه ویژه داشته باشند.



11. Washington
12. Roosevelt
13. Green River, Wyoming
14. Nancy Razo Eklund
15. aerobic fitness
16. kick ball
17. dodge ball
18. Debbie Vigil
19. Jefferson
20. Sacramento, California
21. Valley
22. Lincoln
23. Nebraska
24. Cindy Golden
25. Tim Farley
26. fitness Concept

مهارت های رد و بدل کردن توپ

استانداردهای ملی تربیت بدنی (NASPE، ۱۹۹۵) ویژگی های فردی که آموزش های تربیت بدنی را فرا گرفته از این قرار است:

۱) با اعتماد به نفس به انجام حرکات مختلف می پردازد و مهارت خود را در انجام تعدادی از حرکات به نمایش می گذارد.

۲) مفاهیم و اصول حرکتی را برای فراگیری و افزایش مهارت های حرکتی به کار می گیرد.

۳) یک شیوه زندگی فعال و پرتحرک را ارائه می کند.

۴) به مراتب و درجاتی از فعالیت جسمانی ارتقاء دهنده بهداشت دست یافته و آنها را حفظ می کند.

۵) رفتار اجتماعی و فردی مسئولانه ای را هنگام انجام فعالیت های بدنی از خود نشان می دهد.

۶) او تفاوت هایی که در انجام فعالیت های جسمانی بین افراد وجود دارد درک می کند و آنها را مورد توجه قرار می دهد.

۷) او درمی یابد که فعالیت جسمانی فرصت هایی برای تفریح کردن، ابراز وجود و ایجاد روابط اجتماعی فراهم می سازد.

در فعالیت ها شرکت می کنند. ما نیاز داریم که در درس های تربیت بدنی مهارت های زندگی در زمینه تصمیم گیری، هدف گرایی، حل مسئله، خودسنجی و پیروی از بهداشت را بیگنجاییم و در ارزشیابی ها از دانش آموزان بخواهیم که بافته های آموزشی خود را ارائه کنند. همزمان با بازنگری برنامه ها، نیازمند توجه به موضوعی هستیم که قسمت مهم تربیت بدنی را تشکیل می دهد. خلاصه کلام این که دانش آموزانمان را باری کنیم تا دانش ها، مهارت ها و رفتارهایی را کسب کنند که آنها را شایسته تحرک و فعالیت می کند.

Lambert, Leslie T. "The New Physical Education." Educational Leadership, Vol. 57, No.6 (Mar. 2000), 34-38

- پانویشت:
1. Cognitive functioning
 2. fitness
 3. Comprehensive school health programs
 4. Sallis
 5. McKenzie
 6. Quality Physical Education Programs
 7. fitness activity
 8. National Association for Sport and Physical Education
 9. squads
 10. Multiple - Activity formats

الزامی است حتی اگر برنامه ریزی ها درس های هدفمندی را دربر داشته باشند. نظرات بر افزایش مهارت، آموزش مفهوم آمادگی و فعالیت های روزانه به جای ورزش های تیمی اهمیت دارد. آموزش و یادگیری بر تفریح ارجحیت دارد. ارزشیابی دانش آموزان بر اساس آنچه فرامی گیرند انجام شده آنچه که انجام می دهند و یا این که صرفاً به دلیل حضور دانش آموز در فعالیت ورزشی، ارزشیابی آنها غیرمنصفانه صورت گیرد. لازم است که محرران از یادگیری دانش آموزان اطمینان حاصل کنند.

● طرح ریزی تسهیلات جدید یا اصلاح تسهیلات موجود

محررانی که امکان طراحی یا بازسازی تسهیلات تربیت بدنی را دارند باید بیشتر توجه خود را به مدارس راهشمالی و دبیرستان ها معطوف دارند. بایستی در طول روز از تسهیلات موجود برای برنامه های آموزشی استفاده کنند و بعد از تعطیل شدن مدارس آنها را در برنامه های اجتماعی مورد استفاده قرار دهند. ژیمناستیک و رشته های آن فضای مناسبی را برای ورزش های روزمره و حرکات ریتمیک و تفریح فراهم می سازد.

● متحد کردن اجزاء تشکیل دهنده برنامه های تفصیلی بهداشتی در مدارس

رهبران مسئول و محرران برنامه های توسعه بهداشت و تندرستی، برنامه های تغذیه مدارس و مؤسسات اجتماعی همگی می توانند با یکدیگر همکاری کنند و تخصص خود را به کار گیرند. کمک به کودکان و نوجوانان برای کسب موفقیت، لذت بردن و کسب اعتماد به نفس، در توانایی های جسمانیشان اهمیت دارد. ما بسیار متشکریم به کارگیری تجربیات آموزشی ای هستیم که در آنها دانش آموزان از تحرک و فعالیت برخوردارند و با شیوه های مناسب و پیشرو



اجرای طرح خوداتکایی*

در مدارس راهنمایی تحصیلی شبانه روزی

شکوه قوانینی

بمورد است. هم اکنون مدارس شبکه دولتی نقش بسزایی در توسعه و بسط آموزش در روستاهای پراکنده و فاقد مدارس عالی بومی تکلیف کرده است. اما ما بحث ساختن نظام آموزشی است. این مدارس هم چنین سهم عمده‌ای در آموزش تحصیلی، جلوگیری از مهاجرت دانش آموزان روستایی و جبران هزینه‌های شهرها، افزایش و توسعه آموزش در مناطق روستایی و محروم و برپا ساختن مدارس مفصلیت‌دانش آموزی و مختلف دارند. نهایت این که موجب افزایش دگرگونی دانش آموزان و خانواده‌های آنان نسبت به تحصیل در این مناطق شده است. یکی از طرح‌هایی که می‌تواند برای ارتقای آموزش و پرورش در این مدارس اجرا شده است طرح خوداتکایی است که در اینجا قصد داریم آن را بشناسیم و معرفی کنیم.

ضرورت اجرای طرح خوداتکایی

از اهداف سیاست‌ها و اهداف تعیین شده برای نظام آموزشی و پرورشی می‌توان به تسبیح منابع و توسعه، ملی برافراشته ساختن آموزش و پرورش و نیز برانگاشتن اهداف تأسیس مدارس شبانه‌روزی اشاره کرد. از جمله است: جلوگیری از مهاجرت دانش آموزان روستایی به شهرها، کاهش هزینه‌های تحصیلی و فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای برپا ساختن آموزش عالی. به جهت گیری از اوقات فراغت آنان به نحوی تا آنجا که می‌تواند دانش آموزان روستا شبانه‌روزی صورت ۲۴ ساعته در مراکز شبانه‌روزی تحصیل کنند. این امر به تسهیل تحصیل آنان است. تا آنجا که می‌تواند به تسهیل تحصیل آنان است. تا آنجا که می‌تواند به تسهیل تحصیل آنان است.

مدارس شبانه‌روزی و اهداف آن

یکی از اقدامات مهم دولت، و به دنبال آن وزارت آموزش و پرورش، در زمینه آموزش افراد واجب‌التعمیر در روستاها و مناطق محروم کشور، تأسیس و توسعه مدارس شبانه‌روزی است. مقصود راهنمایی و متوسطه است که می‌توان آن را یکی از مصداق‌های بسط عدالت اجتماعی به‌شمار آورد.

مدارس شبانه‌روزی مدارسی هستند که برای دانش آموزان مناطق روستاهای کم جمعیت، پراکنده و ضعیف‌التعمیر مناطق محروم، که امکان دسترسی به مدارس عالی را ندارند، تأسیس می‌شود که علاوه بر امکانات آموزشی و تغذیه دارای خوابگاه، وسایل و تجهیزات شبانه‌روزی می‌باشند. سابقه تأسیس چنین مدارس شبانه‌روزی در نظام آموزشی کشور عاید به ۲۶ سال نزدیک می‌شود. این مدارس که در خود در سال تحصیلی ۵۵-۵۴ تعداد ۹۰۰۰ نام‌شماره و ۱۲۸۸ نفر دانش‌آموز اجرا کردند. با حدود ۱۸۵۰ نام‌شماره، دانش‌آموز ۲۸۷۴۱۶ نفر دانش‌آموز تحت پوشش خود دارند.

مدارس شبانه‌روزی همواره از سوی روستاییان استقبال زیادی رویه رو شده است. روستاییانی که جهت ادامه تحصیل در این مدارس مجبور به روانه ساختن آنها به شهرها و بخش‌های دور و نزدیک و تحمل هزینه‌های بی‌غایت ناشی از آن‌ها و اغلب ناچارند از ادامه تحصیل آنان صرف نظر کنند. به همین دلیل این مدارس پیوند مستحکمی میان جامعه روستایی و عشایری محروم از یک طرف و نظام آموزشی کشور از طرف دیگر ایجاد نموده. باره‌های امیرالاست به آینده فرزندان روستاییان در این امر اشاره

منظور طرحی تحت عنوان طرح خوداتکایی توسط کارشناسی برنامه‌ریزی مدارس شبانه‌روزی دفتر آموزش عمومی تهیه گردید.

تعریف طرح خوداتکایی، اهداف و نحوه اجرای آن:

منظور از اجرای این طرح، آموزش دانش آموزان در زمینه مشاغل و حرف مورد علاقه آنان یا توجه به امکانات مدارس شبانه‌روزی، متناسب با ویژگی های اقلیمی، حرف و صنایع دستی بومی منطقه می باشد. در این طرح ما در پی تحقق اهدافی هستیم که مهم ترین آنها عبارت است از:

- تقویت روحیه کار، تلاش، تعاون و مسئولیت پذیری در دانش آموزان؛
- آشنایی و ایجاد زمینه کسب مهارت در خصوص فعالیت ها و حرف مورد علاقه دانش آموزان؛
- استفاده معیاد از اوقات فراغت دانش آموزان و پرورش استعداد های بالقوه آنان و نیز استفاده بهینه از امکانات موجود در این مدارس.

طرح خوداتکایی پس از بررسی و تدوین در دفتر آموزش عمومی و انجام اصلاحات لازم و رایزی با استان ها به تصویب معاونت آموزشی رسید. آنگاه با تأیید معاونت آموزشی و بر اساس هماهنگی های انجام شده با مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری مقرر شد با اعتناری بالغ بر یک میلیارد ریال ۴۱ طرح در ۴۱ مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه، و با اعتباری سراسری با دوست میلیون ریال از معاونت آموزشی نیز ۱۱ طرح در ۱۱ مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه به اجرا درآید.

این طرح ها در قالب ۵۲ فعالیت شامل قالی بافی، گلیم بافی، گبه بافی، خیاطی، گلدوزی، سوزن دوزی، کشت رعرعان، پرورش ماهی، زنبورداری، کاشت گلخانه‌ای خیار و... در همه استان های کشور به غیر از تهران به اجرا درآمد و طی آن بیش از ۲۱۵۰ نفر دانش آموز به کمک بیش از ۹۰ نفر مربی در اوقات فراغت خویش تحت آموزش حرفه آموزشی قرار گرفته‌اند.

بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده علاوه بر بازدید از طرح های در حال اجرا توسط کارشناسان دفتر آموزش عمومی، تمامی استان های مجری طرح نیز موظف شدند تا با تهیه گزارش مکتوب، فیلم و عکس میزان پیشرفت طرح ها را به دفتر آموزش عمومی اعلام نمایند.

بررسی های انجام شده نشان می دهد که اکثر قریب به اتفاق طرح ها با استقبال و موفقیت همراه بوده است؛ از جمله طرح کشت گلخانه‌ای خیار در مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه مهندس فاتح در مهریز استان یرد، طرح پرورش ماهی قزل‌آلا در مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی امام صادق منطقه تیران و کرون (نحف آباد اصفهان) و نیز طرح زنبورداری در مدرسه شبانه‌روزی پسرانه ۱۵ خرداد خوانسار از استان اصفهان، طرح گلیم بافی مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه شهید کریمان منطقه سامن (ملایر) و نیز طرح قالی بافی مدرسه

شبانه‌روزی دخترانه فرقانی کرزان (شهرستان نویسرکان)، طرح عروسک سازی و گل سازی مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه حجاب شیروانه (در کامیاران استان کردستان) طرح گلدوزی و سوزن دوزی بلوچی مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه حضرت مریم شهرستان ایرانشهر (در استان سیستان و بلوچستان) و ...

دستاوردهای طرح

بر اساس اظهار نظر دست اندرکاران اجرای طرح ها در استان ها و نیز خود دانش آموزان، و همچنین گزارش های رسیده، این طرح در مجموع دستاوردهای زیر را داشته است:

- ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در دانش آموزان و مسئولان مدارس مجری طرح؛
- آموزش، فراگیری و بعضاً تسلط دانش آموزان به یکی از مشاغل مورد علاقه آنان؛
- ارتقاء کیفیت آموزشی این مدارس؛
- ایجاد فرصت مناسب برای دانش آموزان منقل و همچنین ایجاد زمینه مناسب برای دانش آموزان، معلمان و مدیران خلاق؛
- تقویت انگیزه دانش آموزان نسبت به تحصیل و افزایش ضریب ماندگاری در نظام آموزشی؛
- به وجود آمدن زمینه مناسب جهت اجرای طرح ها در سایر مدارس شبانه‌روزی و ادامه طرح.

توسعه و اجرای طرح خوداتکایی در سال ۸۱-۸۰

در سال تحصیلی جاری علاوه بر توسعه طرح های پیشین، طرح های جدیدی نیز در سایر مدارس راهنمایی شبانه‌روزی با توجه به زمینه ها، رغبت ها و امکانات موجود، توسط استان ها و با هماهنگی دفتر آموزش عمومی راه اندازی خواهد شد. تلاش استان ها بر این خواهد بود تا از طریق برقراری ارتباط مستمر با نهادها و سازمان های دیگر نظیر وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کار، وزارت صنایع، بانک ها و ... حمایت و مساعدت آنان را در این زمینه جلب نمایند.

* این مقاله از سوی دفتر آموزش انطالی و راهنمایی در اختیار مجله قرار گرفته است.



نشانی

امور فرهنگی

شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سرجه حصار، کد ۳۹۵۵، وجه شرکت است و ارسال اصل رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

نام و نام خانوادگی:	تاریخ تولد:
میزان تحصیلات:	تلفن:
نشانی کامل پستی:	شهرستان:
استان:	کوچه:
خیابان:	کد پستی:
پلاک:	شماره و تاریخ رسید بانکی:
مبلغ واریز شده:		

امضا:

دبیران محترم و دیگر خوانندگان عزیز که مقالات و نوشته های خود را برای مجله می فرستند فرم زیر را نیز کامل کرده و ضمیمه نوشته خود به نشانی تهران، صندوق پستی ۶۵۸۵ - ۱۵۸۷۵ ارسال نمایند.

عنوان مقاله یا نوشته:

نام و نام خانوادگی نویسنده:

نشانی دقیق محل کار:

نشانی دقیق منزل:

شماره تلفن و کد شهرستان:

شماره حساب بانکی:



رفوگری قالی



دورنمای نطنز



دخترکی با لباس محلی (ابپانه)



بازار مسگرها (مغازه مسگری)



شهرستان قمصر، کاشان



مراسم قالیشوین در مشهد اردمال



آب انبار گذر نو، بازار کاشان

ایران شناسی

از کرکس تا کویر

از کتاب، کاشان مرورید کویر



رنگرزی خامه های قالی



دریاچه نمک مریتجاب، کاشان

انتشار مجله رشد آموزش تاریخ از پائیز سال ۱۳۷۸ آغاز شد. این مجله، که چون دیگر مجلات رشد تخصصی به صورت فصل نامه منتشر می شود خواست چندین ساله کارشناسان و دبیران تاریخ و دیگر علاقه مندان به این رشته را برآورده ساخت. مجله رشد تاریخ با اهداف زیر انتشار می یابد:

- ۱- دانش افزایی دبیران از طریق ارائه آخرین یافته های علمی و آموزشی
 - ۲- تبادل تجربیات آموزشی دبیران و فراهم ساختن مجال ارتباط و همفکری آنان
 - ۳- بهبود فنون و روش های تدریس و ارزشیابی
 - ۴- برقراری رابطه تفهیم و تفاهم بین برنامه ریزان و مؤلفان کتب درسی با دبیران
 - ۵- تشویق دبیران به مطالعه، پژوهش و نگارش از طریق چاپ مقالات علمی آنان
- این اهداف در قالب مقالات، معرفی آثار تاریخی، گزارش، مصاحبه، اخبار و مانند آن ها تحقق می یابد. ضمن این که مطالعه مجله رشد تاریخ را به شما دبیران محترم مطالعات اجتماعی توصیه می کنیم عنوان مقالات آخرین شماره این مجله (شماره ۶، تابستان ۸۰) را در اینجا ذکر می کنیم:

- گفت و گو با دکتر شیرین بیانی
- تاریخچه کنفرانس های خلع سلاح
- سیاست فراگیر سلوکیان
- نگاهی به روش تاریخ نگاری طبری
- همایش نیشابور و گفت و گوی تمدن ها
- وزارت در عهد مغول
- گفت و گویی با دکتر غلامعلی احمدی
- زمینه های قدرت یابی «ناصر اطروش» در طبرستان
- نگاهی به «دییاجه ای بر جهان باستان»
- اخبار

